



فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ

سال چهارم، شماره (۱۳)، زمستان ۱۳۹۲

شاپا: ISSN ۲۲۵۱-۶۱۳۱

نشانی: تهران، خ ولیعصر، روبروی پارک ساعی، شماره ۲۲۹۸،
طبقه سوم، دفتر مرکزی دانشگاه بین‌المللی امام رضا^(ع)

تلفن: ۸۸۷۹۷۳۶۹

نمابر: ۸۸۸۷۰۷۴۵

آدرس اینترنتی: www.capiui.com/ir

آدرس ایمیل: info@capiui.ir/com

صاحب امتیاز: دانشگاه بین‌المللی امام رضا^(ع)

مدیر مسئول: دکتر حمیدرضا میرزایی (دانشیار و رئیس دانشگاه بین‌المللی امام رضا^(ع))

سرمدبیسر: دکتر عزت‌الله عزتی (دانشیار و مدیر گروه جغرافیای دانشگاه بین‌المللی امام رضا^(ع) و دانشگاه آزاد

اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)

مدیر داخلی: سجاد کمری (عضوهیئت علمی و دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام رضا^(ع))

اعضای هیئت تحریریه:

دکتر حسن باستانی راد، استادیار دانشگاه شهید بهشتی

دکتر علی محمد برادران، استاد گروه روانشناسی دانشگاه امام رضا(ع)

دکتر محمد حسین پاپلی یزدی، استاد گروه جغرافیای دانشگاه امام رضا(ع)

دکتر کاظم جاجرمی، استادیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران

دکتر محمدرضا حافظ نیا، استاد گروه جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمدتقی رضویان، دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه شهید بهشتی

دکتر کرامت‌الله زبیری، استاد گروه جغرافیا دانشگاه تهران

دکتر کریم سلیمانی، استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

دکتر سید یحیی صفوی، دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه امام حسین(ع)

دکتر رضا شعبانی صمغ آبادی، استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

دکتر حسن کامران، دانشیار دانشگاه تهران

دکتر پیروز مجتهد زاده، دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران

امور اجرایی و ناظر چاپ: مرکز آمایش گستران علوم

صفحه آرایی: بهاره افتخاری

ویراستاران: سمیرا میرنظامی، زینب صادقی نژاد

پژوهشنامه خراسان بزرگ براساس مصوبه مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۳ کمیسیون نشریات علمی کشور و با شماره مجوز ۳/۲۵۸۴۸۶ دارای اعتبار علمی- پژوهشی است.
پژوهشنامه خراسان بزرگ در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه شده است.

راهنمای نویسندگان

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ:

پژوهشنامه خراسان بزرگ، فصلنامه علمی دانشگاه امام رضا علیه السلام است که در زمینه تاریخ، فرهنگ و حوزه تمدنی خراسان بزرگ منتشر می شود، مقالاتی در پژوهشنامه خراسان بزرگ پذیرفته می شود که علمی-پژوهشی بوده و قبلاً در جای دیگری منتشر نشده باشد. هر مقاله حداقل توسط ۲ نفر داور متخصص در موضوع مقاله ارزیابی می شود. حداقل دو نظر موافق و تایید هیئت تحریریه مجله برای چاپ مقاله ضروری است. زمان فرآیند داوری (از دریافت تا پذیرش نهایی آن) ۳ ماه است.

حوزه مقالات:

فرهنگ و هنر حوزه خراسان بزرگ و تاریخی و فرهنگ های حوزه های مرتبط، تاریخ و تمدن حوزه خراسان بزرگ و تاریخی و کشورها و ملل همجوار، نقش اشتراکات فرهنگی و تاریخی کشورهای این حوزه در تحکیم مناسبات، تأثیر اشتراکات در قدرت و اشاعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورهای این حوزه در مناسبات منطقه ای و جهانی، نقش عوامل محیطی و جغرافیایی در گسترش یا ممانعت از توسعه ارتباطات یا واگرایی.

و همچنین سطح پوشش مقالات در بستر جغرافیایی: شرق و شمال شرق و جنوب شرقی ایران، قسمت اعظم افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان و بخش هایی از، هند، پاکستان، شرق چین است.

تعاریف و ساختار نگارش مقاله که در داوری مورد توجه قرار می گیرد:

- ۱-عنوان: تکراری نباشد، طویل بلاضرورت نباشد، فاقد ابهام و نارسایی بوده و خطایی یا شعرگونه نباشد.
- ۲-چکیده: آمیزه ای از طرح موضوع، پیشینه تحقیق، بیان فرضیه، هدف، روش تحقیق و نتیجه گیری است.
- ۳-واژگان کلیدی: نویسنده باید مباحث مهم خود را به صورت تک واژه جستجو نشان دهد، واژه های کلیدی حداکثر شامل ۵ کلمه است.
- ۴-چارچوب تحقیق: شامل تشریح، ضرورت موضوع، پیشینه تحقیق، سؤال های تحقیق، فرضیه تحقیق (در صورت موجود بودن) که صریحاً بیان شده باشد و روش تحقیق است.
- ۵-مقدمه: مدخل مقاله و کلام نویسنده است که به شرح مسئله می پردازد.
- ۶-بدنه اصلی مقاله: شامل مباحثی است که برای اثبات یا رد فرضیه تلاش می کند و ضمن آن نظریات رقیب را نقد و نظریه مقاله را به خوبی شرح و تحلیل می کند، پرهیز از کلی گویی، دوری از تعصب به مسئله و مستدل بودن مطالب از ویژگی های بدنه اصلی مقاله است.
- ۷-نتیجه گیری: جوابی است که سؤالات اصلی مقاله را جواب می دهد و بر اثبات یا رد فرضیه تأکید می کند. در نتیجه گیری مقدمه، ارجاع و دلیل آورده نمی شود.
- ۸-منابع به طور کلی در پایان مقاله ذکر شود.

نحوه ارائه مقاله :

- مقاله باید با برنامه رایانه ای word حروفچینی شده باشد و به ایمیل مرکز نشریات دانشگاه به آدرس info@capiui.ir ارسال گردد. مقالات ارسالی فاقد اشتباهات تایپی و خط خوردگی بوده و در حدود ۶۰۰۰ کلمه بدون احتساب جدول، تصویر و نمودار که در ۱۸ صفحه مقاله قابل چاپ باشد (با قلم Bmitra 13 ، فاصله خطوط single) و در ۳ نسخه تکثیر و همراه لوح فشرده به دفتر نشریه ارسال شود.
- عنوان مقاله باید کمتر از بیست واژه باشد ، چکیده فارسی بیش از ۳۰۰ کلمه نباشد. واژگان کلیدی حداکثر ۵ واژه باشد.
- تصاویر مربوط به مقاله باید مستند (همراه با ذکر کامل مأخذ) غیر تزئینی و از ارکان مقاله بوده و در متن به آنها ارجاع شده باشد و با فرمت JPEG و رزولوشن 300 dpi به همراه نمودارها و جداول بر روی لوح فشرده مقاله در پوشه ای جداگانه به دفتر نشریه ارسال شود. مجموع تعداد تصاویر، جداول و نمودارها حداکثر در حدود ۱۰ عدد بیش بینی شود.
- با توجه به برنامه مجله برای نمایه کردن مقالات در پایگاه بین المللی ، چکیده انگلیسی به صورت مفصل و در حدود ۸۰۰ کلمه با حداکثر ۵ واژه تنظیم شود.
- اعلام ، علایم اختصاری ، معادل واژه ها و توضیحات می باید تحت عنوان پی نوشت ها در انتهای مقاله آورده شود.
- روش ارجاع نویسی مقالات درون متنی : (نام خانوادگی نویسنده ، سال نسخه استفاده شده : صفحه). مثال : (میشل ، ۳۸ : ۱۳۸۰).
- روش ذکر نام منابع. در پایان مقاله به صورت زیر است :
کتاب : نام خانوادگی ، نام نویسنده ، اولین سال انتشار ، عنوان کتاب ، سال نسخه استفاده شده ، نام مترجم، محل انتشار : ناشر.
مثال : گروبه ، ارنست ، ۱۹۹۰ ، معماری جهان اسلام. ت : یعقوب آژند. ۱۳۸۰. تهران : نشر مولی.
Blak, N (1999). Higher Education in the 21 st century. New York : university press
- مقاله : نام خانوادگی ، نام نویسنده ، سال انتشار، عنوان مقاله ، نام مترجم ، نامه مجله (شماره صفحه یا صفحات مقاله در کل)
مثال : و. کلای. ولوام (۱۳۸۷) ، کاخ های صفوی ، ت : احسان طهماسبی ، فصلنامه گلستان هنر (۶۸-۷۳) سال چهارم ، شماره ۶ ، شماره پیاپی ۱۱ ، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- تذکر: چکیده انگلیسی در ابتدا مقاله ، ترجمه عنوان کامل مقاله ، ترجمه اسامی و سمت مؤلفین به همراه ترجمه واژگان کلیدی الزامی است.
- در هر مقاله نویسنده مسئول و آدرس ایمیل و شماره تماس نویسندگان الزامی است.
- در صورت وجود پیوست حتماً در پایان مقاله آورده شود.

فهرست

۹	امنیت پایدار در جنوب خاوری ایران ایرج افشار (سیستانی)
۱۵	خوارزم، گوشه‌ای از سرزمین‌های خراسان بزرگ از دست و ذهن رفته امیر رحمانی، محسن قربانخانی
۲۹	ملل شرق در دیدگاه فردوسی و شاهنامه دکتر امید شیوا
۴۱	تحلیل ژئوپلتیک برای خروج از بحران‌های نواحی شرق کشور دکتر عزت‌الله عزتی، محمدحسن نامی، وحید بارانی پسیمان
۵۱	باغ‌های تاریخی بیرجند در دوران قاجار و پهلوی دکتر سیدرسول موسوی حاجی، دکتر داوود صارمی نائینی، ذبیح‌الله مسعودی
۶۹	اسارت زوار ایرانی توسط ترکمانان و واکنش حکومت قاجار (سده ۱۹م) دکتر مسعود مرادی، زهرا شبانی ثانی

امنیت پایدار در جنوب خاوری ایران

ایرج افشار (سیستانی)^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۵

چکیده

استان پهناور و استراتژیک سیستان و بلوچستان در جنوب ایران و شمال دریای عمان و باختر افغانستان و پاکستان قرار گرفته و از دیرباز خاستگاه یکی از دیرین‌ترین و پربارترین نموده‌های فرهنگ ایرانی بوده (راولینسون ۱۳۷۸: ۳۴) و در دورانی بیش از ده هزار سال همواره پایدار مانده است و آثار درخشان فرهنگ ایرانی، به گونه‌های گوناگون در سراسر آن نمایان است (افشار سیستانی، ۱۷: ۱۳۸۱).

سیستان و بلوچستان سرزمین اسطوره‌ها و حماسه‌ها، کانون اجتماع‌های شهرنشینی، پل پیوند آسیای باختری با هند و چین، و گذرگاه کاروان‌های بازرگانی بوده است (خیرآبادی، ۹۷: ۱۳۷۶).

جنوب خاوری ایران به‌انگیزه چیرگی به اقیانوس هند و دریای عمان و نیز جایگاه فیزیکی ویژه‌ی خود، دارای ارزش استراتژیک است، و هم‌چنین قرار گرفتن این منطقه در آغاز راه‌های زمینی و در جای برخورد ابرقدرت‌ها، از دیرباز جایگاه سیاسی و نظامی ویژه‌ای را به دست آورده است (افشار سیستانی، ۴۴: ۱۳۸۱). ریشه‌ی ناامنی‌های موجود در خاور ایران، ترکیبی از موضوع‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، اجتماعی و ... بوده و برای رویارویی با آن، بایسته است به تلفیقی از راهکارها و روش‌های همانند روی آورد. در این زمینه می‌توان به وجود پیوند میان منافع اقتصادی مردم منطقه و شرارت و ناامنی اشاره کرد. نهادهای مسؤو‌ل باید در چهارچوب برنامه‌ای منظم بتوانند این پیوند را به شکل مخالف جریان موجود، سازمان‌دهی نمایند.

آسیب‌های روانی و فرهنگی، گرایش به مصرف مواد مخدر و خطرهای ناشی از آن، نه تنها جمهوری اسلامی ایران، بلکه تمامی جامعه‌های جهانی را مورد تهدید قرار داده است. در حالی که ایران با بهره‌گیری از هزینه‌های ملی به تنهایی بار مبارزه با یک تهدید جهانی را به عهده گرفته است.

برای مبارزه با قاچاق و مرزهای ناامن، بایسته است اراده‌ای جهانی شکل گرفته و هزینه‌های رویارویی با آن را همه‌ی کشورهای جهان بر عهده گیرند.

همسانی‌های فرهنگی و همگنی ساختار جمعیتی دو سوی مرزهای خاور ایران، فضای مساعدی را برای رشد هرگونه اقدام ضدامنیتی در منطقه پدید آورده است. برای تغییر ساختار و ایجاد جریان هم‌گرایی در کناره‌ی مرز خاوری کشور، بایسته است طرح‌های اقتصادی، صنعتی، کشاورزی و با اعطای مزایای ویژه و با انتقال یا کوچ و به صورت بلندمدت اجرا شود (رضوی، ۱۸: ۱۳۸۰).

واژگان کلیدی:

سیستان و بلوچستان، تنگه‌ی هرمز، اقیانوس هند، دریای عمان، هند، چین، افغانستان، پاکستان، مواد مخدر، امنیت پایدار.

مقدمه

سرزمینی و منطقه‌ای جنوب خاور ایران، نه تنها می‌تواند به‌عنوان نمادی از فرهنگِ توانگر منطقه، الهام بخش استان‌های دیگر کشور قرار گیرد، بلکه این ویژگی‌ها و توانش‌های منطقه‌ای می‌تواند نقش ارزنده‌ای در شکوفایی اقتصاد و امنیت پایدار خاور ایران داشته باشد (کرزن، ۱۳۵۰: ۳۱۸).

خاور ایران، از جمله منطقه‌ی سیستان و بلوچستان چنان که گفته شد، دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد و همیشه به انگیزه‌ی این جایگاه در معرض تهدید و فرصت بوده است و می‌تواند با پرداخت کم‌ترین هزینه‌ها، امنیت خود را نگه دارد و آن محقق نخواهد بود، جز این که با تدبیر و خویشتن‌داری با برنامه‌ریزی و درایت و مدیریت مهمی در جذب سرمایه‌های کلان از مناطق گوناگون نماید و با ایجاد بنگاه‌های بزرگ اقتصادی و مراکز تجاری و صنعتی و بهره‌گیری از سرمایه‌های خارجی و درگیر کردن آنان در این منطقه، نه تنها امنیت خود را نگه دارد، بلکه دیگران را نیز تشویق کند تا امنیت ایران، از جمله خاور ایران را نگه دارند.

این سرمایه‌گذاری می‌تواند انگیزه‌ی رشد شگفت‌انگیزی در کوشش‌های اقتصادی باشد که خود تأثیر بسیاری در امنیت منطقه‌ای و یکپارچگی و هم‌بستگی دارد (یعقوبی، ۱۳۸۵: ۷).

جنوب خاور ایران یک مرز دراز حدود ۱ هزار و ۴۰۰ کیلومتر آبی و خاکی دارد که بخش بزرگ آن، مرز مشترک با دو کشور مسأله‌دار افغانستان و پاکستان است. حجم بزرگی از مواد مخدر جهان در افغانستان تولید می‌شود. هم‌چنین نزدیک‌ترین و ارزان‌ترین راه انتقال این مواد به اروپا، گذرگاه ایران، یعنی از مرزهای خاور کشور است، که وجود کویرها، کوهستان‌ها و ریگستان‌های پهناور و نواحی خالی از سکنه‌ی استان سیستان و بلوچستان گذرگاه آسانی را برای آنان فراهم کرده است. به همین رو، این استان به‌عنوان بزرگ‌ترین گذرگاه انتقال مواد مخدر بوده است.

به این ترتیب قاچاق مواد مخدر با شرارت و ناامنی پیوند نزدیک دارد و سازه‌های بسیار دیگری دست به دست هم داده تا جایگاه امنیتی ویژه‌ای پدید آورد، از جمله دوردست بودن از مرکز و توسعه نیافتگی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، تنگدستی شدید اقتصادی، وجود مرز دراز و سختی کنترل آن، شرایط اقلیمی و جغرافیایی

استان سیستان و بلوچستان در جغرافیای سیاسی ایران، بلکه جهان، دارای نقش ارزشمندی است، زیرا ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در دریای عمان دارد و خلیج چابهار از یک جایگاه استثنایی در بیرون تنگه‌ی هرمز و قرار داشتن در دهانه‌ی اقیانوس هند، برخوردار است (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۲۱).

دریای عمان نه تنها به انگیزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و پیوندی برای ایران و منطقه دارای ارزش است، بلکه به دلیل داشتن جایگاه برتر سیاسی و ژئوپولیتیک خود، جنبه‌های دیگر را هر چند که با ارزش هستند، زیر تأثیر قرار داده است (عقلمند، ۱۳۶۷: ۳۹۵).

سیستان و بلوچستان از سرزمین‌هایی بوده، که فرهنگ انسانی در آن آغاز گشته و تاریخ این پیدایی به صد هزار سال پیش می‌رسد، سفال سیستان و ابزار سنگی بلوچستان به آخر دوره‌ی یخبندان سوم ریس و وورم نسبت داده شده است (امبرلو، ۱۳۶۵: ۱۴-۱۵).

مرزداران رشید و آزاداندیش بلوچ و سیستانی، همواره به پندار، کردار، گفتار و منش‌های نیکوی اخلاقی شهرت داشته‌اند. همین ویژگی هستی، توانست این منطقه‌ی مردخیز را از آسیبِ توفان‌های سخت، چون یورش‌ها، کشتارها، چپاول‌ها، بی‌مهری و ستم حکومت‌های پیشین نگه دارد.

نقش سرزمین و مردم در امنیت منطقه

استان سیستان و بلوچستان به‌انگیزه‌ی داشتن جایگاه ویژه طبیعی و جغرافیایی، هم‌جوار بودن با دریای عمان و رود بزرگ هیرمند و هامون نخستین دریاچه‌ی آب شیرین جهان، ویژگی سرزمین و جایگاه ویژه‌ی سیاسی، تاریخی، باستانی و اجتماعی، ارزش ویژه‌ای از دیدگاه استراتژیک داشته و گلوگاه آسیای جنوب خاوری نیز به‌شمار می‌رود (افشار سیستانی، ۱۳۸۷: ۱۶).

این استان از روزگاران کهن گاهواره‌ی فرهنگی ریشه‌دار بوده است، که آثار و نشانه‌های با شکوه آن، از جمله شهر سوخته، نیایشگاه دهانه‌ی غلامان و کاخ اشکانی کوه خواجه‌ی سیستان و ابزار سنگی لادیز و ماشکید بلوچستان، تا کنون دیده می‌شود و مورد ستایش باستان‌شناسان و جهانگردان است.

بنابراین، برجستگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی،

قوم‌های مسلمان و هم‌نژاد سیستانی و بلوچ با یکپارچگی و همدلی همواره در کنار یکدیگر بوده و هستند تا به رشد و شکوفایی فرهنگ و ادبیات همسان و مشترک‌شان دست یابند و بر خود واجب می‌دانند که دست‌درست دولت بگذارند و به پویایی، پیشرفت و امنیت پایدار منطقه نیز کمک کنند.

بلوچ و سیستانی با احساسی مثبت نسبت به قومیت خود از احساس تعلق به پیکره‌ی واحد ایران اسلامی برخوردارند. این روحیه و احساس مثبت نه تنها بایستی در این مرز نشینان وفادار، که در گذرگاه تاریخ کهن خود به‌عنوان مرز نشین همیشه سپاه و جانباز بوده‌اند تقویت و حمایت شود، بلکه بایستی روی آن سرمایه‌گذاری نیز بشود.

تبلور تقویت این پیوند در سایه‌ی یگانگی شیعه و سنی در سال‌های اخیر در پهنه‌ی انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، شوراهای شهر و ... دیده شده، که مردم استان در انتخابات شرکت کردند و به کسان مورد علاقه‌ی خود رأی دادند. شرکت مردم و نحوه‌ی آراء آنان نه تنها چشمگیر بود، بلکه دید قومی و مذهبی در انتخابات اعمال نگردیده است (حسینی، ۱۳۷۸: ۶).

تنگناهایی چون بیکاری، پراکندگی مراکز جمعیتی، کناره‌ای بودن منطقه، دشواری‌های سرزمینی مانند باران اندک و خشک‌سالی، سیل و گرمای شدید، قاچاق مواد مخدر و شرارت‌های مسلحانه، به گونه‌ای با تنگدستی اقتصادی، بی‌سوادی، گستردگی مرزها و دوری از مرکز بستگی داشته و به گونه‌ای منطقه را دچار خطر کرده است (افشار سیستانی، ۱۳۷۹: ۵).

نتیجه

استان سیستان و بلوچستان مرز آبی و خاکی درازی با کشورهای افغانستان و پاکستان دارد بیش‌تر مواد مخدر جهان در افغانستان تولید می‌شود و در سال‌های اخیر افزایش یافته است. هم‌چنین نزدیک‌ترین و ارزان‌ترین راه انتقال این مایگان به اروپا، گذرگاه ایران و از مرزهای خاوری کشور است و این منطقه به‌عنوان مهم‌ترین گذرگاه انتقال مواد مخدر، همواره از دیرباز مورد نگرش قاچاقچیان جهانی مواد مخدر بوده است. بنابراین می‌توان گفت، پدیده‌ی مواد مخدر و قاچاق آن، با شرارت و ناامنی بستگی نزدیک دارد و محور ریشه‌ای ناامنی در منطقه است (افشار سیستانی،

بسیار وحشی و گمراه‌کننده، نبود کنترل دولت‌های همسایه بر مناطق هم‌جوار و سرانجام مسایل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و داد و ستادهایی که همه‌ی این سازه‌ها با یکدیگر دارند، بستر پیدایش و گسترش ناامنی‌ها را در مرزهای خاوری ما، یعنی در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی فراهم می‌آورد.

با یک نگرش ژرف، بخش بسیاری از این سازه‌های منطقه‌ای، یک استعداد و توانایی و امکان توسعه‌ای به شمار می‌روند، به‌عنوان مثال به وجود مرز یا فرهنگ مردم استان به‌عنوان یک نقطه‌ی نیروی تأثیرپذیر، باید نگاه کرد و در تأمین امنیت منطقه، از آن بهره‌گرفت (حسینی، ۱۳۷۸: ۶).

تأمین امنیت پایدار به وجود یک دکترین استوار امنیتی درست، که منطبق بر واقعیت‌های اجتماعی، جغرافیایی، اقتصادی، تاریخی، مذهبی، قومی و سیاسی است، باز می‌گردد. نبود یک سیاست روشن امنیت ملی، که مور پذیرش همه‌ی اجزاء حکومت باشد و برخوردهای بخشی و سلیقه‌ای، به‌ویژه درباره‌ی قوم‌ها، امنیت را در خاور ایران آسیب‌پذیر می‌کند. در این دیدگاه به ریشه‌دارترین سازه در تأمین امنیت، یعنی به نقش مردم خیلی نگاه نمی‌شود و امنیت عمومی به شدت از این رویکرد رنج می‌برد (حسینی، ۱۳۷۸: ۶).

بلوچ‌ها و سیستانی‌ها از دیدگاه دینی، زبان، آداب و رسوم، همسانی‌هایی دارند. زبان بلوچی با زبان پهلوی اشکانی و نیز پهلوی دوران ساسانی نزدیک است (صفا، ۱۳۵۵: ۴).

دین‌داری، میهن‌دوستی، جوانمردی، بردباری، سخت‌کوشی، میهمان‌نوازی، پاک‌اندیشی، دلیری و ساده‌زیستی از ویژگی‌های مشترک بلوچ و سیستانی است. افزون بر آن، دارای تبار و خاستگاه مشترک هستند و ایرانی‌الاصل می‌باشند (کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۲: ۹۸).

سیستانی‌ها بلوچ‌ها و دیگر قوم‌ها با آن که در زندگی تاریخی چند هزار ساله‌ی خود، پیوسته با سازه‌های نامساعد طبیعی و یورش‌های پی‌درپی بیگانگان روبه‌رو بودند، ولی هرگز آبادانی مرز و بوم خویش را فراموش نکردند و هر بار پس از دفع دشمنان، به نیروی پایمردی به آبادانی سرزمین خود پرداختند و در این راه نیز پیروز بوده‌اند (شاه حسینی، ۱۳۵۵: ۲۵).

(۶:۱۳۸۵).

در پایان به منظور آینده‌ی بهتر برای منطقه و برقراری امنیت پایدار در آن، یادآوری و پیشنهاد می‌شود: از آن جا که پی‌ریزی بنای امنیت و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی منطقه، بایسته‌ی داشتن مهارت‌های نو و بهره‌گیری از نیروی متخصص و کاردان است، با بالا بردن سطح دانش و تخصص نیروی انسانی منطقه، نه تنها دستیابی بدین هدف‌ها را آسان می‌سازد، بلکه در سطح منطقه، یک مبارزه‌ی فرهنگی و بنیانی با پدیده‌ی مواد مخدر و قاچاقچیان آن به عمل می‌آید، نه یک مبارزه‌ی نظامی مقطعی.

بیش تر کشورهای جهان، که برنامه‌های درست و اصولی برای نقاط مرزی خود دارند، آن‌ها را در برابر رخنه‌ی سازه‌های بیگانه، غیر قابل رخنه می‌نمایند و یا اقدام به توانایی اقتصادی و فرهنگی نقاط مرزی خود می‌کنند و به آن مناطق، توانش‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، صنعتی و ... می‌دهند و به این ترتیب مانع یورش فرهنگی و اقتصادی کشور همسایه به نقاط مرزی خود می‌شوند.

برای اداره‌ی مدیریت کلان استان، بهتر است از نیروی محلی بهره‌گیری شود و برای این که تعادلی برقرار گردد، افزون بر بهره‌گیری از نیروی کارآمد و متخصص بلوچ و سیستانی، که قوم‌های چیره‌ی استان هستند، از قوم‌های دیگر، از جمله بیرجندی، کرمانی و یزدی نیز بهره‌گیری شود.

مدیران استان، به‌ویژه مدیریت‌های سیاسی و زیر مجموعه‌های آن‌ها بایستی به آداب قومی مردم منطقه، به‌ویژه اخلاق و عادت‌ها، باورها و رفتارهای اجتماعی و مسایل عشیره‌ای و ... آشنا باشند و در تصمیم‌گیری‌های خود، آن‌ها را مورد لحاظ قرار دهند.

مدیران استان، به‌ویژه سیستانی‌ها و بلوچ‌ها، زمانی می‌توانند مدیر خدمتگزار و موفق باشند که در اعمال

مدیریت، ملاک را نه تنها بر مردم سالاری، بلکه بر شایسته سالاری استوار سازند و از قوم‌گرایی و گروه‌گرایی پرهیزند.

مجمع نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی زمانی موفق خواهد بود، که مسایل منطقه را بدون دیدگاه فرامذهبی و فراقومی پیگیری نمایند.

ترتیبی داده شود که مدیران رده بالا به منظور طرح تنگناها، کاستی‌ها، راهکارها و ... با یکدیگر دیدارهایی داشته باشند. بی‌گمان این گونه رویکردها، گامی ارزنده در رفع دشواری‌ها و کاستی‌های منطقه و مردم متدین آن است.

از آن جا که استان سیستان و بلوچستان دارای بافت سنتی و عشیره‌ای است و سران عشایر و طایفه‌ها در میان پیروان خود از محبوبیت، احترام و اعتماد بسیاری برخوردارند با نگرش به آزمون‌های گذشته، به سران طایفه‌ها، ریش سفیدان، علما، سرداران و بزرگان بلوچ و سیستانی بها داده شود و از وجود آنان جهت پیشبرد هدف‌های دولت به‌ویژه ایجاد امنیت پایدار بهره‌گیری شود (افشار سیستانی، ۱۳۸۵: ۷).

در پایان یادآوری می‌شود: موقعیت‌های شایسته‌ی به‌دست آمده در پیمایش سال‌های اخیر، از جمله در تنظیم برنامه‌های جامع و فراگیر، به‌ویژه تدوین برنامه‌ی توسعه‌ی انسانی، توجه به زیرساخت‌ها، بالا رفتن نرخ باسوادی، تحکیم وحدت، جلب مشارکت عمومی به‌عنوان یکی از ارکان نظام، افزایش ضریب امنیتی، تقویت احساس خودی و خودباوری و اثرهای ماندگان آن بر سطح فرهنگ عمومی و اجتماعی، برگ زرینی است که در تاریخ استان سیستان و بلوچستان ثبت شده و نوید آینده‌ی درخشان است. امروزه این منطقه در فضایی مملو از آرامش برای نیل به هدف‌های عالیه، نیازمند نگرش همه‌ی دست‌اندرکاران دل‌سوز و مردم عزیز است.

فهرست منابع

- ۱- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۸۵). امنیت خاور ایران، روزنامه‌ی اعتماد ملی، شماره ۱۲۴، ۱۵ تیر (۱۳۸۵).
- ۲- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۷۹). پیوندهای فرهنگی بلوچ و سیستانی، روزنامه‌ی همشهری، سال ۹، شماره‌ی ۱۳، ۲۳۳۱ بهمن (۱۳۷۹).
- ۳- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۷۲). چاپهار و دریای پارس، زاهدان، انتشارات صدیقی.
- ۴- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۸۱). خاندان علم و سیاست‌های استعماری در خاور ایران، تهران، انتشارات قلم آشنا.
- ۵- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۸۱). ویژگی اخلاقی و نژادی مردم سیستان، زابل، دانشگاه زابل.
- ۶- امیرلو، عنایت‌الله (۱۳۶۵). نگاهی به فرهنگ‌های کهن سنگی ایران، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱ شماره‌ی ۱، تهران، نشر دانشگاهی.
- ۷- حسینی، سید محمود. امنیت و چشم‌انداز توسعه، روزنامه‌ی سیاست امروز، ۲۰ آذر (۱۳۷۸).
- ۸- حسینی، سید محمود. مشکلات امنیتی و موانع توسعه در سیستان و بلوچستان، روزنامه‌ی سیاست امروز، ۲۱ آذر (۱۳۷۸).
- ۹- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶). شهرهای ایران، ترجمه‌ی حسین حاتمی نژاد و عزت‌الله مافی، مشهد، نشر نیکا.
- ۱۰- راولینسون، سرهنری (۱۳۷۸). یادداشت‌های سیستان، ژورنال انجمن سلطنتی - جغرافیایی لندن، شماره‌ی ۴۳، ۱۸۷۳ م، ترجمه‌ی حسن احمدی، جغرافیای تاریخی سیستان، تهران، بی‌نا.
- ۱۱- رضوی، سید حمید (۱۳۸۰). اولویت‌های امنیتی در شرق کشور، روزنامه‌ی ایران، سال ۸، شماره ۲۰۳۸، ۸ بهمن (۱۳۸۰).
- ۱۲- شاه حسینی، ناصرالدین (۱۳۵۵). تقدس سرزمین ایران در آیین ایرانی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر.
- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۵). سیری در تاریخ زبان‌ها و آداب ایرانی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر.
- ۱۴- عقلمند، احمد (۱۳۶۷). تحلیلی بر اوضاع ژئوپولیتیک و استراتژیک خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، تهران، مرکز مطالعات خلیج فارس وزارت امور خارجه.
- ۱۵- کرزن، جورج (۱۳۵۰). ایران و قضیه‌ی ایران، جلد دوم، ترجمه‌ی وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۶- کمیسیون ملی یونسکو در ایران (۱۳۴۲). ایران‌شهر، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- یعقوبی، بابک (۱۳۸۵). ایران و مسأله‌ی امنیت در منطقه، روزنامه‌ی اعتماد ملی، شماره ۱۲۷، ۱۹ تیر (۱۳۸۵).

خوارزم، گوشه‌ای از سرزمین‌های خراسان بزرگ از دست و ذهن رفته

امیر رحمانی^۱، محسن قربانخانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲

چکیده

امپراتوری بزرگ ایران سرزمین‌های وسیعی را شامل می‌شد که اکنون هر کدام به کشوری مستقل تبدیل شده‌است. سرزمین خوارزم نیز به دلیل جایگاه جغرافیایی ویژه‌اش همواره مورد تازش بیگانگان بوده‌است. از آنجاییکه آگاهی از تاریخ به جهت شناخت هویت و نقطه آغازین دگرگونی‌های اجتماعی- فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد، لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی، شناخت و به یاد آوردن گوشه‌های از تاریخ و تمدن خوارزم به عنوان یکی از سرزمین‌های خراسان بزرگ (سرزمینی که زمانی جز ایران بزرگ بوده و حتی موطن اصلی نژاد آریایی در آنجا قرار داشته است) می‌باشد. پژوهش فوق منطبق بر روش توصیفی- تحلیلی و به صورت مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این راستا از مقالات، کتب، پژوهش‌ها و طرح‌های مستند داخلی و خارجی مرتبط با موضوع در جهت دستیابی به هدف پژوهش استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد خوارزم تنها به دلیل وجود خاک حاصلخیز و آب رودهای بزرگ و دریاچه مشهور و بزرگ آن نمی‌بوده است بلکه این سرزمین که از آن با عنوان خواستگاه آریاییان جهان نام برده‌اند، به دلیل زحمات و رنج هزاران ساله تمدن‌سازان ایرانی و استفاده از آموزه‌های بزرگان‌شان، به بهشت روی زمین تبدیل گشته بود. از این بهشت شمالی، از این سرزمین مقدس بزرگترین پهلوانان، دانشمندان، صوفیان و غیره ایران و جهان برخاسته‌اند، لذا برای شناخت عظمت گذشته این سرزمین ایرانی که با خون دل و علم و تلاش‌های هزاران ساله ایرانیان ساخته و شکوفا گردیده بود، باید به کاوش‌های باستان‌شناسی و آثار باقیمانده از آن دوران که امروزه بیشترشان در خاک دفن گردیده‌اند، توجه خود را جلب نمائیم.

واژگان کلیدی:

خوارزم، خراسان بزرگ، تاریخ و تمدن، فرهنگ، ایران

۱. نویسنده مسئول: مدرس گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان

ایمیل: Amir_Rahmani_1366@Yahoo.com

۲. کارشناس شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان

مقدمه

از تقویم ایران و ماه‌های ایران باستان در تقویم استفاده می‌کردند (Vogelsang, ۲۰۰۰).

۲- هدف و روش تحقیق

از آنجایی که آگاهی از تاریخ به جهت شناخت هویت و نقطه آغازین دگرگونی‌های اجتماعی-فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد، لذا هدف از پژوهش حاضر به یاد آوردن گوشه‌ای از تاریخ و تمدن خوارزم بعنوان یکی از سرزمین‌های خراسان بزرگ می‌باشد. روش پژوهش منطبق بر روش توصیفی-تحلیلی و به صورت مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این راستا از مقالات، کتب، پژوهش‌ها و طرح‌های مستند داخلی و خارجی مرتبط با موضوع در جهت دستیابی به هدف پژوهش استفاده شده است.

۳- مبانی نظری تحقیق

برای دو واژه فرهنگ و تمدن، تعاریف گوناگونی ارائه شده است اما در جمع‌بندی این تعاریف می‌توان آنها را به شرح زیر تعریف نمود:

فرهنگ عبارت است از وجه تمایز انسان‌ها و حیوانات. توضیح آنکه انسانها در بعضی از ویژگی‌های جسمانی با حیوانات مشترکاتی دارند، اما در چگونگی تأمین نیازهای جسمانی، معنوی و روحی با حیوانات تمایز دارند. مهم‌ترین وجه تمایز معنوی انسان‌ها و حیوانات بدین قرار است: شناخت و باورها، احساسات و گرایش‌ها، اخلاق، هنر، شیوه‌های زندگی، آموزش و پرورش، ارزش‌ها، آداب و رسوم که همگی جزء مقوله فرهنگ به شمار می‌روند.

تمدن به مجموعه دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر که نمود بیرونی دارند اطلاق می‌شود؛ توضیح آنکه انسان‌ها بر اساس فرهنگ خودشان این امکان را می‌یابند که نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین کنند. به عبارت دیگر، زمینه‌های فرهنگی، چگونگی رفع نیازهای مادی و معنوی را تعیین می‌کند. بنابراین، علوم مختلف، هنرها، معماری‌ها، مشاغل و دیگر مظاهر زندگی انسان، در جهان بیرونی پدید می‌آید که از آنها با عنوان تمدن یاد می‌شود (کاشفی، ۱۳۸۹).

تمدن راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان و دربرگیرنده سازگاری کلی با نیازهای اقتصادی یا محیط جغرافیایی پیرامون و سازمان مشترکی برای فرو نشانیدن نیازهای اجتماعی و سیاسی محیط پیرامون و مجموعه مشترکی از اندیشه‌ها و دستاوردها است، به عبارتی تمدن صورت و تجسم عینی فرهنگ است، همانطور که فرهنگ ظهور و بسط تفکر می‌باشد (رحمانی و قربانخانی، ۱۳۹۱). بعد از اسلام آوردن بسیاری از اقوام غیر عرب و در آمیختن

امپراتوری بزرگ ایران سرزمین‌های وسیعی را شامل می‌شد که اکنون هر کدام به کشوری مستقل تبدیل شده است. داستان جدایی و تکه تکه شدن این امپراتوری عظیم داستان دراز دامنی است که مقال و مجال عظیم برای تشریح آن نیاز است. در این پژوهش به بررسی تا سرگذشت سرزمینی خواهیم پرداخت که زمانی جز ایران بزرگ بوده و حتی مشهور است؛ موطن اصلی نژاد آریایی در آنجا قرار داشته است. این سرزمین، سرزمین خوارزم است. برای شناخت عظمت پرشکوه ایران زمین و تمام سرزمینهای از یادرفته ایرانی در این زمانه، به خوارزم در شمالی‌ترین قسمت از سرزمینهای ایرانی می‌رویم که شمالی‌ترین سرزمین متمدن جهان نیز محسوب می‌گردیده است. در وصف عظمت خوارزم باید اینگونه بگوئیم که یا تعدادی از مهمترین بزرگان علم و تحقیق جهان از آن برخاسته‌اند و یا بزرگان علم و تحقیق جهان همچو ابوعلی سینا مدت‌ها در این سرزمین دانش دوست به کار تحقیق و تعلیم مشغول بوده‌اند. این سرزمین مهم ایرانی را تعدادی از بزرگترین محققین ایران شناس جهان، مهد قوم آریا اعلام نموده‌اند (آریانها بزرگترین شعبه از مردم جهان می‌باشند و خوارزم در شمال سرزمینهای ایرانی راه، زادگاه این مهمترین نژاد از شعبه سفید پوست گفته‌اند که خود این نژاد سفید پوست مهمترین مردم دنیا در طول تاریخ می‌بوده‌اند). همان گونه که اشاره شد خوارزم موطن آریایی‌ها بوده است. در مهریشت اوستا در مورد خوارزم آمده است: آنجا که شهریاران دلیر بسیار بسیج کننده، آنجا که کوه‌های بلند و چراگاه‌های بسیار برای ستوران هست؛ آنجا که دریاها فراخ و ژرف هست؛ آنجا که رودهای پهناور و در خور کشتی رانی با انبوه خیز آب‌های خروشان به سنگ خواره و کوه خورد و به سوی مرو و سغد و خوارزم شتابند. گذشته از این مطلب مهم، محققان اینگونه اعلام نموده‌اند که حضرت زردشت، پیامبر بزرگ آریایی، یا در خوارزم، این قسمت از سرزمین‌های شمالی ایرانی متولد گردیده و یا قسمتی از عمر پر برکت خویش را در این سرزمین آریایی (= ایرانی) گذرانده است. بسیار از آریایی‌ها از همین ایالت خوارزم به سوی فلات مرکزی ایران مهاجرت کرده‌اند (مارکوارت، ۱۳۶۷). خوارزم پس از این مهاجرت و تا قرن‌ها بعد فرهنگ ایرانی خود را حفظ کرد، شواهد فراوانی دال بر تداوم فرهنگ ایرانی در خوارزم در میان منابع تاریخ و متون کهن موجود است که یکی از آنها گفته‌های خوارزمی در مورد فرهنگ و تاریخ خوارزم است. اظهارات ابوریحان بیرونی، که خود از دانشمندان این ناحیه است، در مورد خوارزم نشان می‌دهد که خوارزمیان تا زمان حیات ابوریحان

ابن خلدون، هر تمدن در مسیر شکل گیری خود نیاز به نوعی غرور و همبستگی ملی دارد که ابن خلدون از آن به عنوان عصبیت یاد کرده است (بلعمی، ۱۳۷۳: ص ۴۶۶). این مفهوم در واقع روح اصلی هر تمدن است. عاملی که انگیزه‌ی لازم را فراهم می‌آورد و تعاون و همکاری گروهی مشخص و هدفمند را شکل می‌دهد. بنابراین اصل همکاری و تعاون باید مورد مقبول عامه واقع شود تا گروهی هم نظر بر اساس آن و با تکیه بر اخلاقیات (که یکی از دلایل مهم ایجاد تمدن است) بتوانند شالوده‌ی تمدن را پی‌ریزی کنند. اخلاقیات از این جهت اهمیت دارند که باعث می‌شود از سقوط در سراسیمگی‌ها و پرتگاههای مسیر جلوگیری می‌کند. از عوامل دیگر در ایجاد تمدن می‌توان به تسامح یا اصل درک و تحمل دیگران یاد کرد، زیرا با تحمل و صبر و بردباری در برابر انکار و اندیشه‌های مختلف می‌توان ارتباط با آنان را حفظ و به رشد و تعالی رسید و از تجربیات و پیشرفت‌های آنان در مسیر خود استفاده نمود (ولایتی، ۱۳۸۲: ص ۱۲). حفظ وحدت و یکپارچگی نیز در رشد و اعتلای یک تمدن نقش بسزایی دارد. در پاره‌ای از موارد دین نیز عامل ایجاد یا تقویت یک تمدن به شمار می‌رود مانند آیین اسلام (ولایتی، ۱۳۸۲: ص ۳۴). اگر بخواهیم در مورد تمدن یک ملت صحبت کنیم، باید از وسعت مملکت و عظمت و ثروت آن و نتایج و وسایل پیشرفت آن صحبت شود. در مورد تمدن اسلام همچنین است، زیرا بزرگی سرزمین اسلامی و کثرت قومیت آن در پرتو تعالیم اسلام نه تنها خدشه‌ای در پیشرفت آن وارد پیشرفت آن نکرد بلکه سرعت آن را افزون‌تر ساخت.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- موقعیت جغرافیایی خوارزم
خوارزم در غرب ماوراءالنهر (بی‌نا، ۱۳۵۲) و سرزمینی جدا از خراسان و ماوراءالنهر است (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۲۰۶) اما برخی از منابع جغرافیای تاریخی، آن را سرزمینی از منطقه ماوراءالنهر و نزدیک‌ترین ناحیه آن به خراسان دانسته اند (اصطخری، ۱۳۶۸، ص ۳۰۷). خوارزم در بخش پایین دست رودخانه جیحون و در دو سوی کرانه‌های شرقی و غربی آن واقع است. همچون دو کرسی که یکی در شرق و دیگری در غرب جیحون جای گرفته و خاکش تا جایی پیش رفته است که رودخانه آمودریا (جیحون) به دریاچه خوارزم (آرال) میریزد، بنابراین، سرزمینی است در جنوب دریاچه خوارزم (آرال) و در ریزش گاه (مصوب) آمودریا که از کوه‌های شمال افغانستان (هندوکش) سرچشمه می‌گیرد و آخرین نقطه‌ای که پیش از ریختن به آرال از آن جامی گذرد، همین ناحیه خوارزم است. خوارزم که از شمال

آنها با عربها قوم تازه‌ای به وجود آمد که قرآن کتاب اصلی آنان بود و به ناچار همه عربی می‌آموختند. در نتیجه جهان اسلام آمیزه‌ای از اقوام گوناگون بود که قرآن و زبان عربی عامل یگانگی آنها بود که به این تمدن، تمدن اسلامی می‌گفتند (استیون لو کاس، ۱۳۷۸: ص ۴). تمدن عمدتاً از زمانی پدید آمد که انسان مرحله زندگی بدوی را ترک گفت و شهرنشینی را آغاز کرد، اما تمدن صرفاً شهرنشینی نیست. در واقع میان شهر و تمدن رابطه خرد و کل برقرار است. از آن هنگام که آدمی به رشد و تعالی روی آورد، هم به نیازهای حیات جسمانی و هم به احتیاجات معنوی خویش توجه کرد. از این رو کوشید تا به هر دو نیاز جدی پاسخ داده و آنها را اقماع کند. حاصل این کوشش دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بود که تمدن را بوجود آورد. در مورد عواملی که تمدن را بوجود آورد، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، اما چند نمونه آن بارزتر است، مانند: عامل انسانی که یکی از مهمترین عوامل است، زیرا انسان با فطرت، غریزه‌ها و عقل حیرت انگیز خویش در ایجاد تمدن نقش محوری را ایفا کرده و بدون او عوامل مادی و معنوی دیگری بی‌موضوع و بدون فاعل خواهند بود (بلعمی، ۱۳۷۳: ص ۴۶۶). انسان پس از ارتباط با محیط بیرونی و کسب تجارت و اکتسابهای گوناگون اولیه در پرتو استعدادهای فطری در مسائل مختلف دست به آفرینش زده و دستاوردهایی گوناگون عرضه کرده که تمدن را بوجود آورد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۲). از دیگر عوامل پیدایش تمدن عامل مادی و طبیعی است، زیرا اگر سرزمینی حالت کسالت و بیحالی داشته باشد، حتی اگر از عامل انسانی فعالی برخوردار باشد، باز نمی‌توان انتظار ظهور تمدن در آن سرزمین را داشت، زیرا تمام نیروها بر رفع گرسنگی متمرکز می‌شود و فرصتی باقی نمی‌گذارد تا انسان به مسائل ضروری‌تر و بنیادی‌تر بپردازد که در این مورد شرایط جغرافیایی نقش مهمی دارد. به هر حال انسان با آسایش خاطر از مایحتاج اولیه زندگی به فکر ایجاد علم، فلسفه، ادبیات و هنر و غیره می‌افتد و در این صورت تمدن بوجود می‌آید (کاشفی، ۱۳۸۹: ص ۴۵).

بهترین و بارزترین نمود تمدن در مکانهایی بوده است که این شرایط را داشته‌اند و این شرایط در کنار رودها فراهم بوده است. رودخانه‌های بزرگ شیر کشاورزی و مایه حیات زندگی بشر بوده است. نیل، فرات، دجله و رودهای بزرگ در چین و هند نمونه‌هایی از آن است که نخستین جامعه‌های سازمان یافته در کناره‌ی آن بنیاد نهاده شد. در مجموع آنچه باید فراهم شود تا ارکان تمدن بر روی آن قرار گیرد، در حقیقت بستری از آرامش و امنیت است یعنی امکان کاهش اضطراب‌ها و دل‌مشغولی‌ها. البته به باور بسیاری از جمله

جرجانیه جای کاث را گرفت و از این دید که کاروان‌های بازرگانی این شهر به سوی ناحیه گرگان حرکت می‌کردند، بسیار مهم شد (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۳۲۱). کاث در ترکستان غز بود و بازرگانان غز به انگیزه تجارت بدین شهر می‌رفتند و از همین روی، به گذرگاه کاروانهای تجاری بدل شد (اصطخری، ۱۳۶۸، ص ۳۲۱). کاث هم چنین از دید مرکزیتش برای پیکار با غزان و ترکان مهم بوده است؛ چنان که مردم آن غازی و جنگی بوده اند (بی‌نا، ۱۳۵۲). قرارگیری آن بر سر راه‌های تجاری و دسترس آسان به نواحی شمال ماوراءالنهر و جنوب روسیه، از ویژگی‌های جغرافیایی منطقه خوارزم در قرون نخست اسلامی به شمار میرفت و همین ویژگی، بر توان منطقه برای دست یابی به توسعه بیشتر افزود. در حال حاضر خوارزم (به ازبکی: *Xorazm viloyati*) یکی از استان‌های کشور ازبکستان است. وسعت آن ۶۳۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۱۴۱۱۵۰۰ نفر است؛ بنابراین سرزمین خوارزم باستان در شمال غرب کشور ازبکستان واقع شده و دلتای رودخانهی آمودریا یا جیحون (وهروود یا وخشو در اوستا و اکسوس در نوشته‌های مورخان کلاسیک) را تشکیل می‌دهد (*Francfort, ۱۹۸۸*).

به سرزمین غرها و از جنوب به ماوراءالنهر می‌رسد، در قرون نخستین اسلامی دو مرکز داشت: یکی در جانب غربی یا ایرانی رود جیحون که جرجانیه یا گرگانج نامیده می‌شد و دیگری در بخش شرقی یا جانب تورانی (سمت هیطل) جیحون با نام کاث آبادتر و پیشرفته‌تر جرجانیه (مقدسی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۲). گرگانج در دوره چیرگی عرب‌ها جرجانیه نام گرفت (بارتولد و ولادیمیرویچ، ۱۳۵۱، ص ۳۳۳) و کاث پایتخت باستانی خوارزم به شمار میرفت. افزون بر این دو شهر مهم، دیگر شهرهای تابع خوارزم عبارت بودند از: درغان، هزار اسب، خیوه، خشمین، اردخشمین، سافردز، نوزوار، کردان خواش، کردر، برانگین، مذمبئییه، مردا جقان، ممینهاد، حاس (اصطخری، ۱۳۶۸، ص ۳۲۲). پس از طغیان آمودریا (اوایل قرن چهارم هجری)، کاث رو به ویرانی نهاد و اعتبار گذشته خود را از دست داد و گرگانج (شهر ناحیه غربی) از دید مرکزیت سیاسی، جای کاث را گرفت. پس از این، گرگانج تنها کرسی خوارزم و به شهر خوارزم معروف شد (رودگر، ۱۳۷۶، ص ۲۳۸). سالنامه‌های روسی آن را با نام اورناچ یاد کرده اند (بارتولد و ولادیمیرویچ، ۱۳۵۱، ص ۲۰۶). البته به رغم ویرانی کاث، جایگاه راهبردی (استراتژیک) تجاریاش محفوظ ماند؛ چنان که کانون کاروان‌های مسافر از دیار غز به خراسان به شمار میرفت (بیات، ۱۳۶۳، ص ۱۹۸).



شکل ۱- موقعیت خوارزم در خراسان بزرگ

بشر، ابومسلم خراسانی ایرانی نهضت ضد عرب خود را از آن آغاز نمودند و توانستند با دستار خود تاریخ را ورق زده و دنیا را از دست رهبری قوم دون و نژاد پرست عرب راحت نماید) می گذرد، صد و چهل مایل را در بیابان به سوی شمال پیش میبرد تا به طاهریه می رسد و از اینجا به بعد دلتای جیحون است که به آن خوارزم میگوئیم. لسترنج ادامه می دهد: در قرون وسطی در طول سیصد مایل مسیر این رود عظیم، در خوارزم - نهرهای بسیار ساخت. از زمان فتوحات اعراب رود جیحون چندین بار بستر خود را در اراضی دلتا (= خوارزم) تغییر داده است. شکسته شدن سدها و بندهای این رود در زمان فتنه مغول یعنی در قرن هفتم سبب تغییر مجرای سفلی جیحون شد. معلوم است که رود جیحون در آن زمان در بستر واحدی که قابل کشتیرانی بود جریان داشت و به ساحل جنوبی دریاچه خوارزم که پوشیده بود از تالاب ها می رسید، و بعد از گذر از این تالاب ها جیحون به آغوش باز دریاچه شمالی می رسید. لسترنج به عمق کم ساحل شرقی دریاچه خوارزم به دلیل ته نشین شدن رسوبات رودهای بهشتی ایران زمین اشاره می نماید و اینکه کشتی هایی که از جیحون به دریاچه بزرگ خوارزمیان می آمدند نمی توانستند وارد سیحون که در ناحیه شمال شرقی به دریاچه می پیوست، وارد گردند و این به دلیل عمق کمتر سیحون به جیحون و کوچک تر و کم آب تر بودن این رود مرزی است نسبت به جیحون بزرگ. ایشان ادامه می دهند: جغرافی نویسان قدیم یخ بستن رود جیحون و سیحون را در زمستان از جمله عجایب جهان می دانستند زیرا هیچ تصور نمی کردند که این سرزمین های شمالی ایران زمین بتواند آنقدر سرد شود که رودهای به این بزرگی را منجمد نماید به گونه ای که کاروان های بزرگ به همراه بارهای سنگینی که با خود حمل می نمودند، از روی سطح یخ بسته این رودها بگذرند. این انجماد از دو تا پنج ماه از سال طول می کشید و ضخامت طبقه یخ پنج و جب - بیش از یک متر - و گاهی از این هم بیشتر میشده است. لسترنج می فرماید: قبلاً گفتیم از رود جیحون در قسمت سفلی آن که به دلتای خوارزم - متصل است نهرهای - رودهای دست ساز ایرانی - کوچک و بزرگ بسیار از جانب راست و چپ رود برای آبیاری اراضی دلتا جدا کرده بودند که بیشتر آن نهرها - کانال ها - قابل آمد و شد کشتی بود. اکثر شهرهای مهم خوارزم بزرگ در کنار این نهرها - رودهای نیاکانی - جای داشتند نه در کنار خود رود جیحون زیرا همیشه



شکل ۲- سرزمینهای خلافت شرقی

۴-۲- جغرافیای خوارزم از نگاه جهانگردان قدیم

برای درک عظمت کار نیاکانمان و شناخت بهتر تمدن بزرگ ایرانیان خوارزمی، این ایرانیان از جان گذشته و فداکار در راه علم و پیشرفت بشریت و ایران زمین، به کتاب ارزشمند استاد جلیل القدر لسترنج مراجعه می نمایم که راهگشای ما می باشد. در بخش سی و یکم از کتاب سرزمینهای شرقی خلافت (به این کتاب سرزمینهای خلافت شرقی نیز گفته اند) که به فرارود (ماوراء النهر) می پردازد این مطالب را درباره رود بهشتی ایران زمین، جیحون، از قول ایشان و دیگر محققان و جهانگردان درست کردار می خوانیم: پس از اینکه جیحون از آمویه (بندرگاه مهم شهر بزرگ مرو خراسان، مرو مهمترین شهر و کرسی خراسان در عصر ساسانی و حتی چندین قرن بعد از آن می بوده است) (لسترنج، ۱۳۶۷). در وصف این نزدیک ترین شهر به خوارزم بزرگ باید بگوئیم که این شهر همان جایی است که آخرین شاهنشاه ساسانی در نزدیکی آن کشته گردید و دقیقاً همان جایی است که ایرانیان به رهبری بزرگ مرد تاریخ

این رودهای آسمانی قرار می‌دارد، می‌پیوندند؛ به عبارت دیگر سیحون بهشتی از برکات این شانزدهمین سرزمین بهشتی و اهورایی ایران زمین است. در اوستا از رود ارننگ و به رود (به رود -وه رود -وه روت -ویونگهی -واتگوهی) بسیار سخن رفته است. رود سیحون که به خوارزم میریزد، از دور دست‌ترین سرزمین ایرانی سرچشمه می‌گیرد. اوستا از انتهای رود رنگ‌های بهشتی در خوارزم ایران زمین با نام مرکز جهان نام می‌برد و در جای‌های دیگر همین کتاب باستانی ابتدا و سرچشمه این رود را که در سرزمین و شهر اهورا آفریده شانزدهم قرار می‌دارد، منتها الیه سرزمین‌های ایرانی، یا دور دست‌ترین سرزمین ایرانی بیان می‌نماید. اهمیت این موضوع از آن جهت است که اوستا برای نشان دادن دور دست‌ترین سرزمینها، از این سرزمین کوهستانی شمال شرق ایران زمین که رود سیحون از آن سرچشمه می‌گیرد، نام می‌برد و گویا در دوران گردآوری اوستا نام این سرزمین ایرانی گویای دورترین و دور از دسترس‌ترین سرزمین‌ها و ضرب‌المثل دوری و دست‌نیافتنی بودن، می‌بوده است (این صفت بعدها به قله قاف و قفقاز داده شد، ولی شاید در ابتدا همین سرچشمه کوهستانی رود رنگ‌ها و پامیر بزرگ می‌بوده باشد که به انتهای دنیا مشهور می‌بوده است و بعدها این صفت و لقب به کوهستان بزرگ قفقاز در شمال ایران زمین داده شده است). اوستا دیگر خصوصیات این سرزمین بهشتی و پربرکت را که در منتها الیه سرزمینهای ایرانی و مرزهای شمال شرقی ایران زمین قرار می‌دارد (سرزمینی که سیحون بزرگ از آن سرچشمه می‌گیرد تا به دریاچه خوارزم در مرز شمالی ایران زمین سراریز گردد) را اینگونه بیان می‌نماید: سرزمینی که در سرچشمه رنگ‌ها واقع است شانزدهمین سرزمینی است که من اهورا مزدا آفریده‌ام. ساکنین آنجا سرور و بزرگ‌نارند (حاکم و پادشاهی بر آنان حکومت نمی‌کند و این مطلب می‌باید به دلیل دور از دسترس بودن آنها از مرکز ایران زمین و داشتن زندگی قبیله‌ای آنان می‌بوده است). در اوستا آمده است اهریمن برای نابودی این سرزمین زمستان طولانی به وجود آورد. اوستا می‌فرماید که دو رود بزرگ و بهشتی رنگ‌ها و وه رود (آمو دریا و سیر دریا) از البرز مقدس سرچشمه می‌گیرند که در اینجا دو مطلب مهم قابل تذکر است، اول اینکه ایرانویج بزرگ و معروف، این اولین سرای آریایی، در جایی است که سیحون (ویونگهی) از آن می‌گذرد که اگر اشتباهی در تطبیق ویونگهی اوستا با سیحون توسط محققین اتفاق نیفتاده باشد، ایرانویج نه

خطر تغییر بستر جیحون در پیش بود - و نابودی یک شهر بزرگ تنها با یک طغیان بزرگ رود جیحون که بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر طول می‌دارد. قسمت سفالی جیحون کاملاً قابلیت کشتی‌رانی داشت. یخ بستن جیحون در زمستان کشتی‌رانی را در آن رودخانه دشوار بلکه غیر ممکن میساخت. یاقوت می‌گوید در شوال سال ۶۱۶ (دسامبر ۱۲۱۹) هنگامی که از مرو به جرجانیه می‌رفت با کشتی بر روی جیحون مسافرت می‌کرد و نزدیک بود او و همراهانش از سرمای سخت و یخ بستن ناگهانی جیحون به هلاکت رسند و پس از تحمل رنج بسیار توانستند خود را به خشکی رسانند و خشکی را نیز تماماً برف و یخ فراگرفته بود. در این سفر چارپایی که مرکوب یاقوت - این جهانگرد و دانشمند بزرگ بود تلف شد و خود وی به زحمت نجات یافت (لسترنج، ۱۳۶۷). یکی از دلایل اهمیت خوارزم موقعیت ویژه جغرافیایی این منطقه بود که آن را تبدیل به منطقه‌ای استراتژیک در تجارت می‌ساخت. قافله‌های تجاری در زمستان با استفاده از ضخامت یخ‌های رودخانه جیحون آمد و شد می‌کردند. صادرات عمده خوارزم خواروبار و غلات و میوه بود. زمینی بسیار حاصلخیز داشت و محصول پنبه و فرآورده پشم گوسفند آن فراوان بود. گله‌های بزرگ گاو و گوسفند و در چمنزارهای حوالی آرال زیست می‌کرد و انواع لبنیات از آنها به دست می‌آمد و صادر می‌گردید. بازارهای جرجانیه به داشتن امتعه نفیس و متنوع پشمین که از ناحیه بلغار و سواحل ولگا به آنجا می‌آوردند، شهرت داشت و سیاهت مفصل آن را مقدسی و دیگر مورخین در نوشتجات خود نقل کرده‌اند (مسعودی، ۱۳۶۵).

۴-۳- رودهای خوارزم

جیحون و سیحون، رودهای بهشتی خوارزم و اهمیت کوهستانی که این رودهای ایرانی از آن سرچشمه می‌گیرد. گذشته از ایرانویج و شهرها و سرزمینهای بزرگ دیگری چون مرو شاهگان، گرگان، ری، هرات (آریانی سابق) و لاهور پنجاب و کابلغیره، اوستا شانزدهمین شهر اهورا آفریده را در سرچشمه رود رنگ‌ها - ارننگ بیان می‌دارد که محققین موقعیت امروزه این سرزمین اهورا فرموده را با سرزمین تاجیکان، یعنی همان جایی که رودهای بهشتی سیحون و جیحون از آن سرچشمه می‌گیرد، تطبیق داده‌اند. این رودهای بهشتی که از سرزمین کوهستانی تاجیک‌ها سرچشمه می‌گیرند در انتها مسیر به سرزمین کم‌ارتفاع خوارزم بزرگ سرازیر می‌گردند و به دریاچه بزرگ خوارزم که در انتهای مسیر

خوارزم در شمال ایران زمین می باشد (گودی این سرزمین به گونه ای است که از رسیدن آب رودهای بزرگی چون جیحون و سیحون بهشتی به گودی بزرگتر شمال ایران زمین که همانا دریاچه کاسپین ها می باشد جلوگیری می نماید) (Rapoport, ۱۹۹۱: ۱۱۱p). گاه گفتار درباره نام خوارزم با افسانه آمیخته است، عده ای دیگر از محققین نام خوارزم را به یادگار مانده از جنگ کیخسرو، شاهنشاه مقدس ایران زمین با تورانیان می دانند در سرزمین خوارزم. این جنگ از برای کین خواهی سیاوش شهید از ترکان به وقوع پیوسته بود (در شاهنامه، سند ملی ایرانیان می خوانیم: کی خسرو برای گرفتن انتقام خون به ناحق ریخته شده شاهزاده آزاده ایران زمین، به جنگ با ترکان می شتابد. جنگ در ساحل رود بهشتی جیحون به وقوع پیوست، رودی که ترکان توانسته بودند تا آنجا را اشغال و در داخل سرزمینهای ایرانی پیشروی نمایند. در ابتدای جنگ شاهنشاه ایران زمین برای اینکه از جانبازی و ریخته شدن خون بی گناهان جلوگیری نمایند، روش جنگ ایرانی را پیشنهاد می نمایند که مورد قبول تورانیان نیز قرار می گیرد. این روش همان روش جنگ جوانمردانه است که اروپائیان به آن دوئل گویند، پس بهترین و قوی ترین مرد تورانی برای جنگ تن به تن با شاهنشاه ایران زمین انتخاب گردید. نتیجه نبرد این دو مرد قوی، یعنی شاهنشاه مقدس ایران زمین و شیده سردار تورانی در این جنگ تن به تن مشخص میگردد بوده است و شخص بازنده، دلیل شکست تمام سپاهش می گشته است. اینگونه و در این نوع از جنگ ایرانیان غیر از آن یک نفر بازنده و شکست خورده، کسی کشته نمی شده است. جنگ کیخسرو مقدس به پایان رسید و جسد سردار تورانی بر زمین افتاد، اینگونه جنگی که می توانست جان صدها و هزاران انسان را بگیرد با حداقل خسارت به پایان رسید، یعنی تنها با جان دادن یک انسان و به همین دلیل ایرانیان این سرزمین را خوارزم = سرزمین آسان نامیدند (خوار = آسان). زکریای قزوینی روایتی دیگر دارد؛ گویا پادشاهی بر چهار صد نفر از بزرگان ملک خویش خشم گرفت و آنان را به جایی دور از میهن (کاث) تبعید کرد. تبعیدیان در آن مکان خانه‌هایی برای خود ساختند. پادشاه به دیدن آنها رفت، حالشان را پرسید و پاسخ شنید که ما ماهی داریم و هیزم، ماهی بریان می کنیم و می خوریم. به گفته قزوینی چون گوشت در زبان آنها خوار و هیزم، رزم خوانده می شد آن سرزمین را خواررزم نامیدند و رفته رفته یکی از رهای آن افتاد و به خوارزم آوازه یافت. این روایت مبنای علمی ندارد،

در گرجستان زیبا و بهشتی ایران زمین، بلکه در شرق ایران زمین و سرزمین های شمال سیستان بزرگ (منظور شمال کابل است) و خراسان کبیر قرار می دارد. یعنی در جایی در غرب کوهستان بزرگ پامیر (دومین کوهستان مرتفع جهان که به آن بام جهان می گفته ایم) و شرق دریاچه بزرگ کاسپین ها (بزرگ ترین دریاچه گیتی). یادمان نرود که این رودها و کوهستان ها و سرزمین های بهشتی که از قدیمی ترین روزگار به آنان بهشتی گفته شده است و در قدیمی ترین و مقدس ترین کتب از آنان با نام بهشتی یاد گردیده است و حتی با آمدن اسلام که تغییرات بسیار زیادی در سطح ایران زمین به وجود آورد، ولی این رودها و سرزمین های ایرانی با نام بهشتی یاد شد و غیره. در این بین می باید متذکر گردیم که وجود این رودها و کوهستان ها و سرزمین های بهشتی و منشا ایرانی داشتن گیاهان و میوه های بهشتی جهان چون زعفران، سیب، انار، گندم و غیره دلیل بهشتی بودن سرزمین مقدس ایران زمین است و ایران زمین نمونه زمینی شده بهشت آسمانی است (مسعودی، ۱۳۶۵).

۴-۴-۴- وجه تسمیه خوارزم

درباره نام خوارزم باید بگوئیم که محققان هنوز بر سر معنای نام خوارزم به عقیده ای جامع دست نیافته اند و به همین دلیل ما در اینجا معناهای مختلف نام خوارزم را از نگاه آنان یادآور می شویم. خوارزم (نام های دیگر: خوراسمیه، خوراسمیا) سرزمینی کهن و بزرگ در ازبکستان و ترکمنستان است که در دلتای رود آموی و در کنار دریاچه خوارزم قرار گرفته است. اکثر محققان بر این عقیده اند که این نام همچو نام خراسان (= محل طلوع و آمدن خورشید) دارای رابطه ای مستحکم و مستقیم با خور و خورشید می باشد و به همین دلیل این دسته از محققان خوارزم، این سرزمین شمالی ایرانی را جایگاه خورشید معنی نموده اند که این نشان دهنده موقعیت نصف النهاری و نیمروزی این سرزمین ایرانی است (خوار یا خور که معنی خورشید می دهد + زم یا زمین = سرزمین خورشید). نام خوارزم را بر گرفته از دو بخش خوار (خورشید) و زم (زمین) دانسته اند به معنای سرزمینی که خورشید از آن بیرون می آید و یا خوار (پست) و زم (زمین) به معنای سرزمین پست می باشد (Helms and Yagodin, ۱۹۹۷: ۶۴p). بعضی دیگر از محققین خوار خوارزم را به معنی خوار و پائین و فرو معنی نموده اند و خوارزم را به معنای سرزمین پائین دستی و فرو رفته معنی کرده اند. این معنی به دلیل گود بودن سرزمین

اما بسیاری از گذشته‌نگارها و جغرافی‌نویسان بدان اشاره کرده‌اند (انوشه، ۱۳۸۰). یاقوت حموی نیز به روایتی نظیر روایت قزوینی اشاره میکند با این تفاوت که یاقوت می نویسد: وقتی مأموران به سراغ آنها آمدند مشاهده کردند که کوخ‌هایی ساخته و به صید ماهی اشتغال دارند و در اطرافشان خرما می‌فراوانی است از آنان پرسیدند که حال و روزتان چگونه است؟ پاسخ دادند که این گوشت ماهی و خرما رزق و روزی ما است. مأموران مراجعت کردند و خبر را برای پادشاه بردند، به همین دلیل نیز آن سرزمین به خوارزم اشتهار یافت زیرا گوشت ماهی در زبان خوارزمی خوار و خرما رزم نامیده می‌شد (حموی، ۱۹۵۶).

۴-۵- تاریخ خوارزم

تاریخ خوارزم، به اندازه تاریخ سغد، کهن است و با وجود این، تا سال ۱۹۳۰ آگاهی زیادی درباره آن در دست نبود. در این تاریخ تولستوف مقداری بازمانده‌های عهد نوسنگی را در آنجا یافت که مربوط به هزاره چهارم و سوم پیش از میلاد بود و کوشش خود را مصروف گذشته خوارزم کرد. وی به این نتیجه رسید که ماهیگیران و شکارچیان این نواحی در عصر مفرغ با ساکنان کرانه‌های ولگا، غرب قفقاز و اورال و همچنین با مردم شمال ایران تماس داشتند. خوارزمیان تا سده‌های پیش از میلاد، با استفاده از یک روش آبیاری پیچیده توانسته بودند که جوامع بزرگی تشکیل دهند. خوارزمیان اگرچه در سده ششم پیش از میلاد در زمان کوروش هخامنشی مغلوب هخامنشیان شدند، ولی استقلال خود را در سده چهارم باز یافتند، اما در سده اول یا دوم میلادی تحت تسلط کوشانیان درآمدند. با وجود این، در سده دوم و سوم میلادی دوباره مستقل شدند و توانستند سکه بزنند و تا سده دوازدهم به همین صورت آزاد ماندند. دودمان ایرانی تبار آفریغیان که از والیان ساسانیان بودند در سرزمین خوارزم فرمان می‌راندند و پس از اسلام تا سال ۱۰۱۷/۴۰۸ پایدار ماندند اما در آن سال از محمود غزنوی شکست خوردند. این رویداد پایان فرمانروایی ایرانی تباران بر خوارزم را رقم زد و ترک‌سازی منطقه به مرور زمان عنصر ایرانی را در اقلیت و عنصر ترک را در خوارزم به اکثریت رساند (سغدی، ۱۳۶۹). ورود اسلام به خوارزم چندان آسان صورت نگرفت، چنانکه دوام آن به خوارزم چنان آسان نبود. گشودن کامل خوارزم به دست قتیبة بن مسلم در ۵۹۳ ق روی داد. بر پایه نوشته‌های جغرافی‌نویس‌های اسلامی خوارزم سرزمینی بوده است که در شمال و باختر آن، سرزمین ترکمانان و در جنوب و

خاور آن، خراسان و فرارود قرار داشته. ولایت خوارزم دو شهر بزرگ داشته که یکی گرگانج و دیگری کات نامیده می‌شده‌اند. در زمان خوارزمشاهیان شهر گرگانج پایتخت ایران بود. آنگاه که مغولان به خوارزم یورش بردند، از همان ابتدا روشن بود که آنجا را با خاک یکسان خواهند کرد، چنانچه از اورگنج تختگاه خوارزمشاهیان جز تلی خاک چیزی باقی نماند. کشتار مردم به دست مغولان نزدیک به همه گنجینه دانش و ادب را که خوارزمیان در طول سال‌ها اندوخته بودند بر باد داد. در یورش چنگیز شمار فراوانی از دانشمندان و شاعران کشته شدند. شهر خوارزم در دوره اسلامی به دلیل وجود علمای زیاد در این شهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده. به عنوان شاهی بر این اهمیت در زمانی که بین تیمور و والی خوارزم، امیر حسین صوفی اختلافی پیش آمد تیمور قصد کرد که به این شهر لشکر کشی کند اما علمای دربار تیمور به دلیل وجود علمای مهمی در این شهر او را از این کار باز داشتند. حافظ ابرو و این رخداد را چنین نقل می‌کند: امیر حسین صوفی والی خوارزم به امیر صاحب قران پاسخ ناهمواری داد و تیمور قصد لشکر کشی به خوارزم نمود. امیر صاحب قران از خشونت آن جواب در تاب شد و خواست در فور بالشکری جرار متوجه آن دیار گردد. بزرگان ماوراءالنهر مثل مولانا جلال الدین کشی و خواجه عصام الدین ماضی و سایر ایمه و قضات، صفت قبه الاسلام خوارزم کردند که، امروز در روی زمین مفخر اهل اسلام و مقرر علما نام خاک پاک خوارزم است و روضه مشایخ کرام نشاید که به واسطه غرض یک کس در زیر دست و پای لشکر جرار مستهلک شوند. خوارزم تا روزگار سامانیان همچنان هویت ایرانی خود را حفظ کرد و اقوام ایرانی در این منطقه اکثریت غالب را در اختیار داشتند. با افول قدرت سامانیان به تدریج قبایل ترک به سوی جنوب پیشروی کردند و شهرهای خوارزم محل توطن ترک‌ها شد. با ظهور سلطان محمود غزنوی و به دنبال قتل مأمون بن محمد (خوارزمشاه) چون غزنویان بر خوارزم مسلط شدند، دستور سلطان محمود غزنوی آلتون‌تاش، حاجب سلطان محمود، به حکومت خوارزم منصوب شد و لقب خوارزمشاه یافت (انوشه، ۱۳۸۰).

۴-۶- امپراتوری خوارزمشاهیان، ۱۲۲۰م

کم و بیش پس از پیدایش ازبکان بدین سو، خوارزم را خیه خوانده‌اند. حکومت این منطقه پس از تیمور گورکانی در قرن ۱۰ هجری/۱۵ میلادی به دست نوادگان تیمور افتاد. خانان خیه یا خوارزم که مرکز آن در

در مرکز آسیا جای دارد و مسکن ایرانیان تاجیک است و زبان های پامیری نیز شعبه و زیر مجموعه ای متعلق به تیره بزرگ سکاها های ایرانی می باشد، سکاها یی که از چین تا مجارستان و دانوب در مرکز اروپا مسکن و سرزمینشان میبوده است) از یک خانواده میباشد. خوارزمیان جزئی از خانواده بزرگ پارسیان می باشند و سرشت خوارزمیان و سغدیان (=تاجیکان) و سکاها یی بزرگ و پارساها یکی می باشد. زمانی که سکاها هنوز به مهاجرت های بزرگ روی نیورده بودند، اگر کسی می توانست به پارسی سخن بگوید، از سواحل خلیج پارسها در جنوب، تا سیبری در شمال، و از چین (سین کیانگ) در شرق، تا رود بزرگ دانوب اروپا در غرب، می توانسته است به راحتی سخن بگوید و این از جذابیت های این موضوع می باشد. مسعودی در التنبیه و الاشراف نام تعداد دیگری از اعضاء خانواده بزرگ پارسی - ایرانی را اینگونه نام می برد: پارسیان قومی بودند که قلمروشان دیار جبال بود (ماد بزرگ) از ماهات و غیره و آذربایجان تا مجاور ارمنیه و اران و بیلقان تا دربند که باب و ابواب است و ری و طبرستان و مسقط و شابران و گرگان و ابرشهر که نیشابور است و هرات و مرو و دیگر ولایت های خراسان و سیستان و کرمان و فارس و اهواز با دیگر سرزمین عجمان که در وقت حاضر به این ولایتها پیوسته است، همه این ولایتها یک مملکت بود، پادشاه اش یکی بود و زبان اش یکی بود، فقط در بعضی کلمات تفاوت داشتند، زیرا وقتی حروفی که زبان را بدان می نویسند یکی باشد، زبان یکی است و گر چه در چیزهای دیگر تفاوت داشته باشد، چون پهلوی و دری و آذری و دیگر زبان های پارسی (اذکایی، ۱۳۸۰).

۴-۸- باستان شناسی در خوارزم

خوارزم از ۱۳۱۶ ش / ۱۹۳۷ م به سرپرستی یکی از دانشمندان روسی با نام تولستوف، خود را در معرض اکتشافات باستان شناسی جهانیان گذاشت تارازهای شگفت انگیز و حیرت آوری را از ایران باستان برای تشنگان علم و معرفت در سراسر جهان بازگو نماید. بدینگونه از این سرزمین مهم ایرانی که در آن زمان هنوز تحت اشغال روس ها قرار می داشت، آثاری از عصر سنگ تا شاهنشاهی جهانی ایرانیان در عصر هخامنشی و سلطه هون ها بر این منطقه مهم ایران زمین و دوره های پادشاهی ساسانی و کوشانی بر ایران زمین و ادوار مختلف اسلامی در این سرزمین ایرانی تمدن ساز، ولی سوخته شده به دست تمدن سوزان، کشف و مطالعه و نتایج

شهر خیره بود، در اوج قدرت خود بر تمامی نواحی اطراف دریاچه آرال در شمال ازبکستان و جنوب غربی قزاقستان کنونی و بخش های بزرگی از ترکمنستان کنونی حکومت می کرد. در سال ۱۱۵۳ نادرشاه به خیره تاخت و آن را به تصرف خود در آورد و طاهرخان یکی از سپاهیان خود را به فرمانروایی آنجا گماشت. هفت سال بعد با مرگ نادر دوباره ازبکان تیموری در این منطقه به قدرت رسیدند. در ۱۲۵۲-۱۲۵۳ ه.ق روس ها به خیره لشکر کشیدند اما این لشکر کشتی بهره ای نداشت. سرانجام روسیه توانست در روزگار فرمانروایی محمد رحیم خان (۱۲۸۱ - ۱۲۹۰ ه.ق) خیره را به تصرف خود در آورد و این منطق به صورت تحت الحمایه امپراتوری روسیه درآمد. پس از پیروزی انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ در روسیه، سوسیالیست ها در سال ۱۹۲۰ دولتی به نام جمهوری شوروی خلق خوارزم را تأسیس کردند که بخشی از اتحاد شوروی بود. چهار سال بعد روس ها تقسیمات مرزی آسیای میانه را بر حسب ملیت ساکنان تغییر داده و بیشتر جمهوری خوارزم در جمهوری ازبکستان (استان خوارزم و جمهوری خودمختار قره قالپاقستان) و بخشی هم در ترکمنستان (استان داش حوض) قرار گرفت (انوشه، ۱۳۸۰).

۴-۷- زبان خوارزم

در آثار الباقیه از قول نابغه ایران زمین می خوانیم: خوارزمیان زبان خوارزمی را شاخه ای از درخت استوار پارسیان می دانند: و اما اهل خوارزم، و این کانوا غصناً من دوحه الفرس (و مردم خوارزم آنها شاخه ای از درخت استوار پارسیان (ایرانیان) هستند). زبان خوارزمی، یکی از زبان های ایرانی از شعبه شرقی و با زبان ایرانیان سغدی (ایرانیان شمال خراسان و دره رود زرافشان که بخارا، تیان و سمرقندیان بزرگ امروزی فرزندان آن برومند سغدیان باستان، این نیاکان ستایش برانگیز خراسانیان میباشند)، استی (اوستها شعبه ای بسیار مهم از سکاها و سرمت های ایرانیانند و با اینکه در تاج ایران زمین، قفقاز زندگی می نمایند ولی زبانی شبیه به زبان ایرانیان شرقی می دارند و از این جهت زبان این ایرانیان شمالی جزئی از زبان های شرقی ایرانی محسوب می گردد. ایرونها یا اوستها فرزندان آلان ها = آیرن = ایرانیان میباشند که در عصر باستان شعبه های مهم از بزرگ ترین عضو خانواده ایرانی، یعنی سکاها می بوده اند که از مهم ترین همسایگان تاریخ خوارزم محسوب می شوند) و زبان های پامیری (پامیر کوهستان بزرگ ایران زمین، و دقیقاً در انتها الیه شمال شرق سرزمین های ایرانی، و دقیقاً

، کرانه‌های دریاچه سرقمیش و بسیاری جاهای دیگر که یادکرد از همه آنها کار ساده‌ای نیست (نام‌گذاری‌ها را تالستوف بر اساس نام‌های مشهور محلی برای نخستین بار انجام داده و به همین شکل در باستان‌شناسی متداول شده است). یافته‌های تالستوف در خوارزم بیش از اندازه فراوان و گوناگون هستند: گونه‌های متنوعی از آثار هنری، تندیس‌های آن‌هید و دیگر ایزدان و خدایان ایرانی، دیوارنگاره‌ها (که نمونه‌های مهم و بزرگ دیگر این دیوارنگاره‌ها در ایران زمین را در خراسان بزرگ و شهر معروف پنج‌کنت و یا سیستان می‌توان یافت)، خط‌های باستانی، زینت‌افزار زبانه، نقوش کیهانی بر سفالینه‌ها، نگاره‌های شاهانه و اسطوره‌ای، و شبکه‌های آبیاری کهن و بزرگ خوارزم از حدود سه هزار سال پیش با صدها کیلومتر طول مجموع آنها (بهادری و فیروزمندی، ۱۳۹۱).

۴-۹- دانشمندان خوارزم، بزرگترین و بهترین دانشمندان جهان

دانشمندان خوارزم و خدمات وصف‌ناپذیر آنان برای تمدن بشری، به راستی بعد از خواندن زندگی این فرهیختگان خوارزم بزرگ است که متوجه می‌گردیم خوارزم چه عظمت وصف‌ناپذیری می‌دارد. وصف تمدن سازان خوارزم که قسمت باارزشی از تمدن امروزه بشری مستقیماً مدیون و حاصل تلاش و جانفشانی آنان در راه علم می‌بوده و هست، در زمانی ارزش پیدا می‌نماید که متوجه می‌گردیم که این ایرانیان شمالی و خاصه خوارزمیان، در چه شرایط سختی، از برکت وجود ترکان زندگی می‌نموده‌اند و در این بین باز به تلاش‌های مستمر خود برای پیشبرد تمدن بشری ادامه می‌دادند. شرایط سخت خوارزم و خراسان را نویسندگان اسلامی اینگونه وصف نموده‌اند هیچ دارالحرب، صعب‌تر و دشوارتر از ترکستان نیست و خوارزم ثغر اسلام - و انسانیت، تمدن و آبادانی و آزادگی - در پیش ترکستان و همه‌ی ماوراءالنهر، ثغر (= مرز) است (لسترنج، ۱۳۶۷).

۴-۱۰- دلایل نابودی و انتقال علم ایرانیان خوارزمی از طریق اسپانیا به اروپا

گسترش همه‌جانبه کتاب‌های بسیار مهم و سرنوشت‌ساز ایرانیان خوارزمی در جهان اسلام و برده شدن آن به اروپا از طریق اسپانیای تحت حکومت مسلمانان، دلیلی گشت تا این کتب در معرض و اختیار اروپائیان قرار بگیرد. سه قرن بعد از خوارزمی، آتل هارت انگلیسی توانست این کتب به وجود آورنده تمدن فردای اروپا را به زبان مهم

آن در سطح جهان منتشر گردید تا اینکه مایه شگفتی جهانیان گردد. رضا مرادی غیاث آبادی در یادنامه خود از سرگئی تالستوف و گرامیداشت هفتادمین سالگرد آغاز کاوش‌های باستان‌شناسی خوارزم، برای شناخت گذشته خود و سرزمین بزرگ مان می‌فرماید: روان شاد سرگئی پاولوویچ تالستوف (۱۲۸۶-۱۳۵۵ خورشیدی) یکی از بزرگترین و نام‌آورترین باستان‌شناسان و قوم‌شناسان شوروی بود. او در سال ۱۳۱۷ یعنی در سن ۳۱ سالگی از سوی آکادمی علوم اتحاد شوروی به سرپرستی علمی هیئت کاوش‌های باستان‌شناسی خوارزم برگزیده شد و سراسر عمر خود را در دشت‌ها و شن‌زارهای خشک و سوزان جنوب دریاچه خوارزم (آرال) صرف کاوش و پژوهش در خوارزم باستان کرد و به هیچ موضوع دیگری نپرداخت. کاوش‌ها و مطالعات تالستوف در خوارزم به اندازه‌ای گسترده و حیرت‌انگیز است که نام او با خوارزم عجین شده و مطالعات خوارزم‌شناسی بدون او معنا و مفهومی ندارد. دامنه جغرافیایی پژوهش‌های او تقریباً برابر است با حوزه نام‌های جغرافیایی اوستا در بند چهاردهم مهریشت و نخستین فرگرد و نندیداد یعنی: خوارزم، سغد، نسا و مرو. هیئت باستان‌شناسی زیر نظر تالستوف، یکی از بزرگترین هیئت‌های کاوش و اکتشاف در جهان زمان خود بوده است که در این سرزمین شمالی، در خوارزم بزرگ مشغول پژوهش‌های علمی می‌بوده است. هیئت تالستوف را حدود بیست دانشمند باستان‌شناس، قوم‌شناس، زبان‌شناس، زمین‌شناس و معمار، ده‌ها کویرنورد و راهنمایان محلی، لشکری از افزارمندان و کارگران ساده و نیمه‌متخصص، چندین هواپیمای اکتشافی و ده‌ها کامیون نفربر و ابزاربر، و بی‌شماری از پیشرفته‌ترین ابزارهای زمان خود همراهی می‌کرده است. تالستوف در مدت حدود سی سال، سراسر سرزمین خوارزم را از زمین و هوا در می‌نورد. بسیاری از محوطه‌های باستانی را برای نخستین بار شناسایی می‌کند و در آنها به حفاری می‌پردازد: حفاری در توپراق قلعه، مرکز شاهان محلی خوارزم در سده‌های آغاز میلادی و کشف کاخ‌ها و دیوارنگاره‌های قابل قیاس با داستان‌های سیاوش و افراسیاب در شاهنامه؛ تپه باستانی جانباز قلعه متعلق به هزاره ششم تا سوم پیش میلاد؛ محوطه باستانی یکه پارسان از سده هشتم پیش از میلاد و کشف چندین نمونه از خط خوارزمی باستان در آنجا، چنین حفاری در محوطه‌های باستانی اورگنج، کهنه اورگنج، تاش قلعه و حوزه‌های تمدنی کلت‌منار (منار کوتاه)، تازه باغیاب، سویورغان، شریک رباط

ضربه به ریشه ایرانیان بزنند. برای درک بهتر حقیقت هجوم یونانیان به ایران زمین به موزه بزرگ ایران باستان می رویم و به دیدار مجسمه فرمانروای بزرگ، داریوش هخامنشی. این مجسمه در مصر ساخته شده است و به پایتخت شاهنشاهی در شوش منتقل شده بوده است. تکیه بالایی این مجسمه بسیار زیبا، یعنی قسمتی از سینه و سر آن از بین رفته است و در قسمت های پایینی نیز جای ضربه هایی متعدد نیزه باعث تخریب قسمتی از حکاکیهای روی مجسمه شده است. خوب که دقت می نمائیم نکته بسیار مهم و حتی باور نکردنی را متوجه می گردیم، این ضربه های نیزه که به قسمتهایی از حکاکی نوشته شده به فارسی باستان اثبات کرده است به طور تصادفی نبوده است و جایهایی مورد اثبات قرار گرفته است که نام شاهنشاه داریوش، فرمانروای بزرگ ایرانی جهان در آنجا نوشته شده بوده است. سر مجسمه نابود شده است و نام داریوش بزرگ با ضربه های نیزه مخدوش، می دانید چرا؟ یونانیان این کار را انجام دادند تا اینکه ثابت نمایند دشمنانی بی غرض نبوده اند و دانسته به آتش زدن کتب ایرانی - مانند کتابهایی که گفته شده است با آب طلا نگارش یافته بوده است (کتاب زرین) و یا اوستای مقدس که بر روی ده هزار پوست گاو نوشته شده بوده است و غیره دست زده اند. این کار آنان به همراه آتش زدن تخت جمشید، دست درازی به آرامگاه مقدس کورش بزرگ و غیره از بین بردن نام داریوش، شاه شاهان در یک راستا می بوده است. نابودی نام و یاد و آثار ایرانی، دلیل این امر مهم می بود که یونانیان آمده بودند تا بمانند، آنها فکر تسخیر جهان و جهانگیری نبودند، بلکه قصد فرمانروایی دراز مدت و همیشگی آنها می داشتند، آنها می خواستند به جای جهانگیری، جهاندار باشند و به همین دلیل دست به کار شده بودند تاریخه های تمدن ایرانی را بخشکانند. کشتار و ویرانی یونانیان در خوارزم همانگونه که در خوارزم آفریگی ثبت شده است، نیز به همین دلیل صورت گرفته بود. نکته جالب در اینجا این است که نام ایرانی شاه شاهان، داریوش آریایی بر روی مجسمه با ضربه های نیزه محو گردیده است همچو سر این مجسمه ولی به دلیل ساخت این مجسمه در مصر، این مهمترین تمدن آفریقا، همان گفتار نوشته شده به خط میخی و به زبان پارسی باستان، به زبان هیروگلیف مصری نیز نوشته شده است که یونانیان به دلیل آگاهی نداشتن از این زبان در صدد نابودی آن بر نیامده بودند و نتوانسته بودند نام فرمانروای بزرگ ایرانی جهان را نیز که به زبان تمدن آفریقای باستان نوشته شده بود از بین ببرند و اینگونه شد

لاتین ترجمه گرداند (زبان لاتین اروپا در آن زمان حکم زبان عربی را می داشته است برای سرزمینهای اسلامی در همان عصر)، اینگونه این کتاب ایرانیان خوارزمی، با علم نوین و مهمی که در خود می داشت، در اختیار عالمان و دانشمندان سراسر اروپا قرار گرفت. از چهره های نامدار خوارزم می توان به موارد زیر اشاره نمود:

محمد ابن موسی خوارزمی



ابوریحان بیرونی

مجدالدین بغدادی.

ولی چرا این علوم مختلف و در عین حال پیشرفته از میان رفت به گونه ای که تنها نام و یادی از آنها باقی ماند و یا به عبارتی دلیل این غرق گشتن کشتی علم ایرانی را شاید اینگونه بتوان روشن گرداند: وقتیکه به ایران حمله شد چه در دوره باستان و به وسیله اروپائیان، چه در دوره اسلام و به وسیله عرب و چه به وسیله زردپوستان تمدن سوز، ایران زمین رنگ کشتار و قتل و غارت را به خود دید و شهری نیست که حداقل ۲ یا ۳ بار از زمان اسکندر تاکنون به دست بدخواهان این سرزمین اهورایی به اشغال در نیامده باشد (لسترنج، ۱۳۶۷).

۴-۱۱- خوارزم در دست دشمنان، بیان حقایق تلخ برای اولین بار در جهان

در نسخه خطی کتاب مقدس ایران باستان، در اوستای زردشت بزرگ و در بخش خوارزم آفریگی که به زبان پارسی میانه نگارش یافته است، حقیقتی در رابطه با سرزمینهای نابود گشته ایرانی به دست دشمنانمان بیان شده است که از عمق تنفر فروما یگان از این سرزمین بزرگ اهورایی خبر می دهد. در این بخش از اوستای مقدس آمده است: با ورود یونانیان و مقدونیان اروپایی در بعد از حمله اسکندر به ایران زمین، تمام روحانیون و عالمان خوارزم، تمام کتب مقدس، راهگشا و علمی و کتیبه های سلطنتی به دست مهاجمان اروپایی افتاد و آنها این سرمایه های بی بازگشت را نابود نمودند تا اینکه

از آن با عنوان خواستگاه آریاییان جهان نام برده‌اند، به دلیل زحمات و رنج هزاران ساله تمدن سازان ایرانی و استفاده از آموزه های بزرگانشان، به بهشت روی زمین تبدیل گشته بود. از این بهشت شمالی، از این سرزمین مقدس بزرگترین پهلوانان، دانشمندان، صوفیان و غیره ایران و جهان برخواستند. برای اینکه اهمیت این کار بزرگ را درک نمائیم باید بیان نماییم که تا قبل از ورود زردپوستان به این سرزمین ایرانی، پایتخت شاهنشین خوارزم مهمترین شهر در طول مهمترین و بزرگترین و تاثیرگذارترین جاده و شاهراه جهان میبوده است، این شهر که افتخار قرار داشتن اریکه شاهی ایران زمین، پایتختی ایرانیان را هم بر عهده میداشت گرگانج نام میداشت. آن همه بزرگی و رونق و استعداد در گذشته های نه چندان دور، امروزه تبدیل گشته است به سرزمینی ویران و دور از آبادانی، دریاچه های در حال خشک شدن و نابودی و جزایری که به برکت روسهای تجاوزگر به سمیتترین و خطرناکترین مناطق در جهان تبدیل گشته اند (بنگرید به سایت استاد مرادی غیاث آبادی در رابطه با جزایر دریاچه زیبای خوارزم که روسها آنها را به زباله‌دانه های سمی خود تبدیل نمودند). کات زیبا و گرگانج بزرگ، پایتختهای گذشته خوارزم و ایران زمین، با میلیونها نفر جمعیت و شهرت و رونق جهانی، حال جای خود را به شهرهایی نوکوس (نو کات)، با ۱۶۹ هزار نفر جمعیت (سال ۱۹۹۰ م) در خوارزم اصلی و نو اورگانج با جمعیتی کمتر از نوکوس داده‌اند. این شهرهای تحت اختیار ترکان ازبک و ترکمانان، امروزه نه پایتخت ایران بزرگ و خوارزم بزرگ بلکه جانشین شهرهای زیبا و بزرگ و تولیدکننده علمی گشته‌اند که فخر سرزمینهای ایرانی و اسلامی میبوده‌اند. برای شناخت عظمت گذشته این سرزمین ایرانی که با خون دل و علم و تلاشهای هزاران ساله ایرانیان ساخته و شکوفا گردیده بود، باید به کاوشهای باستان شناسی و آثار باقی مانده از آن دوران که امروزه بیشترشان در خاک دفن گردیده‌اند، توجه خود را جلب نمائیم.

که دانستیم این مجسمه مورد حمله قرار گرفته متعلق به چه بزرگمردی در تاریخ بشر می بوده است و به چه دلیل تا مرحله نابودی کامل به پیش رفته بوده است. قرن ها بعد که ایران زمین بار دیگر خود را در زیر لگدهای مهاجمان و اجنبیان دیگری با نام بیابانگردان عرب دید، اتفاق مشابهی افتاد که استاد تحقیق جهان، دانشمند نابغه ایران شمالی، ابوریحان بیرونی خوارزمی، بعد از وصف گوشه هایی از عظمت علمی خوارزم باستان در کتاب آثارالباقیه (یادبود نسل های گذشته) خود در رابطه با این هجوم خانه خراب کن اینگونه می فرماید: و سردار عرب افرادی را که خط خوارزمی می دانستند، از روایات - باستان - با خبر بودند و علوم رایج خوارزمیان را می آموختند نابود کرد. به صداقت این بزرگمرد علم بشر تمام بزرگان علم جهان معترف می باشند و اخبار و اطلاعات ایشان را مساوی راستی و صداقت می شمارند. ابوریحان می فرماید: روحانیون - که دارای علم و سواد باستانی می بودند - را سردار عرب کشت و کتاب هایشان را و ملتزمین رکابشان را به آتش کشید و اینگونه خوارزمیان را دست بسته و بی سواد گرداند و رشته ارتباط آنان با علوم موجود در سرزمینشان را قطع نمود. در زمان هجوم مغول و ورود زردپوستان به ایران زمین و کشتار بی اندازه و قتل بی شمار آنان از ایرانیان، نابودی کامل بزرگترین شهرهای خوارزم بزرگ - که بزرگترین شهرهای ایران و جهان می بودند، نابودی زیرساخت های مهم این قسمت از ایران زمین که باعث کاستی گرفتن سطح فرهنگ و تمدن ایرانیان در این سرزمینهای مرزی گردید و اینگونه زبان خوارزمی به وسیله ترکان برای همیشه نابود گردید و اینگونه فتنه ای را که بیابانگردان عرب شروع نمودند بیابانگردان ترک و مغول به سرانجام رساندند.

۵- نتیجه گیری

عظمت و قدمت خوارزم، این سرزمین مهم شمالی ایران زمین به قدیمترین روزهای تشکیل تمدن امروزه بشری باز میگردد که همین یک سرزمین ایرانی به تنهایی تمدنی بیش از تمام سرزمینهای جنوب شرق آسیا در طول تاریخ بشر میداشته است. از دلایل آباد گشتن خوارزم تنها به دلیل وجود خاک حاصلخیز و آب رودهای بزرگ و دریاچه مشهور و بزرگ آن نمی‌بوده است بلکه این سرزمین که

فهرست منابع

- ابن حوقل، ر. (۱۳۴۵). صورة الأرض، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اذکایی، پرویز. (۱۳۸۰). تقویم و گاهشماری ملت های باستانی و مبادی تاریخ آنها، تهران: نشر مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۶۸). مسالک و ممالک، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- استیون لوکاس، هنری. (۱۳۷۸). تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات کیهان.
- انوشه، حسن. (۱۳۸۰). دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای میانه، چاپ اول (ویراست دوم). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۳۸۳-۴۰۰.
- بارتولد، واسیلی؛ ولادیمیرویچ، آ. (۱۳۵۱). خاورشناسی در روسیه و اروپا، ترجمه حمزه سردادور، تهران: نشر ابن سینا.
- بلعمی، ابوعلی. (۱۳۷۳). تاریخ بلعمی، به تصحیح محمدتقی بهار و محمد پروین گنابادی.
- بی نا، ا. (۱۳۵۲ ق). حدود العالم (من المشرق الی المغرب)، تصحیح جلال الدین تهرانی، تهران: نشر مطبوعه مجلس.
- بیات، عزیزالله. (۱۳۶۳). از عرب تا دیالمه، تهران: انتشارات گنجینه.
- بهادری، علی و فیروزمندی، بهمن. (۱۳۹۱). خوارزم در دوره های هخامنشی: از ساتراپی تا استقلال از شاهنشاهی، مجله نامه‌ی باستان شناسی، شماره ۲، صص ۱۴۱-۱۵۹.
- حموی، یاقوت. (۱۹۵۶). معجم البلدان، بیروت: انتشارات دار صادر.
- رحمانی، امیر و قربانخانی، محسن. (۱۳۹۱). بررسی تاریخ و تمدن شهرهای خراسان بزرگ (سمرقند، هرات، بلخ و مرو)، پژوهشنامه خراسان بزرگ، مرکز نشریات دانشگاه بین المللی امام رضا (ع) مشهد، شماره ۹.
- رحمانی، امیر و همکاران. (۱۳۹۲). شهر نیشابور در گذر زمان (عصر قدیم و عصر جدید)، پژوهشنامه خراسان بزرگ، مرکز نشریات دانشگاه بین المللی امام رضا (ع) مشهد، شماره ۱۰.
- رودگر، قنبرعلی. (۱۳۷۶). از بین النهرین تا ماوراءالنهر، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- کاشفی، محمدرضا. (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات زلال کوثر.
- لسترنج، م. (۱۳۶۷). جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مار کوارت، ژ. (۱۳۶۸). وهرود و ارننگ، ترجمه داود منشی زاده، تهران: نشر بنیاد موقوفات.
- مسعودی، علی بن نحسین. (۱۳۶۵). التنبیه و الأشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- مقدسی، محمد بن احمد. (۱۳۸۵). احسن التقاسی، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: انتشارات کومش.
- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۲). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- Francfort, H.P. (1988). Central Asia and Eastern Iran, the Cambridge Ancient History, Vol. IV. Persia, Greece and the Western Mediterranean c. 525 to 479 B.C. pp. 165-193. Cambridge: Cambridge University Press
- Helms, S.W. & Yagodin, V.N. (1997). Excavations at Kazali-yatkan in the Tash-kirman Oasis of Ancient Chorasmia: A Preliminary Report, Iran, NO. 35: pp. 43-65
- Rapoport, Y. A. (1991). Chorasmia, Encyclopaedia Iranica, NO. 5: pp. 51-116
- Vogelsang, W. (2000). The Sixteen Lands Vidēvdād 1. Airyan Vaēja and the Homeland of the Iranians, Persica, NO. 16: pp. 49-66

ملل شرق در دیدگاه فردوسی و شاهنامه

امید شیوا^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۹

چکیده:

نگاه و اندیشه غربیان در تمام طول تاریخ همواره متوجه شرق و شرقیان بوده و در همین راستا دانش شرق شناسی به منظور پژوهش و شناخت آداب، رسوم و تمامی دانش‌های مربوط به مردم خاور زمین در غرب شکل گرفت که متأسفانه تا حال پایه و اساس آن اغلب بر اصل تفکیک و تبعیض شرق از غرب و با هدف برتری و تسلط استعمار گونه غربیها پیش رفته است. با این حال به نظر می‌رسد این شیوه تحقیر آمیز در نگرش غرب به شرق دوامی نیاورد و به ویژه با کشفیات جدید باستان شناسی و مطالعات منصفانه علمی جای خود را به تکریم و تعظیم دهد.

ملل شرق قرن‌ها پیش از دنیای غرب قدم در راه تمدن گذاشتند؛ کهن‌ترین شهرهای جهان باستان در بین النهرین عراق، جیرفت ایران و موهنجودارو در هندوستان موجب شگفتی بسیاری شدند. امپراطوریهای بزرگ و قدرتمند در ایران، هند و چین باستان همگی زمانی شکل می‌گیرند که غالب جهان باستان هنوز در آغاز راه شهرنشینی است. به این ترتیب بر ما که زادگان این سرزمین هستیم از نگاه غربیان به خود نگرستن مایه شرمساری است.

در این مختصر برآنیم تا پراکندگی نژادی و جغرافیایی ملل شرق را در تطابق تاریخی با ابیات شاهنامه فردوسی قرار دهیم و در پی آن به مطالعه آداب، رسوم و اساطیر این ملل بپردازیم. بدیهی است مجال کوتاه این مقاله فرصت آن را نمی‌دهد تا بحث مفصل شود، بنابراین از آن دسته ملل یا سرزمینهایی که ذکر آنها کمتر در تاریخ کهن و شاهنامه فردوسی آورده شده است صرف نظر خواهیم کرد.

واژگان کلیدی:

ملل شرق، فردوسی، شاهنامه

مقدمه:

نشستند هر سه به آرام چنان مرزبانان
فرخ نژاد ۳

سه برادر چندی با هم به نیکی بودند تا آنکه سلم و تور
با حسادت خود کینه ایرج را به دل گرفتند که چرا پدر
سرزمین بهتر را به ایرج داده است، در ایات پایین می
بینیم که چگونه سلم با گفتار خود بذر کینه را در دل تور
می‌کارد:

سزد گر بمانیم هر دو دژم
کزین سان پدر کرد بر ما مستم
چو ایران و دشت یلان و یمن
به ایرج دهد روم و خاور به من
سپارد تو را مرز ترکان و چین
که از تو سپهدار ایران زمین ۴

همان گونه که آمد یمن نیز ضمیمه خاک ایران به ایرج
سپرده شد. در اوستا کتاب مقدس ایرانیان نیز درباره ایران
چنین آمده است: اگر من هر سرزمینی را چنان نیافریده
بودم که بسی رامش بخش نباشد تا به چشم مردمانش
خوش آید، همه مردمان به ایران ویج روی می‌آوردند.
نخستین سرزمین و کشور نیکی که من - اهورامزدا -
آفریدم، ایران ویج بود بر کرانه رود دایتیای نیک. ۵
امپراطوری ایران، دست کم از نظر وسعت بزرگ‌ترین
کشوری بود که تا آن روزگار دیده شده بود. سامیها،
هیتیها، یونانیها و مصریها اتباع این امپراطوری بودند
و اشراف ایرانی بر همه آنها حکومت می‌کردند. پادشاه
بزرگ ایران در عین حال فرعون مصر و پادشاه بابل بود.
۶

تابعیت بابل از ایران در شاهنامه نیز آمده به این ترتیب
که در داستان یزدگرد و در پی حمله تازیان عرب به
امپراطوری ایران بابل نیز مورد هجوم قرار می‌گیرد:
گذر یافتندی به ارونـد رود نماندی بر این بوم و
بر تار و پود
به ایران و بابل نه کشت و درود به چرخ زحل بر شدی
تیره دود ۷

۳. شاهنامه فردوسی - حکیم ابوالقاسم فردوسی - تحت نظری آ. برتلس (از
چاپ مسکو) - نشر اندیشه عالم - ۱۳۸۱ ص ۲۲
۴. همان منبع - ص ۲۲
۵. اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان - دوستخواه، جلیل - نشر مروارید -
جلد دوم - ۱۳۷۱ ص ۶۵۹
۶. تاریخ تمدن - لوکاس، هنری - ترجمه دکتر عبدالحسین آذرنگ - کتابخانه
ملی ایران - جلد اول - ۱۳۸۲ ص ۱۷۵
۷. شاهنامه فردوسی - نشر اندیشه علم (از چاپ مسکو)

مفهوم عمومی شرق در بین اغلب پژوهشگران همان
آسیا و دنیای غیر اروپایی است که در برابر غرب مسیحی
قرار می‌گیرد.

آسیا کهن ترین و پهناورترین قاره جهان است که با
مساحت تقریبی ۴۳/۴ میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی
بالغ بر ۳/۳ میلیارد نفر در مجموع ۵۴ کشور را در خود
جای داده که برخی از بزرگ ترین و پر جمعیت ترین
کشورهای جهان در میان آنها دیده می‌شوند. آسیا از
شمال به اقیانوس منجمد شمالی، از جنوب به اقیانوس
هند، از شرق به اقیانوس آرام و از غرب به دریای مدیترانه
و بخش میانی روسیه مرزبندی شده است. ۱
در ابتدای شاهنامه حکیم فردوسی می‌بینیم که فریدون
سرزمینهای تحت حکومت خود را میان سلم، تور و ایرج
سه فرزند خود چنین تقسیم می‌نماید:

نهفته چو بیرون کشید از نهران
بسه بخش کرد آفریدون جهان
یکی روم و خاور ۲ دگر ترک و چین
سیم دشت گردان و ایران زمین
نخستین به سلم اندرون بنگرید
همه روم و خاور مرا اسزید
بفرزند تا لشکری برگزید
گرازان سوی خاور اندر کشید
بتخت کیان اندر آورد پا
همی خواندندیش خاور خدای
دگر تور را داد توران زمین
ورا کرد سالار توران و چین
یکی لشکری نامزد کرد شاه
کشید آنگهی تور لشکر براه
بیامد بتخت کئی برنشست
کمر بر میان بست و بگشاد دست
بزرگان بر او گوهر افشاند
همی پاک توران شهش خواندند
از ایشان چو نوبت به ایرج رسید
مرا او را پدر شاه ایران گزید
هم ایران و هم دشت نیزه وران
هم آن تخت شاهمی و تاج سران
بدو داد کورا سزاد بود تاج همان کرسی و مهر و
آن تخت عاج

۱. دانشنامه ویکی‌پدیا - اینترنت. www.wikipedia.org

۲. خاور در اینجا به معنی مغرب زمین است.

بی- نصیب ماند دیگر توجه و علاقه کسی را بر نخواهد انگیخت. ۷

هر چند اسطوره در لغت با واژه historia به معنی روایت و تاریخ هم ریشه است اما در تعریف مفهوم اسطوره در کتاب اساطیر ایران و هند نیز چنین آمده: روایت یا جلوه ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهان شناختی که یک قوم برای تفسیر خود از هستی به کار می بندد، تخیلی وهم انگیز می گوید چگونه چیزی بوجود آمده، هستی دارد یا از میان خواهد رفت. ۸

ایرانیان باستان جهان را گرد و هموار مانند بشقابی تصور می کردند که زمین در حالت اصلی و دست نخورده خود هموار بوده، نه دره ای داشته و نه کوهی، خورشید و ماه و ستارگان نیز در بالای زمین بی حرکت وسط آسمان قرار داشتند و همه چیز آرام و هماهنگ بود تا اینکه این آرامش با ورود شر (اهریمن) به عالم در هم شکسته شد. کوه البرز طی هشتصد سال از زمین روید، از وسط قله این کوه تا به عرش پل چینوت کشیده شد تا روانها پس از مرگ به سوی بهشت یا دوزخ از روی آن بگذرند. ایزد تیشتر قطرات باران را ساخت که با وزش باد به یک سو دریای بی انتها و کیهانی ورو کشته در آن سوی قله البرز تشکیل شد و با بارش نخستین باران زمین به هفت بخش تقسیم شد و آدمیان دیگر قادر نبودند از سویی به سوی دیگر روند مگر بر پشت گاو آسمانی به نام سریشوک که نیمی انسان و نیمی دیگر از گاو است. ۹ اینها تنها اشارات مختصری بود به انبوه اساطیر ایران زمین که اگر چه امروزه تنها در منابع کهن محفوظ مانده اما می توان بسیاری از آنها را بازسازی نمود.

اما باید به خاطر داشت که ایران امروزی تنها جزعی از مرز و بوم ایران باستانی است و بنابراین از آن کوچکتر است. ما باید همیشه میان مفهوم ایران تاریخی و ایران امروز فرق بگذاریم. تا امروز در تاریخ نگاری اتحاد جماهیر شوروی سابق و نیز افغانستان به دلایل سیاسی از این بابت حقیقت نوشته نمی شد و مورخان تحت فشار رژیم وقت کوشش می کردند که سرزمینهای امروزی آسیای مرکزی و افغانستان را همچون کشورهای

۷. زبان رمزی افسانه ها - م. لوفر، دلاشو - ترجمه جلال ستاری - نشر توس - ۱۳۸۶ ص ۵۲
 ۸. درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان - دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام - نشر کلهر - چاپ اول - ۱۳۸۵ ص ۲۵
 ۹. درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان - دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام - ص ۲۷ و ۲۸ به اختصار

همانطور که روشن است ایرانیان خود را از نژاد آریایی میدانند؛ دکتر رضایی در کتاب تاریخ ده هزار ساله ایران گروه آریایی را یکی از شعب مهم خانواده هند و اروپایی می داند که به تدریج از هزاره دوم تا اواخر هزاره اول پیش از میلاد وارد ایران شده و با اقوام بومی این سرزمین در آمیختند. ۱ دکتر فریدون جنیدی آریاییان را انسانهایی با روحیه آرام و طبیعت دوست می داند که با پیروزی بر مشکلات طبیعی و دشمنان و نیز با برخورداری از روحیه آرام و طبیعت دوست خود توانست دوره آسایشی در زندگی خود بوجود آورد که منجر به پیشرفتهای فراوان در جوانب مختلف زندگی آنها شد. ۲ در تاریخ تمدن هنری لوکاس نیز آمده که اقوام ماد و پارس آریایی در ایران برای نخستین بار توانستند دولتی با اهمیت جهانی تشکیل دهند. ۳

با این حال ویرگوردون چایلد در کتاب خود با نگاهی غربی و مغرضانه و بدون استناد به هیچ مرجع معتبر علمی، تاریخی و یا باستان شناسی عمده ویژگی آریاییان را در غارتگری و وحشی بودن آنها می داند که تنها با کشف چند جاده به تاج و تخت رسیدند. ۴ مطالعات باستان شناسی نشان می دهد که در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد مسیح که حدوداً برابر عصر آهن و ورود اقوام آریایی است، مردم ساکن در فلات ایران به جهان پس از مرگ باور داشتند و همراه مردگان خود احتیاجات روزانه هر فرد را بای زندگی در جهان دیگر دفن می کردند. ۵ آیین باستانی زرتشت را باید از مهمترین دینهای باستانی در جهان به شمار آورد. این آیین زندگی و خصلت ایرانی را در هم سرشته و به دفاع از درستکاری و استواری در هدف برخاسته است. ۶

منابع کهن ایرانی سراسر داستان دیوان و پریانی است که در نبرد خیر و شر با هم در ستیزند. به عقیده لوفر دلاشو، خیال پردازی جمعی یا قومی هرگز نمی تواند از موجودات فوق - طبیعی و ارباب انواع، دیوان یا پریان و یاری و یآوری آنها چشم بپوشد، چون اگر از آنها

۱. تاریخ ده هزار ساله ایران - رضایی، عبدالعظیم - نشر اقبال - چاپ سیزدهم - جلد اول - ۱۳۸۰ ص ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ به اختصار
 ۲. زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه گفتارهای ایرانی - جنیدی، فریدون - نشر بلخ - چاپ چهارم - ۱۳۸۶ - ص ۹۱ به اختصار
 ۳. تاریخ تمدن - لوکاس، هنری - ص ۱۷۴ به اختصار
 ۴. آریاییها - چایلد، ویرگوردون - ترجمه محمدنقی فرامرزی - نشر نگاه - ۱۳۸۶ ص ۲۷۱ به اختصار
 ۵. باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد - طلایی، حسن - انتشارات سمت - ۱۳۷۴ ص ۱۵۰ به اختصار
 ۶. تاریخ تمدن - لوکاس، هنری - ص ۱۸۱

می کردند و اسامی جغرافیایی و گروههای نژادی آنها همچون مرغیان، پارت (ترکمنستان جنوبی به اضافه قسمتی از خراسان در شمال شرقی ایران)، خوارزم واقع در بستر پایین آمودریا و سغد و سغدیان در طول سده های متمادی آورده شده. ۴

بلیتسیکی همچنین جایگاه نخستین آریاییها را در فلات پامیر، سرزمین کهن خوارزم و سواحل شرقی دریای کاسپین دانسته و وجود مکانهای تاریخی در این منطقه را شاهد شکوفایی آنها در دورانهای کهن ذکر کرده. ۵
تاجیکان از ایرانیان شرقی اند که وطن تاریخی آنها، خراسان بزرگ شامل آسیای میانه، قسم زیاد افغانستان امروزی و شرق و شمال شرقی ایران امروزی است. ۶
مطابق تحقیق اغلب

مورخان، اقوام ایرانی در هزاره دوم پیش از میلاد در حدود افغانستان امروزی ساکن شدند. اینکه قبل از سکونت آنها در این سرزمین، کدام قبایل و قومها زندگی می کردند مشخص نیست ع شاید اینجا قومی زندگی نمی کرده. چنانچه معلوم است اقوام ایرانی در هزاره سوم پیش از میلاد از وطن اصلی خود در اروپای مرکزی و شرقی به طرف شرق حرکت کردند و قسمتی از طریق قفقاز وارد و قسمتی دیگر از راه شمال دریای خزر و خارزم در بخشهای وسیعی از آسیای میانه امروز و افغانستان و ایران ساکن شدند. پژوهشهای علمی ثابت کرده که اقوام ایرانی اولین ساکنان این مناطق محسوب می شوند و نیز باید دانست که در زمانهای قدیم این سرزمینها با

اسامی گوناگون امروزی مثل افغانستان یا آسیای میانه نامیده نمی شدند. در عهد قدیم تا اوایل قرون وسطی از همگی این سرزمینها با نام ایران یاد می شد که مفهوم آن از واژه آریایی پیدا شده است چراکه ساکنان اصلی و بومی این سرزمین خود را آریاییان می نامیدند. ۷ در شاهنامه نیز از ماوراءالنهر و شهرهای آن به دفعات یاد شده:

یکی مهتر از ماوراءالنهر بر که بگذارد از چرخ گردنده سر ۸

گذر گاههای تجاری در طول تاریخ خود همواره عامل ارتباط میان شرق و غرب بودند که در نتیجه ان نوعی

۴. همان منبع - ص ۷۹ و ۸۰ به اختصار

۵. همان منبع - ص ۱۸

۶. تاجیکان، آریاییها و فلات ایران - شکورزاده، میرزا - ص ۲۱۷

۷. همان منبع - ص ۲۹۱ و ۲۹۲

۸. شاهنامه فردوسی - از چاپ مسکو - ص ۱۶۱

مستقل و مرزهای جداگانه نشان دهند که البته این تحریفات تاریخی بیشتر با منافع امپراطوری روسیه سازگار بود. ۱

در ادامه اشاره ای به سرزمین ماوراءالنهر، گوشه ای از سرزمین ایران باستان خواهیم داشت که امروزه ترکمنستان و بخشی از خاک افغانستان، ازبکستان و تاجیکستان را شامل می - شود. منطقه ای که بعدها از سوی اعراب ماوراءالنهر نامیده شد، قسمت اصلی شاهنشاهی ایران را که کوروش و داریوش بوجود آورده بودند تشکیل می داد و بعد از اینکه اسکندر کبیر آن را اشغال کرد، جزء حکومت یونان (باکتريا) شد که البته چندی به طول نکشید که در اواخر سده دوم قبل از میلاد، دولت یونانی باکتريا با سرکوب پارتیان و کوچندگان آسیای مرکزی منهدم شد. ۲

نظریه بسیار غلوآمیز، مرزهای شرقی پادشاهی یونانی - بلخی (باکتريا) را در اوج شکوفایی آن به چین محدود می سازد. اما این نظر تنها به یک اشاره استثنایی در یکی از منابع استوار است. هرگز این اطمینان وجود ندارد که دولت باکتريا بر سرزمینهایی چون فرغانه و خوارزم تسلط پیدا کرده باشد، اما به هر حال برتری سیاسی یونانیها در آسیای میانه تا سالهای ۳۰ قرن دوم پیش از میلاد بیشتر طول نکشید در حالی که پادشاهی پارت از عمر طولانی تری برخوردار بود و تا قرن سوم میلادی حاکمیت آن بر ناحیه جنوب غربی آسیای میانه ادامه داشت. جالب است که دو قرن سلطه یونانیان در آسیای میانه (از ورود اسکندر د ۳۲۹ ق.م تا سقوط پادشاهی یونانی - بلخی در حدود ۱۳۰ ق.م) تاریخ نویسان اروپای غربی را بسیار بر خود مشغول داشته است. ۳

نخستین آگهی های ما نسبت به آسیای میانه و مردم این سرزمین را هرودوت در اختیار ما می گذارد، اطلاعات هرودوت بویژه درباره قرن پنجم پیش از میلاد ارزش فراوانی دارد اما در این باره منبع بسیار کهن دیگری نیز وجود دارد که همان اوستا کتاب مقدس زرتشتیان است؛ منبع کهن دیگر علاوه بر کتیبه بیسون (۵۲۰ ق.م) خاطرات کتزیاس پزشک یونانی دربار اردشیر دوم پادشاه هخامنشی است. در تمام این منابع درباره آسیای میانه و نژادهای که در آنجا زندگی

۱. تاجیکان، آریاییها و فلات ایران - شکورزاده، میرزا - نشر سروش - چاپ دوم - ۱۳۸۳ ص ۲۹۲

۲. همان منبع - ص ۱۹

۳. خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه) - آ. بلیتسیکی - ترجمه دکتر پرویز ورجاوند - نشر آسیا - چاپ دوم - ۱۳۷۱ ص ۱۰۲ به اختصار

از شناخت و آمیزش فرهنگی نیز حاصل شده است. به غیر از جاده ابریشم که از سوریه به بین‌النهرین و ایران، و از ایران به هند و چین می‌رسید؛ بخش مهمی از مبادلات نیز از راه توأم دریا-خشکی انجام می‌شد یعنی از راه سوریه به بین‌النهرین و از آنجا به هندوستان و از راه خشکی در ادامه به شرق دور می‌رسید.^۱

پس از ایران در مسیر سرزمینهای شرق دور هندوستان قرار دارد. در تمدنهای عالم درباره هند آورده شده: حیات شهری مدتهای مدید پیش از آنکه تصور می‌کردیم در هند وجود داشته. ساکنان دره سند تا ۲۵۰۰ ق.م مزارعی با سیستم آبیاری و شهرهای نسبتاً وسیعی پدید آوردند که با روستاهای اطراف و همسایگان دوردست در غرب به فراوانی دادوستد می‌کردند.^۲

هندوستان با بنگلادش در شمال شرق، با چین در شمال و با پاکستان در غرب و شمال غرب هم مرز است. شبه قاره هند که در مرزهای شمالی خود به قاره آسیا متصل می‌شود، سه منطقه مشخص جغرافیایی دارد. شمال شرقی که در آن کوههای عظیم هیمالیا ماوای سنتی خدایان همچون مانعی سربرافراشته اند ع منطقه حاصلخیز واقع در شمال غربی و جنوب کوههای هیمالیا که در آن دره‌های رودهای سند و گنگ دامن گسترده اند و شبه جزیره هند مرکب از فلاتهای گرمسیری که بوسیله کوهها و جنگلها از رودهای ش‌اؤگرمای گرمسیری تا برف و یخچالهای دایمی، از اقلیم بیابانی تا سنگین ترین باران‌های سالانه در جهان به چشم می‌خورد.^۳

در شاهنامه بارها از هند و هندیان یاد شده و داستانهایی چون طلخند و گو یا نهادن شطرنج و ... اساساً مربوط به این سرزمین است:

که در هند مردی سرافراز بود که بالشکر و با خیل و با ساز بود

خنیده به هر جای جمهور نام بمردی به هر جای گسترده گام

چنان پادشاه گشته بر هندوان خردمند و هوشیار و

۱. ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد - ویسپوفر، یوزف -

ترجمه مرتضی ثاقب فر - نشر ققنوس - ۱۳۷۸ ص ۱۸۷

۲. تمدنهای عالم - جی. ادلر، فیلیپ - ترجمه محمدحسین آریا ط نشر امیرکبیر - جلد اول - چاپ اول - ۱۳۸۴ ص ۹۱

۳. گیتاشناسی نوین کشورها - جعفری ع عباس - مؤسسه جغرافیایی کار توگرافی گیتاشناسی - چاپ دوم - ۱۳۸۴ (نقشه سیاسی هند) ص ۵۰۱

۴. هنر در گذر زمان - گاردنر، هلن - با تجدید نظر دلاکروا، هروست و ج. تنسی، ریچارد - ترجمه محمد تقی فرامرزى ط نشر آگاه. نگاه - چاپ هشتم ۱۳۸۶ ص ۶۸۹

روشن روان

و را بود کشمیر تا مرز چین برو خواندندی بداد،

آفرین ۵

اما از میان تمام شهرهای هندوستان که در شاهنامه آمده همانند شگنی، مولتان، دنبر و ... نام کشمیر و قنوج بیشتر به چشم می‌خورد:

ز کشمیر تا پیش دریای چین به هر شهر بر ما کنند

آفرین ۶

و یا:

به نزدیک شنگل نگهبان هند ز دریای قنوج تا مرز

سند ۷

نام پهلوانان هند را نیز در شاهنامه اغلب به نیکی می‌بینیم:

یکی با گهر بود نامش سورگ ز هندوستان پهلوانی

سترگ ۸

مختصات نژادی و دینی مردم هند نیز همانند جغرافیای این سرزمین متنوع است. رایج-ترین زبان در شمال هند، زبان هندی است که از زبان سانسکریت مشتق شده است؛ زبان اردو نیز که از زبان سانسکریت مشتق شده در میان بیشتر مسلمانان ساکن هند رواج دارد. در جنوب نیز چندین زبان دراویدی بی‌آنکه ارتباطی با زبان سانسکریت داشته باشند رواج دارند. رشته کوههای گذرناپذیر هیمالیا در شمال هند، خاک این کشور را در برابر اقوام مغولی یورشگر حفظ کرده است. برای گروههای مهاجر تنها امکان این بود که از شمال باختری و از راه بلخ یا از راه نجد ایران به مناطق مرکزی آسیا و درون خاک هند کوچ کنند. ۱۰۰ زبان و اندیشه‌های دینی هند و اروپایی که از این راه تادره رود سند پیش رفت با زبان و اندیشه‌های دینی ایرانیان پیوند داشت. میان مهاجران و قوم تیره پوستی که معمولاً با نام نژاد دراویدی از آنها یاد می‌شود جنگ و کشمکش در گرفت و پس از کشمکشهای بسیار، یورشگران بخشهای شمالی هند را تصرف کردند. اما اقوام دراویدی که در جنوبی ترین بخش شبه جزیره می‌زیستند از خطر سلطه آریاییان کاملاً در امان ماندند. منشاء این دراویدیها یا اقوام تامیل که هنوز در آن ناحیه ساکن بودند و زبان و

۵. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) ص ۴۵۴

۶. همان منبع - ص ۴۵۸

۷. همان منبع - ص ۴۰۸

۸. همان منبع - ص ۳۳۸

۹. هنر در گذر زمان - گاردنر، هلن - ص ۶۸۹

۱۰. تاریخ تمدن - لوکاس، هنری - ص ۱۷۸ و ۱۷۹

در اوستا و نزد ایرانیان همان اهریمنی است که ۹۹۹۹۹ بیماری می آفریند، در حالی که در ریگ ودا او یک آدیتی یا نیروی خیر است که اغلب همراه با میترا و وارونا ستایش می شود. ۵.

نامهای مشترک و مشهور دیگری نیز در اساطیر ایرانی و هندی یعنی آریایی به چشم می خورد، از این قبیل است: (بییم) ۶ که به هندی بیم ۷ و به فارسی جدید جم یا جمشید است؛ (ثریتونه) که به هندی تری تنن ۸ و به فارسی جدید فریدون است و بسیاری اسامی مشترک دیگر که از پیوندهای تاریخی خبر میدهد.

در اینجا لازم است پیش از پرداختن به سایر سرمینه‌ها اشاره ای به نام مازندران داشته باشیم که در شاهنامه نیز در موارد متعدد آورده شده است.

به عقیده حسین کریمان، مراد از مازندران در شاهنامه مازندران فعلی در شمال تهران نیست و این اخیر را بدان عهد بیشه نارون و یا بیشه تمیشه و نیز طبرستان می نامیدند. ۹.

چو آمد به نزدیک تمیشه باز نیارابدیدار او بد نیاز ۱۰

در شاهنامه مازندران بر دو محل ناظر است. یکی در مغرب و در عربستان، حدود یمن و مصر و شام و دیگری در مشرق، یعنی در لاهور و مولتان و کشمیر و حدود بدخشان و فلات پامیر. ۱۱.

در شاهنامه فردوسی در دو داستان مختلف از مازندران یاد شده است، یکی در عهد پادشاهی منوچهر و نوذر از پادشاهان پیشدادی که مازندران شرق است:

همه گرگساران و مازندران به تورااست کرئم به گرز گران ۱۲

و دیگر در دوران گیکاووس از پادشاهان کیانی که مازندران مغرب است:

چگونه کشیدی به مازندران کمند کیانی و گرز

۵. اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان - دوستخواه، جلیل - ص ۸۸۵ به اختصار

6. yima

7. yama

8. traitanan

۹. پژوهشی در شاهنامه - کریمان، حسین - سازمان اسناد ملی ایران - ۱۳۷۵ ص ۱۴۱

۱۰. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ص ۳۰

۱۱. پژوهشی در شاهنامه - کریمان، حسین - ص ۱۴۱

۱۲. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ص ۹۶

ادبیات خاص خود را داشتند در تاریکی عصر نوسنگی فرورفته است. ۱۰ ورونیکا ایونس درباره این اقوام چنین می گوید: اقوام دراویدی پراکنده در هند و سیلان اعقاب بوم زادان هند و دراویدهای نخستینی بودند که در فاصله سالهای (۴۰۰۰ تا ۲۵۰۰ ق. م) به سرزمین هند راه یافتند. دراویدیان خالق تمدن درخشانی بودند که در دره رود ایندوس شهرهای بزرگ و مهم هاراپا و موهنجودارو از آن شکل گرفت. از این تمدن تا به حال آثار نوشته شده ای یافت نشده است اما بقایای باستانی این دو شهر از کیش دراویدی، خاستگاه خدایان و کیش های بعدی هند سخن می گوید. به عبارت دیگر میراث فلسفی و فرهنگ هند از دو خاستگاه متأثر بود: نخست خاستگاه ودایی و آریایی که با فرهنگ هند و اروپایی پیوند دارد و دوم فرهنگ بوم زاد پیش از ورود آریاییان به هند که با تمدن موهنجودارو و هاراپا یعنی تمدن دره ایندوس پیوند می یابد و با تمدنهای کهن بینالنهرین بستگی دارد و آیین هندو از آن متأثر است. ۲.

غالب پژوهشگران، وجود شباهت و رابطه بسیار نزدیک میان اساطیر و سنبله‌های ایران هند را که ریشه در اندیشه ها و باورهای کهن دین آریایی دارد پذیرفته اند، از جمله این شباهت می توان به میترا ایزدبانوی روشنایی در ایران باستان و آیین مهرپرستی اشاره کرد که در ریگ ودانیز از جمله خدایان مهم محسوب می شود.

میترا از خدایان مهم ریگ ودا است که از هم پیمانان وارونا بوده و نام او به جز در یک مورد همراه نام وارونا آمده است. برای مثال در ریگ ودا چنین می خوانیم: ای میترا - وارونا ای فرمانروای آسمانی که بر عرش مقدس حکم می رانید و روشنایی نور را نظاره می کنید. ۳ در کتاب مقدس ودا متعلق به هندیان باستان نیز نام مهر به صورت میترا چندین بار تکرار می شود و معنای پیمان می دهد. در کتاب مقدس اوستا نامه دینی ایرانیان باستان نیز نام میترا آمده و سرودی به نام مهریشت در اوستا در ستایش اوست ۴. اما نکته اینجاست که اغلب نقش خیر و شر ایزدان مشابه در هند و ایران معکوس است. برای مثال ایریمن که یکی از ایزدان کهن هند و ایرانی است

۱. همان منبع - ص ۱۸۹

۲. اساطیر هند - ایونس، ورونیکا - ترجمه باجلان فروغی - نشر اساطیر - چاپ دوم ۱۳۸۱ ص ۲۷۵

۳. درآمدی بر اسطوره ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان - دادور، ابوالقاسم و منصوری، الهام - ص ۲۷۵

۴. آئین میترا - ورمارزن، مارتن - ترجمه بزرگ نادر زاد - نشر چشمه - ۱۳۷۲ ص ۱۶

می دانستند که یکی از قبایل هوبینگ یو ۷ یعنی هونها بود. در سال ۴۳۳ میلادی در اثر فشار ناشی از ستم امپراطور توبای سوم، هفتصد خانوار ترک به مرزهای طایفه جون جون مهاجرت کردند. بعدها این گروه به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شدند. قسمت شرقی، کشورهای مغولستان و کوههای اورال را به تصرف درآوردند و بخش غربی، زمینهای میان کوههای آلتائی و سیحون را تصاحب کردند. ۸. شاهنامه سراسر داستان رزم و کشمکش میان ایران و توران است:

ز ترکان و چین هزاران هزار کمر بستگان
از در کارزار

بیاریم بر گرد ایران سپاه بسازیم هر سو
یکی رزم گاه ۹

گاه می بینیم که در شاهنامه خاقان چین حاکم توران
خوانده می شود:

بزرگان ز هر جای برخاستند به خاقان چین
خواهش آراستند

که بر لشکر امروز فرمان تراست همه کشور چین و
توران تراست ۱۰

در تاریخ هم آمده که ترکان در قرن هفتم میلادی اسماً
تفوق و حکومت امپراطوری چین را پذیرفتند. ترکان از
قبایلی تشکیل شده بودند که به طور نه چندان مستحکم
تحت ریاست مقامی به نام خان به هم متصل بودند و
از مغولستان تا آمودریا به صورت پراکنده زندگی می
کردند. این شبکه را که از چین تا پارس امتداد داشت
امپراطوری ترک می گفتند. ۱۱

در تاریخ ده هزار ساله ایران می بینیم که ساسانیان از
جهت امور و مسائل خارجی در سه جبهه با نهایت
قدرت با دشمنان ایران در نبرد بودند. در مغرب با
رومیان، در مشرق با کوشانیان [یوئه چیها] و هپتالیان
یا هیطالیان و در شمال با وحشی ها، و در ادامه آمده؛
هیاطله (hayatela) یا هپتالیان در سال ۳۰ ق. م.
یکی از طوایف چینی به نام کویشانگ دولتی تشکیل
دادند. رؤسای طایفه مزبور در زمان فرمانروایی اوگوست
، با دولت روم مراوده داشتند. هپتالیان به تدریج از میان

7. huinguu

۸. تاریخ ده هزار ساله ایران - رضایی، عبدالعظیم - ص ۷۱

۹. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ص ۲۰۲

۱۰. همان منبع - ص ۱۶۸

۱۱. تاریخ جهان (تاریخ تحلیلی جهان از آغاز تا پایان قرن بیستم) - مورس
رابرتس، جان - ترجمه منوچهر شادان - نشر بهجت - چاپ اول - ۱۳۸۶ ص

گران ۱

مازندرانی که کیکاووس به آنجا لشکر کشی کرد به
هیچ وجه با مازندرانی که سام با دیوان در آنجا جنگید
تطبیق نمی کند. زیرا وقتی کیکاووس تصمیم خود را
برای تصرف مازندران اعلام می کند، زال و دیگر
پهلوانان ضمن مخالفت با او می گویند تا کنون هیچ
یک از پادشاهان ایرانی حتی جمشید، فریدون و منوچهر
در صدد جنگ با دیوان مازندران برنیامده اند؛ در حالی که
لااقل زال باید از لشکر کشی سام پدر خود به مازندران
در عهد منوچهر آگاه باشد. علاوه بر این در لشکر کشی
کیکاووس هرگز از گرگساران و سگسار نام برده نشده،
ولی از صدها فرسنگ فاصله میان ایران و مازندران،
بیابانهای خشک تفته، نبرد با شیر و اژدها و زن جادوگر
و عبور از سرزمین تاریکی و مخاطراتی از اینگونه سخن
به میان است. ۲. اما شاید اقوام ترک تورانی که سرزمین
آنها در جانب شمال و شمال شرق ایران بوده و همواره در
کشمکش با ایرانیان بودند به نسبت سایر اقوام شرقی
سهام بیشتری را در شاهنامه به خود اختصاص داده
باشند.

بشد ویسه سالار توران سپاه ابا لشکر نامور
کینه خواه ۳

تقسیم زمین میان سه پسر فریدون که منتهی به کشته
شدن ایرج به دست دو برادر دیگر می شود آغازگر
دشمنی خونینی است میان ایران و توران، کشته شدن
نوذر جانشین منوچهر که در جنگ اسیر شده به دست
افراسیاب پادشاه توران موجب جنگ با توران می شود.
این جنگ که برای زمانهای درازی قطع می شود، در
دوره پادشاهی پنج نفر از شاهان بعدی یعنی بیش از
سیصد سال به طول می انجامد؛ کشته شدن سیاوش
دیگر مجالی برای صلح باقی نمی گذارد و اکنون انتقام
خون سیاوش شعار همه کس است تا اینکه افراسیاب
که به گوشه ای فرار کرده بود کشته می شود و کیخسرو
فرزند سیاوش را با خود از توران به ایران می آورد. ۴.

در اسناد تاریخی برای نخستین بار در قرن پنجم
میلادی با ترکان آشنا می شویم. ترکان که چینی
ها آنان را **توجوویه ۵** می نامند، خود را از نسل آسنا ۶

۱. همان منبع - ص ۶۶

۲. پژوهشی در شاهنامه - کریمان، حسین - ص ۳۳۵ به اختصار

۳. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ۵۶

۴. حماسه ملی ایرانیان - نولدکه، تودور - ترجمه بزرگ علوی - نشر سپهر -

چاپ سوم - ۱۳۲۸ ص ۸۹ و ۹۰ به اختصار

5. tuchueh

6. assena

کنند. در ایالت سین کیانگ که تحت نفوذ اسلام و منطقه ای مسلمان نشین بود، زبان فارسی نه تنها زبان رسمی که زبان دینی آنها نیز محسوب می شد و بر زبان عربی برتری داشت. ۵. اکرم خطیبی در کتاب خود مینیاتور ایرانی را نتیجه تاثیر از هنر چین می داند: چون تجار و هنرمندان چین به ایران سفر کردند، چینی ها مینیاتور را به ایران آوردند و هنر نقاشی مینیاتور با هنر نقاشی ایرانی تلفیق شد و ناگهان چهره های نقاشی ظریف ایرانی به قیافه های چینی تبدیل شد. ۶. با آنکه دامنه تفاوت های زبانشناسی مردم چین بسیار زیاد است و در بسیاری از نقاط زبان مردم نقاط دیگر برای کسی مفهوم نیست، زبان مکتوب این ملت در سراسر چین یک شکل داشته و برای همگان قابل فهم بوده است، این عامل به انسانهایی که هزاران کیلومتر از هم دور بودند این امکان را می داد که سنت های ادبی، فلسفی و مذهبی مشترک خود را زنده نگه دارند و تقویت کنند. ۷.

در لغت نامه دهخدا آورده شده که ماچین نام شهر و سرزمینی است در جنوب چین و شرق هندوستان و به معنای بزرگ و عظیم که در سنسکریت به مفهوم مملکت چین است و در ادبیات فارسی نیز اغلب منظور از ماچین سرزمین اصلی چین و منظور از چین، ترکستان شرقی است.

نام ماچین بارها در شاهنامه در کنار دیده می شود:

سپاه آید اورا از ماچین و چین

بما بر شود تنگ روی زمین ۸

در شاهنامه اغلب از چین به شکوه و عظمت یاد می شود :

نخستین سپهدار خاقان چین

که تختش همی بر نتابد بر زمین

تنش زور دارد چو صد نره شیر

سر ژنده پیل آرد اندر به زیر ۹

البته گاه دیده می شود که چین و توران با هم متحد شده و به ایران می تازند:

دگر پنجه از نامداران چین

رفتند و جای آنان نژاد دیگری روی کار آمد که چینیان آنها را تیا و رومیان آفتالیت یا هونهای سفید نامیدند و نزد ایرانیان به هیتل (هیطل یا هیطاله) موسوم بودند. این اقوام در طول تاریخ موجودیت خود بارها و بارها به ایران تاختند و هر بار مغلوب شدند. ۱. نام این قوم را در شاهنامه به ویژه در داستان نبرد خاقان چین و هیتالیان بارها می بینیم:

یکی هفته هیتال با ترک و چین ز اسبان نبرداشتند
ایچ زین

به فرجام هیتال برگشته شد دو بهره مگر خسته و
مرده شد ۲

شاید از میان تمدنهای بزرگ غیر عربی، تمدن چین نخستین تمدنی باشد که اروپائیان با آن آشنا شدند و به ارزیابی آن پرداختند. چین کشوری است پهناور با اوضاع جغرافیایی گوناگون و مساحتی معادل ایالات متحده آمریکا. مرزهای سیاسی و فرهنگی این سرزمین در پارهای دور آنها دو برابر مرزهای کنونی بوده و نقاطی چون تبت، ترکستان چین (سینکیانگ)، مغولستان، منچوری و بخشهایی از کره را در بر می گرفته است. این کشور چندین ریگزار بیابانی، رودهای خروشان، کوههای بلند و کشتزارهای حاصلخیز دارد. چین شمالی عمدتاً در اطراف شهر پکن متمرکز شده است و آب و هوایی خشک و معتدل متمایل به سرد دارد ولی چین جنوبی مرطوب و گرمسیری است. ۳.

توسعه چین در روزگار کهن از هر سو باب بازرگانی و داد و ست با هند و نواحی جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه را گشود و راههای دریایی و کاروان رو احداث گردید و هیئتهای مذهبی هندی، آئین بودا را برای هند به ارمان بردند. بسط و توسعه فرهنگی تا زمان فروپاشی خاندان سلطنتی هان همچنان ادامه داشت. ۴.

جالب است که در زمان حکومت مغولها در چین، زبان فارسی همراه با زبانهای مغولی و چینی زبان رسمی چین شد. در دوره ساسانی گروهی از تاجیکان ایرانی از سغد به صورت دسته جمعی به چین مهاجرت کردند، این جمعیت ایرانی- چینی در جمهوری خلق چین به طور عمده با ملیتهای پامیری معرفی می شوند که در حال حاضر در جنوب غربی منطقه خودمختار سین- کیانگ (لوئیغور) و در جوار کوههای پامیر و تین شان زندگی می

۱. تاریخ ده هزار ساله ایران- رضایی، عبدالعظیم- ص ۱۵

۲. شاهنامه فردوسی- (از چاپ مسکو)- ص ۴۴۴

۳. هنر در گذر زمان- گاردنر، هلن- ص ۷۰۴

۴. گیتاشناسی نوین کشورها- جعفری، عباس- ص ۱۲

۵. مقالات ایرانی زبانان سین کیانگ- اینترنت
www.TOPIranian.com

۶. نقش و رنگ ده هزار ساله تمدن، فرهنگ و هنر ایرانی قبل از اسلام-

خطیبی، اکرم- نشر پردیس- ۱۳۸۱ ص ۱۸۱

۷. هنر در گذر زمان- گاردنر، هلن- ص ۷۰۴

۸. شاهنامه فردوسی- (از چاپ مسکو)- ص ۵۵۲

۹. همان منبع- ص ۱۶۱

آفریده یاد می شود: شانزدهمین سرزمین و کشور نیکی که من اهورامزدا آفریدم، سرزمین گرداگرد سرچشمه رود رنگها بود، جایی که مردمان بی سر زندگی کنند. و جلیل دوستخواه در توصیف مردمان بی سر آورده؛ مردمی که هیچ فرمانروایی را به سالاری خویش نمی پذیرند و در منابع کهن جغرافیایی ایران جای آنان در جزیره های خاوری نزدیک چین ذکر می شود. ۷

در اسطوره های چین بر خلاف اساطیر هند و ایران باستان هیچ مجمع خدایان تثبیت شده ای وجود ندارد. گروه متون رسمی که بر چهره های مذکر تاکید دارند عموماً مجموعه محدودی متشکل از ده خدا و شخصیت اسطوره ای را مطرح می کنند مانند خدای آتش یا خدای کشاورز که مجمعی سست پیوند را تشکیل می دهند. ۸. دیگر اینکه خدایان در چین بر خلاف خدایان آئین هندو یا مهری با هم در حال کشمکش نیستند چرا که دیدیم برای مثال در آئین هندو با انتقال قدرت به تثلیث برهما، ویشنو و شیوا سایر خدایان همچون وارونا، آگنی، سوریا و... به رقابت با خدایان جدید می پردازند. ۹.

در ادامه به سرزمینهایی اشاره می کنیم که اگرچه تقسیمات جغرافیایی آنها را در محدوده سرزمینهای شرقی قرار می دهد، اما از دیدگاه شاهنامه در این گروه جای نمی گیرند چرا که اغلب در غرب ایرانی هستند که از دیدگاه فردوسی مرکز هستی است و واسط میان شرق و غرب. از این جمله اند:

بربرستان و هاماوران؛ نشانی محل بربرستان بنابر اشعار شاهنامه چنان است که دریا در میان و مصر در دست چپ و بربر در دست راست و شهر هاماوران در پیش رو قرار دارد، در این باره و در رفتن کاووس از زابلستان به بربرستان و مصر و شام جهت سد کوبی یاغیان چنین آمده است:

همی راند تا در میان سه شهر
ز گیتی بر این گونه جوینده بهر
به دست چپش مصر و بربر به راست
ز ره بر میانه بر آنسو که خواست
به پیش اندرون شهر هاماوران
به هر کشوری در سپاهی گران ۱۰

در اینجا بر طبق تصور فردوسی و یا قول منابع وی،

۷. اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان - دوستخواه، جلیل - جلد دوم - ص ۶۶۳ و ۶۶۴ به اختصار

۸. اسطوره های چینی - بیرل، آن - ص ۳۰

۹. اساطیر هند - ایونس، ورونیکا - ص ۱۲۷

۱۰. پژوهشی در شاهنامه - کریمان، حسین - ص ۱۳۰

بفرمود تا پیران ۱ کرد گزین ۲
و گاه نیز روابط بسیار نیکو است تا جایی که خسرو شاه ایران سه ماه در چین اقامت میکند و از خاقان چین هدایای بسیار می گیرد.

به چین اندرون بود خسرو سه ماه

ابا نامداران ایران سپاه ۳

ز دینار چینی ز بهر نثار

بیاورد فغفور ۴ چین صد هزار ۵

رابطه مهم میان انزوای نسبی سرزمین چین و نزدیکی آن با اقوام همسایه پرسش مربوط به منشاء مردم چین را مطرح می کند. با در نظر گرفتن پهناوری و اهمیت این منطقه، در مورد منشاء فیزیکی و نژادی آنها شواهد قانع کننده ای در دست نیست. کشف مهم استخوانهای باقیمانده در غاری واقع در ژوکوتیان در نزدیک پکن که بر اساس آزمایش رادیو کربن مربوط به ۱۶۹۲۳ سال ق م است در آغاز تحت عنوان انسان پکنی طبقه بندی شد اما اکنون عقیده بر این است که بقایای مزبور به سرخپوستان دشتهای آمریکا تعلق دارد و نه اقوام مغول یا آسیایی. نخستین استخوانهای مغولی در جنوب چین، در استان گوانگ شی کشف شد که هویت و تاریخ آن روشن نیست. هویت مجمله ناقصی که از سیچوان بدست آمده و مربوط به ۵۵۳۵ سال ق م است نیز مشخص نیست. از جمله دیدگاههای موثق این است که منشاء چینی ها مغولانی هستند که ترکیبی از اقوام دوران باستان را تشکیل می دهند و به اندازه پولینزی ها و سرخ پوستان آمریکا متنوع اند. اما شواهد مربوط به اجداد مردمان ساکن در قلمرو چین در فاصله سالهای ۱۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ق م هنوز به پژوهشهای باستان شناسی بیشتری نیاز دارد. به دوره نوسنگی که می رسیم، استخوانهای

باقیمانده از گورستانهای روستایی در شمال چین که مربوط به حدود ۵۰۰۰ سال ق م است نشانگر ویژگیهای مغولی و بدون هر گونه تنوع در خور توجه است. ۶

در وندیداد اوستا از سرزمین گرداگرد سرچشمه رود رنگها و شانزدهمین سرزمین و کشوری که اهورامزدا

۱. پیران نام یکی از پهلوانان مشهور تورانی است.

۲. همان منبع - ص ۲۰۲

۳. همان منبع - ص ۲۴۷

۴. فغفور به معنی خاقان است.

۵. همان منبع - ص ۲۴۷

۶. اسطوره های چینی - بیرل، آن - ترجمه عباس مخبر - نشر مرکز - ۱۳۸۴

ص ۷۰۶ به اختصار

بربر همان صحرای نفوذ، و شمر در جنوب عراق و شمال عربستان است.^۱

جالب است که بدانیم سرزمین مصر اگر چه به لحاظ تقسیمات جغرافیایی در افریقا قرار می گیرد، اما در شاهنامه اغلب در کنار یمن، هاماوران و بربرستان و در یک حوزه مشترک دیده می شود.

از اعراب نیز به تدریج در اواخر شاهنامه یاد شده است:

بدو گفت من قیس ابن حارثم

ز آزادگان عرب وارثم^۲

سوریه، بغداد، حجاز، و... اسامی جغرافیایی دیگری هستند در حوزه کشورهای عرب امروزی که در شاهنامه دیده می شوند.

آسیای صغیر نیز اگر چه امروزه در محدوده آسیا است اما در شاهنامه همواره در تصرف روم، همان سنبل غرب است.

ارمنستان یا ارمیان هم در شاهنامه به نظر جایی در مرز شرق و غرب تصور شده است که خود آن در غرب قرار می گیرد:

ز تازی و هندی و ایرانیان

ببستند پیشش کمر بر میان

روارو چنین تا بمرز خزر

زارمینه تا در باختر^۳

و باید دانست که باختر در شاهنامه به معنای شرق آمده است.

روسیه نیز که در شمال غربی آسیا و شرقی اروپا قرار دارد و بخشی از خاک آن در آسیا و بخش دیگر در اروپاست در شاهنامه فردوسی با غرب نزدیکی بیشتری دارد:

به روم اندرون شاه بد فیلقوس

یکی بود بارای او شاه روس

و یا:

نخستین که بنهاد گنج عروس

ز چین و ز برطاس و ز روم و روس^۴

اسامی بسیاری از شهرها و سرزمینهای دیگر نیز در شاهنامه دیده می شوند که هر یک برای خود فرصتی جهت بررسی می طلبند که متاسفانه در این مقاله مجالی برای طرح همه آنها نبود. از تمام آنچه تا حال گفته شد

۱. همان منبع - ص ۱۳۰ به اختصار

۲. شاهنامه فردوسی - (از چاپ مسکو) - ص ۵۰۳

۳. همان منبع - ص ۵۲۸

۴. همان منبع - ص ۵۳۴

چنین حاصل می شود که ملل شرق از دیدگاه شاهنامه با آنچه که امروزه به عنوان سرزمینهای شرقی پذیرفته شده متفاوت است و در حالی که دانش جغرافیا عموماً شرق را تمام سرزمینهای آسیایی می داند اما در شاهنامه ای که ایران مرکز عالم شناخته می شود هر سرزمینی که در شرق ایران زمین باشد، شرقی و هر سرزمینی که در سوی غرب آن باشد، غربی خوانده می شود.

ملل شرق از تاریخ و پیشینه ای غنی برخوردارند و آنچه تا کنون باستان شناسان در مطالعات خود بدست آوردند حاکی از آن است که نخستین نشانه های تمدن در این سرزمینها شکل گرفته است.

از مجموع روایات شاهنامه درباره هر یک از این سرزمینها می توان ویژگی خاصی را به روشنی دریافت؛ برای مثال تورانیان همواره دشمن ایرانیان هستند و حتی صلح آنها چندان به رضایت نیست، سرزمین هندوستان به زیبایی و خرمی و چین و ماچین را با شکوه و عظمت آن در شاهنامه در می یابیم. این ملل همچون همسایگان جهان امروزی، گاه در صلح و گاه در اختلاف بودند اما هرگز این اختلافات مانع ارتباط و آشنایی آنها نبود. پس از سالیان درازی که از آشنایی و ارتباط این ملل با هم می گذشت اختلاط و آمیزش میان آنها کاملاً بدیهی به نظر می رسد که گاه در پی رفت و آمدهای تجاری و گاه در پی جنگی صورت گرفته باشد. در شاهنامه نیز می خوانیم:

از ایران و ز ترک و ز تازیان

نژادی پدید آید اندر میان

نه دهقان و نه ترک و نه تازی بود

سرخنها به کردار بازی بود^۵

در این میان برخی از ملل که ذکر آنها پیش از این آمد از شهرت بیشتری در جهان باستان و تاریخ کهن برخوردار بودند و اغلب در شاهنامه نیز نامشان به دفعات دیده می شود که خود نشان آشنایی و رابطه میان این سرزمینها و ایران است. این ارتباط را از شباهتهای موجود میان اساطیر و سنبلهای این ملل نیز می توان دریافت، حتی اساطیر چین باستان هم که تفاوت بیشتری با اساطیر هندو ایرانی دارد از اعتقاد چندخدایی حاکم در سرزمینهای شرق باستان پیروی می کند.

۵. همان منبع - ص ۵۴۶

فهرست منابع

۱. آ. بلنیتسکی - خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه) - ترجمه پرویز ورجاوند - نشر آسیا - چاپ دوم - (۱۳۷۱)
۲. ایونس، ورونیکا - اساطیر هند - ترجمه باجلان فروغی - نشر اساطیر - (۱۳۸۱)
۳. بیرل، آن - اسطوره های چینی - ترجمه عباس مخبر - نشر مرکز - (۱۳۸۴)
۴. جنیدی، فریدون - زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه گفتارهای ایرانی - نشر بلخ - (۱۳۸۶)
۵. جی. آدلر، فیلیپ - تمدنهای عالم - ترجمه محمد حسین آریا - نشر امیر کبیر - (۱۳۸۴)
۶. جعفری، عباس - گیتا شناسی نوین کشورها - مؤسسه جغرافیایی کار توگرافی گیتا شناسی - (۱۳۸۴)
۷. چایلدع ویرگوردون - آریاییان - ترجمه محمد تقی فرامرزی - نشر نگاه - (۱۳۸۶)
۸. خطیبی، اکرم - نقش و رنگ ده هزار ساله تمدن، فرهنگ و هنر ایرانی پیش از اسلام - نشر پردیس - (۱۳۸۱) ۹۸. دوستخواه، جلیل - اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان - نشر مروارید - (۱۳۷۱) ۹۰۹. دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام - درآمدی بر نمادها و اسطوره های ایران و هند در عهد باستان - نشر کلهر - (۱۳۸۵) ۱۰.
۱۰. دانشنامه ویکی پدیا - اینترنت www.Wikipedia.or
۱۱. رضایی، عبدالعظیم - تاریخ ده هزار ساله ایران - نشر اقبال - (۱۳۷۸)
۱۲. شکورزاده، میرزا - تاجیکان، آریاییان و فلات ایران - نشر سروش - چاپ دوم - (۱۳۸۳)
۱۳. طلایی، حسن - باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد - انتشارات سمت - (۱۳۷۴)
۱۴. فردوسی ع حکیم ابوالقاسم - شاهنامه فردوسی - تحت نظر: ی. ا. برتلس (از چاپ مسکو) - نشر اندیشه علم - (۱۳۸۱)
۱۵. کریمان، حسین - پژوهشی در شاهنامه - سازمان اسناد ملی ایران - (۱۳۷۵)
۱۶. گاردنر، هلن - هنر در گذر زمان - تجدید نظر از: دلاکرواع هروست و ج. تنسی - ترجمه محمد تقی فرامرزی - نشر آگاه و نگاه - (۱۳۸۶)
۱۷. لوکاس، هنری - تاریخ تمدن - ترجمه دکتر عبدالحسین آذرنگ - کتابخانه ملی ایران - (۱۳۸۲)
۱۸. م. لوفر، دلاشو - زبان رمزی افسانه ها - ترجمه جلال ستاری - نشر توس - (۱۳۸۶)
۱۹. موریس رابرتس، جان - تاریخ جهان (تاریخ تحلیلی جهان از آغاز تا پایان قرن بیستم) - ترجمه منوچهر شادان - نشر بهجت - (۱۳۸۶)
۲۰. مقالات ایرانی زبانان سین کیانگ - اینترنت www.TOPiraini ۲۱. نولدکه، تئودور - حماسه ملی ایرانیان - ترجمه بزرگ علوی - نشر سپهر - چاپ سوم - (۱۳۲۸)
۲۲. ورمارزن، مارتن - آئین میترا - ترجمه بزرگ نادرزاد - نشر چشمه - (۱۳۷۲)
۲۳. ویسهوفر، یوزف - ایران باستان از ۵۵۰ ق. م تا ۶۵۰ پ. م - ترجمه مرتضی ثاقب فر - نشر ققنوس - (۱۳۷۸)

تحلیل ژئوپلتیک برای خروج از بحران های نواحی شرق کشور دکتر عزت الله عزتی^۱، محمدحسن نامی^۲، وحید بارانی پسپان^۳

چکیده:

به جرأت می توان قرن بیست و یک را قرن تحولات غیر قابل پیش بینی نامید، تحولاتی که باعث بحرانهای زیادی در جهان شده است. در این بین، قرار گرفتن ایران در مرکزیت و محوریت حوزه های ژئوپولیتیک خلیج فارس و دریای عمان، اقیانوس هند، آسیای مرکزی، قفقاز و تسلط بر کانون های استراتژیک انرژی خاورمیانه، نقش بنیادی و اساسی در استراتژی های ژئوپولیتیکی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایفا می کند. فضاهای ژئوپولیتیک شمال، جنوب و شرق همچنین غرب کشور و اهمیت آن در برقراری و حفظ امنیت جمهوری اسلامی ایران بر همگان آشکار است. ضرورت شناخت این نواحی و کارکردهای آن می تواند نقش مهمی در ایجاد امنیت ملی و بین المللی داشته باشد. در این مقاله سعی شده است با بهره گیری از روش کتابخانه ای، با اشاره به نقاط ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران و کارکردها و اهمیت ملی و بین المللی آن، ضرورت شناخت صحیح و دقیق یکی از این نواحی بحران زا (نواحی شرقی ایران) را یادآور شده، و به راهکارهایی در خصوص مدیریت این بحرانها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی:

ژئوپولیتیک، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، بحران، نواحی شرقی کشور

۱. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

۲. رئیس سازمان جغرافیای پشتیبانی نیروهای مسلح وزارت دفاع

۳. نویسنده مسئول: دانشجوی دوره دکتری دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران، ایمیل: Vahid_barani@gmail.com

مقدمه:

شاید به جرأت بتوان قرن بیست و یک را قرن تحولات غیر قابل پیش بینی نامید، تحولاتی که باعث بحرانهای زیادی در جهان شده است. ریشه بحران را می توان از زمان ظهور انسان متفکر دانست (رضایی، ۱۳۷۵، مقدمه) زیرا قلمروهایی را برای حفظ منافع خود ایجاد نموده است و گاهی برای بدست آوردن منافع بیشتر، بر قلمرو خود افزوده اند که این امر باعث تنشهای زیادی شده است، اکثر مناطق جهان دستخوش بحران شده اند و تقریباً اکثر جنگ های به وقوع پیوسته در جهان از یک حالت برزخ بحرانی گذشته اند. دولتها در رویارویی با چالشهای داخلی و خارجی درگیر تلاش مداوم برای سیطره خود بر قلمروی ملی هستند. (موبیر، ۱۳۷۹، ص ۱۹۹). نیاز کشورهای صنعتی به منافع انرژی و مواد خام صنعتی از یک سو و نیاز به داشتن بازار فروش از سوی دیگر برخی مناطق از جهان را دچار بحران می سازد، منطقه استراتژیک نواحی شرقی ایران هر دو ویژگی فوق را داراست بنابراین این منطقه دارای اهمیت بسیار زیادی می باشد و هر تحولی در این منطقه ایران را دچار تنش و بحران می سازد. کشور ایران در جنوب غربی قاره آسیا بین ۲۵ الی ۴۰ درجه عرض شمالی و ۴۵ الی ۶۳ درجه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد.

این کشور از لحاظ موقعیت عمومی، مانند پلی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به هم مرتبط می سازد و به علت همین شرایط خاص طبیعی نقش بسیار حساسی را در سیاست منطقه جنوب غربی آسیا بازی می کند. آگاهی از چنین شرایط طبیعی می تواند در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بسیار اهمیت داشته باشد. (عزت‌ی، ۱۳۶۸، ص ۲۵). ایران پس از جنگ جهانی دوم در چارچوب منافع آمریکا و غرب و با هدف مهار شوروی، اهمیتی ژئواستراتژیک یافت.

ایران در درجه اول، خط حائل در برابر توسعه رو به جنوب روسیه می باشد، لذا تمام روابط آمریکا با ایران از آغاز تا انجام بر محور ممانعت از فزون طلبی شوروی در خلیج فارس استوار بود.

حتی بسیاری از سیاست‌های آمریکا با تاکید بر لزوم اجرای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی به منزله بهترین و موثرترین راه تامین ثبات و امنیت ایران، انجام می شد. (درویدیان، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱). اما اکنون تبدیل

ایران از یک کشور حائل به یک کشور واسطه، موضوع مهمی در تغییرات ژئوپلیتیکی ایران محسوب می شود. دو کشور افغانستان و پاکستان که در همسایگی ایران قرار دارند، از حیث تامین منافع ناشی از ثبات، برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت فراوانی دارند، با توجه به شرایط موجود و نیز گسترده‌گی مرزها به طول حدود ۲۰۰۰ کیلومتر بین این ایران و این دو کشور، به نظر می رسد تهدیدات امنیتی از ناحیه آنها برای منافع ملی ایران گسترش بیشتری یافته و در نتیجه هزینه های و بحران های جمهوری اسلامی در خصوص کنترل مرزها افزایش یافته است. بحران افغانستان را می توان پس از بحران فلسطین قدیمی ترین بحران و چالش موجود در سطح بین الملل تلقی نمود. پس از تجاوز شوروی به افغانستان و فروپاشی نهاد دولت در این کشور، نزدیک به سه دهه است که افغانستان به یکی از کانون های اصلی بحران در سیاست بین الملل تبدیل شده است.

پس از حمله آمریکا به افغانستان و شروع دورانی جدید در این کشور، امید های بسیاری برای شکل گیری دولتی با ثبات در افغانستان و بازگشت این به جامعه بین المللی به عنوان کشوری عادی شکل گرفت، اما این امیدها به تدریج رنگ باخت. از سوی دیگر، در سال های نا امنی و بی ثباتی های پاکستان، شرایط بحرانی را برای همسایگان آن کشور فراهم آورده است. به دنبال افزایش اختلافات داخلی و ناآرامی های سیاسی در پاکستان، به ویژه افزایش فعالیت های داخلی و ناآرامی های سیاسی در پاکستان، به ویژه افزایش فعالیت های طالبان و تقابل ارتش این کشور با آنان، معضل همجواری با کشورهای بی ثبات به سراسر مرزهای شرقی ایران گسترش پیدا کرده است. با عنایت به مجموعه مولفه هایی که موجب نا امنی در افغانستان و پاکستان شده اند، در این مقاله این پرسش مطرح می شود: رهیافت ژئوپلیتیکی برای خروج از این بحران در مرزهای نواحی شرقی چیست؟

روش تحقیق:

این مقاله با رهیافت واقع گرایی، روشی توصیفی داشته و مبتنی بر تحلیل و استدلال است. روش جمع آوری داده و اطلاعات نیز مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است و پس از طبقه بندی اطلاعات، تحلیل و تجزیه آنها به طور عمده از طریق توصیف انجام شده است.

میزان دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی ۲۱ درصد می باشد. میزان مرگ و میر کودکان ۱۵۴ در هزار و امید زندگی برای مردان، ۴۵ سال و برای زنان ۴۶ سال برآورد شده است (UNFPA, The. ۲۰۰۹, State of World Population). درآمد سرانه مردم افغانستان در حدود ۲۰۰ دلار و میزان باسوادی در کشور ۲۹ درصد بوده و یک تخت بیمارستانی برای ۲۰۵۴ نفر قابل تامین است. (۱۹۹۶ P. ۷۳۷, canamlAdlow ehTNewjersey). این شاخص ها مؤید وجود فقر و مصیبت در بین مردم افغانستان است. و امر باعث مهاجرت های زیادی به کشور ایران میشود، ایران و افغانستان ۹۴۵ کیلومتر مرز مشترک دارند.

استان های مجاور مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران امروزه شاهد تهدیداتی چون جرایم سازمان یافته مانند قاچاق مواد مخدر و تسلیحات، مهاجرت های غیر قانونی، ورود کالاهای ممنوعه، نا امنی نواحی مرزی و حمله به پاسگاههای مرزبانی و نیز تهدیدات نرم افزاری، قومی، نژادی، مذهبی و... هستند که می تواند امنیت ملی کشورها را به مخاطره اندازد (دره عسگری و سهراب میرحیدر، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

تاکنون اختلافی بر سر خط مرز دو کشور بروز نکرده است، ولی اختلافات بر سر تقسیم آب هیرمند همچنان باقی است. گاهی اوقات برای دسترسی به آب هیرمند اختلافاتی بروز می کند که منجر به مذاکرات دو جانبه می شود، به طوری که ۱۲ مورد بحران دیپلماتیک و ۲۷ مورد مذاکره دو جانبه برای حل و فصل آن سبب شده است.

بین ایران و افغانستان، اختلاف ارضی کوچکی در منطقه اسلام قلعه وجود دارد که هنوز بدون حل باقی مانده است. عوامل مؤثر در کارکرد مرز و روابط دو دولت ایران و افغانستان کارکرد مرز و روابط ایران و افغانستان تحت تأثیر عوامل زیر قرار دارد:

نظامهای سیاسی حاکم بر دو کشور و الگوی رابطه بین آنها الگوی روابط دولتهای دو کشور با دولتهای دیگر در مقیاس منطقه ای و جهانی وجود یا عدم وجود دولت فراگیر و پاسخگو در افغانستان محصور بودن افغانستان در خشکی و نیاز به موقعیت گذرگاهی ایران موقعیت گذرگاهی ایران در مسیر عبور مواد مخدر از افغانستان به اروپا

مبانی نظری ارزیابی بحرانهای نواحی شرقی کشور ایران

بررسی بحران ها بدون شناخت کانونهای بحران زامکان پذیر نمی باشد و هر بحرانی دارای منشاء و کانونی هست که برای حل بحران باید به صورت ریشه ای عمل نمود. لازم به توضیح است که سئوالاتی برای پژوهشگر مطرح است که برای نفسیر موضوع مورد بحث پاسخ به آنها اجتناب ناپذیر است که این سئوالات عبارتند از:

الف: بحران چیست؟

ریشه بحران از واژه Crisis در معنای جور کردن، قضاوت، لحظه حساس مشاجره گرفته شده است. بحران به معنای تغییر ناگهانی است که در جریان یک بیماری پدید می آید و صفت ویژه آن حالت وخامت است.

(بیرو - ۱۳۷۰ - ص ۷۳). از نظر برداشت عمومی، بحران عبارتست از بوجود آمدن شرایط غیر معمول یا غیر متعارف در روند حرکت یک سیستم، به بیان دیگر بحران وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییر ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغییر نظم موجود ایجاد می گردد. معمولاً بحران را مترادف درگیری نیز بکار می برند، پدیده درگیری عبارت از کنش و واکنشهای آشکار و قهری گروههای رقیب می باشد. این تعریف هرگونه آشوب سیاسی، شورش و جنگ را در بر می گیرد ولی مفهوم بحران بین المللی در آن کمتر به چشم می خورد اما به هر حال یک بحران بین المللی را می توان به عنوان تغییر وضعیتی تعریف کرد که با دو شرط اساسی همراه است: دگرگونی در نوع و شدت کنشها و واکنشها میان دو یا چند رقیب، همراه با احتمال درگیری نظامی. (حیدری - ۱۳۷۲ - ص ۴۲)

ب: بحرانهای موجود در نواحی شرقی کشور ایران چیست؟

افغانستان

جمعیت افغانستان در سال ۲۰۱۰ در حدود ۲۹ میلیون نفر برآورده شده است که ۲۰ درصد آنها در مکان های شهری و ۸۰ درصد در مناطق روستایی و عشایری سکونت دارند. مردم افغانستان در زمره فقیرترین مردم جهان محسوب گردیده و شاخص های جمعیتی و رفاه اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. به عنوان مثال میزان مرگ و میر جمعیت ۲۲ در هزار، و

کوچک محلی از جمله آنها هستند. در این میان این گروه‌ها طالبان نقش اساسی دارد.

طالبان در چارچوب گروه‌های مقاومت در دهه ۱۹۸۰، با حمایت امریکا و در راستای مقابله با حضور نیروهای شوروی در افغانستان و سپس در مرحله بعدی به منظور مقابله با نفوذ ایران در افغانستان، بر اساس یک تفکر متحجرانه و تحت تاثیر شدید وهابیت به وجود آمد. حمایت‌های مالی عربستان، امارات و برخی دیگر از کشورهای از طالبان، به اشکال مختلف موجب به قدرت رسیدن این گروه در افغانستان گردید. پس از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، دولت جدید تنها توسط سه کشور عربستان سعودی، امارات و پاکستان به رسمیت شناخته شد. طالبان از حمایت ضمنی آمریکا نیز برخوردار بود و در دور دوم ریاست جمهوری کلینتون، ارتباطات غیر رسمی با طالبان برقرار گردید.

طالبان که توسط سازمان اطلاعات ارتش پاکستان به وجود آمدند تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، کماکان از حمایت‌های علنی پاکستان برخوردار بودند.

لیکن پس از حوادث مزبور و اعلام جنگ علیه تروریسم بین‌المللی و برکناری طالبان از قدرت، نیروهای طالبان به آن سوی مرزهای افغانستان فرار نموده و در مناطق مرزی میان افغانستان و پاکستان مستقر شدند. آنها ضمن انجام عملیات ایذایی، به تدریج مناطقی را در نواحی مرزی پاکستان و جنوب افغانستان در اختیار گرفتند. دولت افغانستان از مدت‌ها قبل آمادگی خود را برای مصالحه با طالبان اعلام کرده بود و حتی مذاکرات مستقیم با رهبر طالبان، ملا محمد عمر، نیز استقبال به عمل آورده بود علاوه بر این، برخی تلاش‌ها توسط جناح‌هایی از حاکمیت افغانستان در راستای دستیابی به توافق با طالبان صورت پذیرفت. انگلیس و آمریکا نیز از این گفتگوها حمایت کردند. حاصل این تلاش‌ها را میتوان به برگزاری نشست زانویه ۲۰۰۹ در عربستان سعودی دانست.

افراطی‌گرایی در پاکستان

پاکستان کشوری مسلمان و با جمعیتی بیش از ۱۷۰ میلیون نفر است که گرایش به اسلام و جریان اسلامی در آن بسیار زیاد است و به عبارتی دیگر، اسلام جزء فرهنگ این کشور به شمار می‌آید. مدارس دینی در پاکستان، مرکز تولید انرژی برای جریان‌های تندرو

ساختار جغرافیایی و طبیعی مرز، بویژه توسعه نیافتگی و فقر عمومی مناطق مرزی در دو کشور ساختار انسانی و پیوندهای فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی ساکنان دو طرف مرز نیاز ایران به آب هیرمند اهل سنت در ایران و شیعیان و تاجیکی‌ها در افغانستان ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی در مسیر مبدأ و مقصد مواد مخدر (افغانستان و اروپا) قرار گرفته است. افغانستان به عنوان کانون فشار، آوارگان، مواد مخدر، ناامنی و غیره آن را از طریق مرز به داخل ایران تزریق کرده است.

مرز ایران و افغانستان بحرانی‌ترین مرز کشور بوده و هزینه‌ها و آسیب‌های فراوانی به ایران وارد کرده است که ۵/۲ میلیون آواره و ۵/۲ میلیون معتاد یکی از ابعاد هزینه‌های آن است. در ادامه به بررسی موجز هر یک از این بحران و تهدیدها می‌پردازیم:



نقشه شماره ۱) نقشه مرزهای سیاسی ایران با پاکستان و افغانستان ماخذ: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح

تهدیدات امنیتی ایران در نواحی شرقی: افراطی‌گری در افغانستان

گروه‌های متعددی با دولت افغانستان و نیروهای خارجی مستقر در این کشور در حال مبارزه می‌باشند که القاعده، طالبان، حزب اسلامی و برخی شکل‌های

هستند.

تعداد قابل توجهی مدرسه دینی در پاکستان وجود دارد که رقم آنها از ۱۸ هزار تا ۳۰ هزار تخمین زده می شود. با نگاهی تاریخی به جریان افراط گرایی در پاکستان، میتوان سه جریان متفاوت را مورد توجه قرار داد. البته این سه جریان با یکدیگر تعامل و همکاری دارند، یک جریان افراط گرا در دهه ۶۰ شمسی به نام سپاه صحاب پایگذاری شد که محور فعالیت ها و اقدامات آن، علیه جمهوری اسلامی ایران و شیعیان بود. جریان دوم، در تقابل با کمونیسم و شوروی بنا نهاده شد.

البته این گروه بعد ها تغییر شکا و ساختار داد و طالبان را شکل داد. جریان سوم، انتفاضة کشمیر است که از سال ۱۹۸۸، شروع به فعالیت کرد. این جریان با الهام از جریان سپاه صحابه و همکاری با دستگاه اطلاعاتی عربستان، با هدف آزادسازی کشمیر تشکیل شد. طی سال های اخیر، طالبان آشکارا تلاش خود را در جهت تقابل با دولت پاکستان به کار گرفته است تا بتواند دولت پاکستان را با نا امنی و بی ثباتی مواجه سازد. (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۸، ص ۳)



نقشه شماره ۲) مرز پاکستان و افغانستان
ماخذ: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح

ترانزیت مواد مخدر

با وجود تمام سیاست هایی که برای کنترل کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان صورت گرفته است، نرخ تولید مواد مخدر در افغانستان از زمان حضور نیروهای خارجی در این کشور، روز به روز در حال افزایش بوده است و بیشترین سر ریز آن به سبب هم جواری و مسیر

ترانزیت به کشورهای اروپایی، به سوی ایران است. تریاک در افغانستان پس از سال ۲۰۰۰، براساس آمار منتشره توسط آژانس های مربوطه سازمان ملل متحد، سیر صعودی داشته است. براساس گزارش INCB (کمیتة بین المللی مواد مخدر)، ۹۳ درصد مواد مخدر موجود در بازارهای جهان در افغانستان کشت و تولید می شود. به لحاظ اجتماعی، با توجه به اینکه براساس آمارها حداقل ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از مردم افغانستان دست اندر کار کشت خشخاش می باشند، می توان به عمق تأثیر تریاک بر اقتصاد این کشور وقوف پیدا کرد. به عبارت دیگر، حدود ۱۰ درصد جمعیت افغانستان در این زمینه فعال اند. بر این اساس، مبارزه با تولید مواد مخدر ظاهراً نمی تواند سریع و کوتاه مدت باشد؛ یعنی غفلتی که در طول سالیان گذشته صورت گرفته شرایط را روز به روز بر ای کشورهای مسئول در این زمینه سخت تر می کند. حجم تجارت مواد مخدر در جهان سالانه به بیش از پانصد میلیارد دلار می رسد که برابر با حجم تجارت نفت در چند سال اخیر و پس از حمله آمریکا، تولید مواد مخدر در افغانستان به صورت قابل توجهی افزایش یافته است (www.unodc.org). کشورهای مختلف و به ویژه همسایگان افغانستان، علاوه بر مبالغ هنگفتی که صرف مبارزه با مواد مخدر می کنند، بخش قابل توجهی از توان ملی خود را به دلیل گرفتار شدن اقشاری از جمعیت شان در دام این مواد از دست می دهند و به لحاظ امنیتی همواره در معرض آسیب قرار دارند.

تقابل منافع اقتصادی با رقبا

ایران و افغانستان در حال حاضر سه گمرک فعال دارند و کالاهای ایرانی در بازار افغانستان از محبوبیت بسیار خوبی برخوردارند. اما در بحث اقتصادی، ایران با رقابت بازیگران دیگر روبروست. یکی از رقبای منطقه ای ایران در افغانستان، روسیه است. سیاست روس ها از گذشته این بوده است که خطوط ریلی و آسفالت، یعنی خطوط تجاری آسیای مرکزی را به پاکستان و بعد آب های آزاد متصل کنند. در واقع اینک شریان های اقتصادی افغانستان در اختیار روسیه است.

تقابل منافع سیاسی با رقبا

یکی از موانع ثبات و امنیت در افغانستان، تقابل منافع

گردیده است. نیروهای ناتو در مواجهه با مردم این کشور توجهی به سنت ها و فرهنگ آنها ندارند، به توصیه دولت افغانستان در روند مبارزه توجهی نمی کنند، به موضوع کشتار غیرنظامیان اهمیت لازم را نمی دهند و مهمتر از همه پدیده بومی سازی امنیت، بسیار دیر مورد توجه قرار گرفته است. مردم مناطق مختلف و خصوصاً بخش های جنوبی و شرقی افغانستان انتظار داشتند بعد از سقوط طالبان و با توجه به کمک های جامعه بین المللی، شاهد اثرات این کمک ها در ارتقای وضعیت زندگی شان باشند.

تجزیه افغانستان

افغانستان در تاریخ خود سه بار با موضوع تجزیه روبرو شده است. یک بار در سال ۱۸۷۸ میلادی، بحث تجزیه از سوی نخست وزیر انگلیس مطرح شد. طرح این بود که هرات را به ایران بدهند، کابل و قندهار هم سهم حکومت انگلیسی هند باشد که ایران نپذیرفت. طرح دیگر از طرف روس ها در زمان خروجشان از افغانستان مطرح شد که مبتنی بر استقلال شمال این کشور بود. طرح سوم، طرحی است که بلک ویل، سفیر سابق آمریکا در هند، مطرح کرده است که براساس آن افغانستان به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می شود. قسمت جنوبی با مرکزیت قندهار در اختیار پشتون ها و قسمت شمالی در اختیار اقوام غیر پشتون افغانی قرار می گیرد. اما در مجموع رهبران سیاسی، مذهبی و گروه های مختلف در افغانستان، به هیچ عنوان با طرح تجزیه افغانستان موافق نیستند و در عین حال، این موضوع یکی از اسباب نگرانی ها می باشد.

ایران ستیزی

تهدید دیگر، پروژه ایران ستیزی است که آمریکایی ها با توجه به رسانه هایی که در اختیار دارند، علیه ایران به راه انداخته اند. آمریکا به دنبال این سیاست تلاش می کند تا افکار عمومی همسایگان ایران را تحریک کند و از فضای ایجاد شده برای ایجاد پایگاه های نظامی خود استفاده کند.

آوارگان و مهاجران افغان

سیل مهاجران افغانی به ایران، از زمان حمله شوروی به این کشور در سال ۱۹۷۹ میلادی و پس از آن در پی جنگ ۲۰۰۱ افغانستان، پیوسته رو به افزایش بوده است. طبق آمار، حدود ۹ تا ۱۱ درصد از جمعیت

سیاسی بازیگران خارجی می باشد که شامل همسایگان افغانستان و آمریکا و اعضای موثر ناتو و قدرت های منطقه ای چون روسیه می شود. افغانستان با توجه به شرایط داخلی و وضعی که از درون داشته، با سقوط طالبان در مسیر دولت سازی قرار گرفته است و پس از اجلاس بن، نظام بین الملل بر آن بوده که حاکمیتی مردمی را در افغانستان ایجاد کند. اما نکته اینجاست که هر بازیگری از نظام بین الملل که در مسئله افغانستان ایفای نقش می کند، دیدگاه خاص خود را از ثبات در افغانستان پیگیری می کند و حتی گروه های داخلی افغانستان نیز تعریف خاصی از قدرت و ثبات در افغانستان دارند. در کل، محیط بین الملل نتوانسته در این مورد به اجماع کامل برسد و در نتیجه تناقضاتی پنهان را در این رابطه و در نگاه جامعه بین الملل نسبت به افغانستان می توان مشاهده نمود.

پایگاه های آمریکا در منطقه و حضور نیروهای خارجی در منطقه

آمریکایی ها در افغانستان به دنبال پایگاه دائمی هستند. علاوه بر این، آمریکا تلاش دارد در حاشیه مرزهای افغانستان و جمهوری اسلامی ایران، پایگاه موقتی و محدودی احداث کند. به این منابع تهدید باید حمایت های آمریکا از معاندین نظام جمهوری اسلامی ایران را هم افزود. احداث پایگاه های متعدد از سوی آمریکا و ناتو فی نفسه تهدیدی برای ایران محسوب می شود. البته آنچه که بیشتر موجب نگرانی جمهوری اسلامی ایران می باشد، تثبیت جایگاه نیروهای بیگانه در افغانستان است. معضلی که ایران از ناحیه منافع حیاتی خود در افغانستان با آن مواجه است، حضور گسترده نیروهای آمریکایی و ناتو در این کشور می باشد. ایران از دو منظر نگران حضور این نیروهاست: اول اینکه نفس حضور این نیروها در همسایگی ایران، با توجه به نوع روابط ایران با آمریکا، نوعی تهدید بالقوه علیه ایران محسوب می شود و نگرانی دوم نیز بر این مبنا استوار است که ادامه حضور نیروهای نظامی خارجی، سبب تشویق توسعه افراط گرایی و گسترش تحرکات تروریستی در منطقه گردیده است؛ در نتیجه، مانع از استقرار ثبات دائمی می شود. برخی عملکردهای نیروهای ناتو در افغانستان نیز منجر به ایجاد بدبینی نسبت به این نیروها در داخل این کشور

اما همواره با مشکلات متعدد امنیتی و اجتماعی از جمله اقدامات بزهکارانه، انتقال بیماری های مسری، قانون شکنی، شرارت و فعالیت در زمینه مواد مخدر مواجه بوده است.

مدیریت بحران در نواحی شرقی کشور

یکی از مهمترین عواملی که می تواند باعث مهار طالبان و جلوگیری از نفوذ آن به ویژه در افغانستان شود، قطع منابع مالی این گروه است. منابع مالی طالبان که صرف جذب نیروهای بیشتر و احیانا ادامه کمک به مناطق محروم تحت سلطه آن می شود، به طور عمده از دو منبع اصلی تغذیه می شود. منبع نخست، کشت و تجارت تریاک و مواد مخدر است. بنابر گزارش ها، این تجارت در دوران اشغال افغانستان توسط آمریکا و ناتو تا چهار برابر افزایش یافته است. منبع اصلی دیگر، کمک های مالی است که از سوی برخی کشورهای عربی خلیج فارس و از طریق شبکه های بانکی پاکستان به طور مخفیانه صورت می گیرد. قطع منابع مالی مذکور نیاز به همکاری بین المللی به ویژه از سوی قدرت های بزرگ و آمریکا دارد.

دغدغه دیگر در ارتباط با طالبان این است که پاکستان در موقعیت متناقضی در ارتباط با طالبان قرار گرفته است. از یک سو، خطر تسلط طالبان را بر کشور احساس می کند و از سوی دیگر، طالبان را به شکل فرصتی برای حفظ موجودیت کشور و به عنوان تنها کارت برنده در قبال همسایه خود افغانستان و مهمتر از آن رقیب و دشمن دیرینه خویش یعنی هندوستان، در افغانستان تلقی می کند. نامشخص بودن خط مرزی پاکستان و افغانستان و حضور قوم پشتون در دو سوی مرز و گرایش های مذهبی طالبان که عمدتاً از قوم پشتون می باشد، مانع احساسات ملی گرایانه آنان و بسیج اقوام پشتون برای ایجاد پشتونستان می شود.

البته این سخن به این معنا نیست که همه پشتون ها طرفدار طالبان می باشند. از سوی دیگر، حضور طالبان که گرایش های مذهبی دارند، مانع نفوذ هندوستان در افغانستان و محاصره پاکستان توسط هندوستان می شود. بدین ترتیب، حل معضل طالبان به نحوی مرتبط با حل مشکلات وحدت سرزمینی پاکستان و سایر سیاست های منطقه ای می باشد (ام البنین توحیدی، مسئله افغانستان: آمریکا و همسایگان، معاونت

افغانستان در ایران به سر می برند (توحیدی ام البنین، ص ۱۳-۱۲). هم اکنون حدود سه دهه است که ایران در بالاترین رده کشورهای پناهنده پذیر قرار گرفته است. این آمار بالا مشکلات بسیاری در عرصه امنیت اجتماعی و اقتصادی ایجاد می کند. پیش بینی می شود با عدم کنترل روند فقر و ثبات سازی در افغانستان، تعداد آوارگان افغانی و مهاجرت آنها به ایران افزایش بیشتری نیز داشته باشد. پیروزی مجاهدین افغانی و تشکیل دولت اسلامی در سال ۱۳۷۱ شمسی و همچنین سقوط طالبان و تشکیل دولت انتقالی در سال ۱۳۸۰ شمسی، دو پدیده ای بود که در مقطع زمانی وقوع، تأثیر مثبت و کوتاهی بر روند بازگشت آوارگان افغانی به کشورشان داشته (UNHCR Website) ولی پایدار نماند. در این زمینه آنچه مشهود می باشد، عدم وجود یک استراتژی هماهنگ و مورد توافق جامعه کمک کننده در افغانستان است. کشورهای کمک کننده اولویت های بازسازی از محل کمک های خود را بر مبنای دیدگاه های خود و غالباً بدون توجه به نظر دستگاه های مسئول افغانی تعیین می کنند. در همین راستا، مقامات رسمی افغانستان و از جمله وزیر امور خارجه سابق این کشور، صراحتاً بر این نکته تأکید نموده اند که تنها ۲۰ درصد از مجموع کمک های تخصیص یافته به افغانستان که در اختیار این دولت بوده در چارچوب اولویت های تعیین شده هزینه گردیده است و طبیعتاً باید در مقابل آن پاسخگو باشد، اما ۸۰ درصد باقیمانده کمک ها را کشورها براساس تعاریف و نظرات خودشان هزینه نموده اند. این عدم توازن و انتقادات فزاینده دولت افغانستان موجب گردید تا جامعه بین المللی در جریان کنفرانس بازسازی در لندن بپذیرد که تا سقف ۵۰ درصد از کمک های خود جهت بازسازی افغانستان را در چارچوب طرح های این دولت هزینه نماید (مک فارار نیل، ۲۰۱۰). به همین جهت کمک های خارجی نیز با تبلیغات گسترده نتوانسته است بر فقر و بیکاری تأثیر مثبت بگذارد و مانع از عزیمت اتباع افغانی به کشورهای دیگر شود.

متأسفانه در هر دو مقطع عدم پایداری شرایط و سرعت برگشت تحولات به عقب منجر به روند معکوس بازگشت مهاجرین افغانی به کشورشان گردید. علی رغم اینکه ایران در سه دهه گذشته تلاش نموده است میزان مناسبی برای آوارگان و مهاجران افغانی باشد،

پژوهشی سیاست خارجی، ۱۳۸۸، ص ۶).

در ارتباط با طالبان نمی توان نقش و نفوذ آمریکا را در صحنه افغانستان و پاکستان نادیده گرفت. در گذشته، آمریکا در راستای تقابل با ایران، به افزایش نفوذ طالبان و در مرحله بعد از وقایع یازده سپتامبر، به طور کلی در مواردی به چشم پوشی از اقدامات طالبان علیه جمهور اسلامی ایران مبادرت نموده است. از سوی دیگر، همسویی سیاست های آمریکا و عربستان سعودی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران از طریق طالبان، موجب شده است که عربستان و برخی دیگر از کشور های خلیج فارس بتوانند به ادامه حمایت های مالی خویش از طالبان ادامه دهند (همان) تا زمانی که این معادله تغییر نکند و کشورهای مؤثر در افغانستان در این زمینه تعامل نداشته باشند، نمی توان در جهت مهار طالبان گام اساسی برداشت کارهای متفاوتی را می طلبد.

یکی دیگر از علل گسترش فعالیت های طالبان و به طور کلی گرایش وهابیت، عدم فعالیت گروه های سنی معتدل می باشد. اگر گروه های معتدل در محیطی به دور از تنش میان شیعیان و اهل سنت فعالیت نمایند و به گسترش مدارس دینی اهل سنت با هدف ترویج تساهل مذهبی و هم زیستی با سایر ادیان پردازند، از راهکارهای مناسب در برخورد ای ایدئولوژیک با طالبان به شمار آید.

لذا به منظور ارتقای امنیت و ثبات و کاهش گسترش تهدیدات به مناطق شرق ایران، پیشنهاد های زیر را می توان مطرح نمود:

امنیت کلیدی ترین عامل و مؤلفه برقراری ثبات در کشورهای حوزه شرقی ایران می باشد. ایجاد امنیت پایدار در گرو بومی نمودن آن و طبیعتاً ارتقای ظرفیت های ارتش و نیروی انتظامی و سایر نیروهای امنیتی خصوصاً در افغانستان و خارج نمودن عامل خارجی از این معادله می باشد.

دو پدیده افراط گرایی و تروریسم را نمی توان لزوماً

یکسان تلقی کرد و با شیوه مشابه با هر دو برخورد نمود. افراط گرایی می تواند مقدمه ای برای رسیدن به تروریسم باشد، اما لزوماً و در همه موارد به آن ختم نمی شود. از سوی دیگر، ممکن است بتوان با افراط گرایی زندگی نمود، اما با تروریسم این امر میسر نمی باشد. لذا مناسب است در اولین گام از پیوند میان این دو پدیده در افغانستان و پاکستان جلوگیری کرد و مانع تسری این پدیده به مناطق شرقی ایران شد. همچنین لازم است تلاش کرد جریان افراط گرا در ساختارهای موجود این کشورها جذب گردد، مقابله با قاچاق مواد مخدر و مبارزه با تروریسم دو موضوع کلیدی می باشند که می توانند فصل مشترک همکاری های جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها قرار گیرند. به نظر می رسد این فرصتی است که از مدت ها قبل مغفول مانده است. تولید و ترانزیت مستلزم تدبیرهای خاص و انجام طرح های اقتصادی می باشد و تلاش گسترده تری را در سطح بین المللی برای جلب کمک های اقتصادی فنی و نیز نظامی می طلبید.

شناخت عمیق و همه جانبه کشورهای همسایه (افغانستان و پاکستان) و تحولات آنها و چگونگی ارتباط و همکاری و در صورت لزوم برخورد با آنها از مسئولیت های سنگین دولت می باشد. زیرا امنیت و منافع ملی در گرو اوضاع و احوال داخلی و شرایط پیرامونی و حاشیه ای مرزی و تحت تاثیر منافع متعدد با کشورهای همجوار است. با توجه به اینکه بین ایران و پاکستان مرزی نسبتاً طولانی وجود دارد و از آنجایی که دو کشور هند و افغانستان در مرزهای خود با نیز درگیر می باشند، لذا پیشنهاد می شود که تا حد زیادی دست ایران در تامین امنیت مرزی دو کشور باز باشد و از آنجایی که سه کشور علاوه بر همسایگی و داشتن مرزهای طولانی دارای اشتراکات مشترک فرهنگی و مذهبی نیز می باشند لذا می طلبد که نسبت به امنیت یکدیگر بیشترین تلاش را کرده و به یک دیگر اعتماد داشته باشند.

فهرست منابع:

- ۱- ام البنین توحیدی، مسئله افغانستان: امریکا و همسایگان، گزارش راهبردی، شماره (۱۸۵)، معاونت پژوهش های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک، اسفند (۱۳۸۵)، صص ۷-۳
 - ۲- بیرو-آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، سال (۱۳۷۰)
 - ۳- تاثیرات نا امنی های پاکستان و افغانستان بر ایران جمع بندی نشست شماره ۱۲۳، معاونت پژوهش های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک، بهمن (۱۳۸۸)، ص ۳.
 - ۴- حیدری-غلامحسین، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۵ و ۶ سال (۱۳۷۲).
 - ۵- درودیان، محمد، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق ۲ اجتناب ناپذیری جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، (۱۳۸۲).
 - ۶- دره عسگری و سهراب میرحیدر، ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تاکید بر لزوم فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی، (۱۳۸۳).
 - ۷- رضایی-ناصر، بررسی کانونهای بحران در جغرافیای سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی سال (۱۳۷۵)
 - ۸- عزتی، عزت الله، جغرافیای نظامی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران (۱۳۶۸).
 - ۹- مویر-ریچارد، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی-ترجمه دره میرحیدر، رحیم صفوی-انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، سال (۱۳۷۹).
- منابع لاتین:

<http://www.unodc.org>

The State of World Population, 1995, UNFPA, P.64. World Population Data Sheet 1995, prb.

canamlAdlrow ehTNewjersey, 1996. P.737.

باغ‌های تاریخی بیرجند در دوران قاجار و پهلوی

سیدرسول موسوی حاجی^۱، دکتر داوود صارمی نائینی^۲، ذبیح‌الله مسعودی^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۰

چکیده

باغ‌های ایرانی به‌عنوان یکی از مصادیق بارز هنر، علم و ذوق ایرانی، همواره مورد توجه مردم نیز بوده‌اند. در سرزمین پهناور ایران، باغ‌هایی وجود دارند که از نقطه نظر هنر و معماری، نمونه‌های بارز شیئی تلقی شده و باعث ترویج هنر باغ‌سازی ایرانی در دیگر سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه سرزمین گوکانیان هند شده‌اند. گونه‌ای از هنر باغ‌سازی و باغ‌های ایرانی را در شهر بیرجند می‌توان مشاهده کرد. آغاز توسعه و شکوفایی شهر به دوره صفویه برمی‌گردد و با آغاز حکمرانی خاندان علم به تدریج مرکزیت قهستان از قاینات به بیرجند منتقل و از آن زمان به تدریج بر توسعه شهر بیرجند افزوده شد. با بررسی و مطالعه در تاریخ سیاسی دوره قاجار و حکام محلی این منطقه، نتیجه می‌گیریم که اوج ساخت و سازهای معماری منطقه در دوران شوکت‌الملک دوم که همزمان با اواخر دوره مظفرالدین شاه و عصر مشروطیت بوده، رخ داده است. از جمله این ساخت و سازها، باغ‌های تاریخی شهر بیرجند است. در این پژوهش سعی بر آن است تا ضمن بررسی علل و عوامل مؤثر در شکل‌گیری باغ‌های بیرجند، اجزای معماری و تزئینات وابسته به آنها نیز مورد تحلیل قرار گیرند. بررسی ویژگی‌ها و شاخصه‌های باغ‌های بیرجند نشان می‌دهد که در این نقطه از ایران، شکلی دیگر از باغ ایرانی با شیوه‌های متفاوت ظهور پیدا می‌کند. عدم حضور آب در محور اصلی باغ و وجود درختان کاج و سرو در دو طرف محور عملکردی و اصلی باغ، شکل‌گیری عمارت و کوشک اصلی در جهت شرقی - غربی بصورت کشیده در لبه‌ی شمالی (مانند باغ رحیم‌آباد) یا جنوبی (مانند باغ اکبری و شوکت‌آباد و بهلگرد)، استفاده از درختان کاج، اتصال باغ به بافت روستایی، بهره‌مندی از تزئینات آجرکاری و گچبری در بناهای موجود در باغ از جمله شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی هستند که هم‌هنگام، هنرمندان و طراحان با اعمال آنها در باغ‌های بیرجند، آنها را به شکلی دیگر و شیوه‌های متفاوت از سایر باغ‌های ایرانی خلق کرده‌اند.

واژگان کلیدی:

باغ ایرانی، معماری باغ‌های تاریخی، بیرجند، قاجار، پهلوی

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۳. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند، ایمیل: Z_masoudi@yahoo.com

مقدمه

باغ‌سازی ایرانی یک پدیده شاخص و منحصر بفرد است که از زمانهای پیش از تاریخ همواره جزء جدا نشدنی زندگی بشر محسوب میشده است. هنر باغ‌سازی نیز مانند معماری، تابع عوامل و شرایط طبیعی هر محیط بوده که وجود آب مورد نیاز و زمین مناسب و خاک بارور از جمله آنهاست. تنوع اقلیمی و جغرافیایی سرزمین پهناور ایران موجب شکلگیری انواع گوناگون از باغ‌ها در طول تاریخ شده است. بررسی تاریخی باغ‌های ایرانی در نقاط مختلف این سرزمین حکایت از آن دارد که با وجود مفاهیم مشترک در طراحی باغ‌ها، شکلگیری کالبدی این مفاهیم با توجه به شرایط خاص هر دوره تاریخی و همچنین بستر طراحی باغ، دارای شاخصه‌های متفاوتی از یکدیگر بوده است. بیرجند از جمله مناطق کویری با اقلیم گرم و خشک است که در عصر قاجار و پهلوی به عنوان منطقهای مهم از نظر جغرافیای سیاسی و تاریخی در مرزهای شرقی ایران شاهد شکل‌گیری گونه‌های شاخصی از مفاهیم باغ‌های ایرانی تحت حکمرانی خاندان خزیمه بوده است. معماران توانمند با شناخت کامل محیط و بهره‌مندی از نظام دقیق باغ‌سازی ایرانی در این منطقه موفق به ایجاد باغ‌هایی گردیدند که با بررسی و مقایسه تطبیقی آنها با دیگر باغ‌های ایرانی، ضمن شاخصه‌های مشترکی که در طراحی داشته‌اند، دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌های منحصر بفردی هم هستند که متمایز از سایر باغ‌های ایرانی می‌باشند. متاسفانه باغ‌های بیرجند امروزه با توجه به گسترش فضاهای شهری و تغییر الگوی شهرنشینی به شدت در معرض تخریب و نابودی قرار دارند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی است و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز آن نیز به شیوه‌های میدانی (بصورت بازدید از باغ‌های موجود در شهر بیرجند) و اسنادی (بصورت فیش‌برداری از تمامی منابع و مآخذ مربوط به موضوع مورد بحث) انجام گرفته است.

واژه‌شناسی و تعریف باغ

باغ در نواحی گرم و خشک سرزمین ایران به عنوان عالیترین، بهترین و آرمانیترین فضای معماری همواره مورد توجه مردم بوده است. به همین سبب نسبت به سایر فضاهای معماری و شهری بیشترین واژه‌ها و نامها به آن اختصاص یافته است که از آن میان میتوان به واژه‌های

باغ، بوستان، گلستان، سروستان، تاکستان، چنارستان، گلزار، لالهزار، چمنزار، پالیز و... و نیز واژه‌های عربی روضه، حدیقه، جنت و فردوس اشاره کرد. در بعضی از واژه‌ها به چگونگی بعضی از جنبه‌های کالبدی باغ اشاره شده است، چنان که گفته شده در فارسی دری و میانه واژه باغ به معنی پاره یا بخشی از زمین بوده و از ریشه واژه باستانی بگ (Bag) به معنی بخش کردن گرفته شده است (پروشانی، ۱۳۷۳: ۵۷۳).

در ایران باستان از واژه پاریدازا (pairidaeza) برای نامیدن باغ استفاده میشده است که از دو جزء پاری (pairi) به معنی پیرامون و دیز (diz) به معنی محدود کردن تشکیل میشود. این واژه سپس به صورت پارادیزوس (paradises) به زبان یونانی و بعد از آن به بعضی از زبانهای اروپایی مثل فرانسه و انگلیسی راه یافت. همین واژه در حال حاضر به صورت پردیس در زبان فارسی به کار میرود و گفته‌اند که فردوس، معرب آن است (ورجاوند، ۱۳۷۳: ۵۸۵).

علامه علی اکبر دهخدا درباره معنی واژه پردیس مینویسد: پردیس لغتی است مأخوذ از زبان مادی (پارادیزا) به معنی باغ و بوستان و از همین لغت است پالیز فارسی و فردوس (معرب) این واژه که در اوستا دوبار به کار برده شده از دو جزء ترکیب یافته، یکی pairi به معنی پیرامون، دیگری Daeza به معنی انباشتن و دیوار کشیدن بوده است که بر روی هم به معنی درخت کاری و گل کاری پیرامون ساختمان میباشد. این واژه در پهلوی پالیز شده و در فارسی دری هم به کار رفته است. هر چند که امروزه پالیز سبزی کاری و کشتزار خیار و هندوانه و خربزه را گویند.

امروزه این واژه در زبان یونانی به صورت paradeisos به معنی باغ، در زبان فرانسه به صورت paradise به معنی بهشت به کار برده میشود (نعیما، ۱۳۸۵: ۴).

شاهچراغی در رابطه با واژه باغ چنین مینویسد: که باغ در حقیقت نامیدن مکانی است مقدس، مکانی است که بخشایش ایزدی در آن به باشندگان عطا میشود (شاهچراغی، ۱۳۸۸: ۹۴).

نام دیگر این فضای سرسبز و دل‌انگیز باغ است. باغ واژه‌های است فارسی که در پهلوی و سغدی نیز به همین شکل به‌کار برده میشده است. برخی باغ را مشترک در فارسی و تازی میدانند و بعضی نیز بر آنند که این واژه در اصل تازی بوده و جمع آن رایبغان می‌آورند (مانند نارونیران) و حال آن که این واژه قطعاً فارسی استوار فارسی به دیگر زبان‌ها رفته است (همان، ۱۳۸۵: ۴).

بر دیوارهای پلکانهای تخت جمشید حاکی از اهمیت باغ در چشم و دل ایرانی است. باغهای خشایارشا شهره شهر بودند. او معمار، شهرپرداز و باغ‌ساز چیره‌دستی بود. هم او در کتیبه‌اش خبر میدهد که: سازندگیها و آبادانیهای زمان پدرم را هم من کرده‌ام و این فرنها را هم من کرده‌ام فرنها تا هجوم اسکندر باقی بودند (عمرانی پور، ۱۳۸۴: ۱۹۷).

بر اساس برخی از اسناد، پیشینه طراحی باغهای ایرانی به دوره ایلامیها می‌رسد (هینتس، ۱۳۷۱: ۱۲۴). در دوران اسلامی نیز ایجاد باغها و درختزارها همچنان مورد توجه ایرانیان بوده است.

طراحی باغها و کاخها به صورتی بارز مورد توجه غزنویان بوده که برخی ویژگیهای آنها را از متون تاریخی میتوان مورد بررسی قرار داد. در دوره تیموریان نیز بر اساس متون تاریخی شمار زیادی باغ طراحی و ساخته شده است. به گونه‌های که تیمور دستور میدهد شمار زیادی باغ با نام باغهای ایرانی در سمرقند و بخارا طراحی و ساخته شود. در دوره قاجار طراحی باغهای ایرانی همانند طراحی برخی دیگر از فضاهای معماری به تدریج از معماری اروپایی تاثیر پذیرفت و فضاهایی ساخته شدند که به پیروی از چگونگی خصوصیات طراحی آنها پارک نامیده شدند (سلطان زاده، ۱۳۸۲).

از آغاز دوره پهلوی و همزمان با دگرگونیهای اساسی و ساختاری در بافت و کاربریهای شهری موجب گردید نوع جدیدی از فضاهای سبز شهری که بر خلاف پارکهای نخستین که مالکیت شخصی داشتند، برای استفاده مردم شهر و به صورت عمومی ساخته شوند که به لحاظ کالبدی نیز فاقد فضاهای ساخته شده مانند باغها بودند.

ویژگی‌های باغ‌های ایرانی در عصر قاجار و پهلوی

باغ‌سازی ایران در اواخر دوره قاجار تحت تأثیر باغ‌سازی عهد رنسانس فرانسه قرار داشته است (نعیما، ۱۳۸۵: ۲۵۲). در این دوره تقلید و اقتباس از معماری غرب در چند سطح صورت گرفت که از جمله آنها میتوان به کاربرد برخی عناصر در نمای بنا مانند کاربرد سنتوری مثلثی شکل یا انواع سنتوری گرد و هلالی به صورت منفرد یا ترکیبی؛ استفاده از انواع سرستونهای غربی مانند سرستونهای دوریک، ایونیک، کورنتی و توسکان، کاربرد قوسهای نیم دایره در برخی از انواع ترکیبهای غربی در درگاهها و پنجرهها استفاده از برخی از ترکیب بندیها در طراحی نما مانند استفاده از آجرهای سنگنا و

در فرهنگ ناظم الاطباء، باغ چنین تعریف شده است: باغ، محوطهای که نوعاً محصور است و در آن گل و ریاحین و اشجار مثمر و سبزیآلات و جز آنها غرس و زراعت میکنند (نصر، ۱۳۸۹: ۱۴).

واژه‌ی پردیس هم در غرب به صورت پارادیس، نام بهشت شناخته شده است و هم در قرآن کریم و زبان عربی به واژه‌ی فردوس تبدیل گشته است. این نه‌بدان معنی بود که بهشت چیزی جز خاطری باغهای زیبای این جهانی در اذهان و خیال مردمان قدیم نیست، چنانچه مادیرایان معتقدند، بلکه بر عکس به این معناست که پردیس این جهان در ایران همواره مظهر سایه و ظل فردوس برین شناخته میشد (نصر، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

باغ در بستر تاریخی

ساخت باغ در کشور ما سابقه طولانی داشته و از پیش از اسلام، بخصوص دوره اسلامی مورد توجه بوده است. شکل باغ در ایران از دیرباز تاکنون با چگونگی طبیعت، هوا و میزان آب تناسب تام داشته است. پدیده باغسازی از زمانهای دور در کشور ما وجود داشته است و نقوش بر که، آب و درختزار بر روی سفال پیدا شده در شوش و نیز سائز نقشهای بدست آمده نمایانگر اهمیت باغ در زندگی مردم خوگرفته باخشی کویر و سوزندگی خورشید در سرزمین کهنسال ما میباشد (نعیما، ۱۳۸۵: ۳).

ابن بلخی در کتاب فارسنامه، منوچهر پسر میخخور بار نخستین کسی میدانند که در جهان به احداث باغ و بوستان پرداخته است و مینویسد: آثار او آن است که اول کسی که باغ ساخت او بود و ریاحین گوناگون بر کوهسارها و دشتهای رسته بود جمع کرد و بکشت و فرمود تا چهار دیوار گرد آن در کشیدند و آن را بوستان نام کرد، یعنی معدن بوها (همان، ۴).

آیین و کیش قدیم ایرانیان به کشاورزی و باغسازی اهمیت خاصی داده، آن را ستایش نموده است. چنان که در وندیداد (فرگرد سوم فقره-۳۳) میخوانیم که زرتشت به اهورامزدا می‌گوید: ای آفریننده جهان مادی، ای یگانه پاک، چهارمین کسی که زمینه را به منتهی درجه وجد آورد کیست؟ اهورامزدا پاسخ میدهد، آن کس که بیشترین مقدار گندم کشت کند و بیشترین سبزیها بکارد و بیشترین درختها بنشانند؛ کسی که زمین خشک را آب دهد و زمین خیس (باتلاق) را بخشکاند و زیر کشت ببرد (آریان پور، ۱۳۶۵: ۴۳).

کشاورزی و باغسازی در کیش و آئین ایران قدیم با قرب و منزلتی روشن و موکد توصیه شده است. نقش درختان

مانند آناشاره کرد (سلطانزاده، ۱۳۸۲: ۹۱).

در دوره قاجار در طراحی داخلی ساختمانها نیز از طرحها، الگوها و عناصر غربی استفاده میشد. برای نمونه از کاغذ دیواری، طرحها و نقاشیهایی از افراد، برای تزئین سطوح و فضاهای داخلی بهره بردند (همان: ۹۱). درخت کاری و گل کاری باغها در اوایل دوره قاجار هنوز غالباً به شیوه قدیم بوده است ولی به تدریج شیوه گل کاری فرنگی به ویژه در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه رایج گردیده است و گل کاران و باغبانان فرنگی هم به ایران آمده و شیوه گل کاری غربی را با خود آوردهاند. حاکمان این سلسله تعداد زیادی از باغهای موجود در ایران را مورد مرمت و بازسازی قرار دادند.

در این دوره برای اولین بار سبک اروپایی در باغسازی ایران نفوذ کرد. از ویژگیهای باغسازی دوران قاجار میتوان به نفوذ اروپا و فرهنگ غرب اشاره کرد. بطور کلی اساساً از این دوره به بعد، به تدریج باغها مفهوم گذشته خود را از دست دادند و در عوض پارکها مورد توجه قرار گرفتند، این پارکها هم به شدت از غرب متأثر بودهاند. تا اینکه در دوران پهلوی احداث باغها و پارکها به شیوه اروپایی متداول شد (نصر، ۱۳۸۹: ۳۷).

در یک قرن اخیر، فرهنگ و معماری و باغسازی ما به راه انحطاط افتاد و باغهای معاصر ایرانی، دستخوش بیهویتی و اغتشاش گردید. از دوره پهلوی به بعد (بالاخص در دهه ۱۳۵۰) پارکهای متعددی ساخته شد که این پارکها هر یک برای منظور خاصی ساخته میشدند. پارک کودکان، پارک عمومی و... با اضافه شدن وسایل و تجهیزات جدید به این پارکها، آنها تبدیل به محل تفریح، بازی، ورزش، کتابخانه عمومی، اجرای نمایش و موسیقی شدند (همان، ۳۸).

در دوره رضا شاه شماری فضای سبز عمومی با عنوان باغ ملی در بعضی از شهرهای بزرگ مثل تهران، اصفهان و مشهد طراحی و ساخته شد. طرح آنها غالباً ساده مانند پارکها بودند و در بسیاری از آنها یک یا دو محور اصلی یک مرکز و قطعهها و فضاهایی سبز که بین راهها قرار داشتند، از اجزای اصلی به شمار میآمد (سلطانزاده، ۱۳۸۲: ۹۲).

بنابراین میتوان گفت در این دوره نیز در شهرهای مختلف باغها و پارکهای زیادی ساخته شد که اکثر آنها از شیوههای باغسازی ژاپنی اروپایی تأثیر پذیرفتهاند. باغهای بیرجند واژه باغ در بیرجند به معنی عام خود به هر زمین محصور که در آن درخت کاشته باشند یا زراعت کنند اطلاق می شود. از این لحاظ باغهای

بیرجند دو گونه بودند، یک نوع باغهای مشجر و پردرخت و نوعی دیگر باغهای بی درخت یا بسیار کم درخت. علاوه بر این باغها تعدادی باغ (بزرگ و کوچک) در خارج شهر نیز بود (رضایی، ۱۳۸۱: ۲۷۱) و همه این باغها به دو خانواده حکومتی ((علم)) و ((خزیمه)) تعلق داشت. بیرجند به عنوان شهری که رونق و شکوفایی خود را در دوره صفویه به دست آورده است، در دوره قاجار به اوج شکوفایی خود می رسد. و از مهمترین وقایع این دوره (قاجار) که آینده شهری بیرجند و شکل گیری بناها و باغهای تاریخی آن را رقم می زند قدرت یافتن خاندان خزیمه است. به دنبال حکومت خاندان خزیمه در بیرجند سبب ایجاد بناهای تاریخی مذهبی و باغها و عماراتی شده که در حقیقت شاخصه های معماری بیرجند را تشکیل می دهد.

با بررسی و مطالعه در تاریخ سیاسی دوره قاجار و حکام محلی این منطقه، متوجه می شویم که اوج ساخت و سازهای معماری منطقه در دوران شوکت الملک دوم که همزمان با اواخر دوره مظفرالدین شاه و عصر مشروطیت بوده، رخ داده است. از جمله این ساخت و سازها، باغهای تاریخی بیرجند است. بررسی و مطالعه ویژگیها و شاخصهای باغهای بیرجند در مقایسه با دیگر باغهای ایران، نشان از شیوه متفاوتی در طراحی دارد؛ ویژگیهایی مانند اتصال به بافت روستایی، محور اصلی درخت کاج، گسترش و ایجاد عمارت اصلی چهار باغ از پنج باغ مورد مطالعه در جهت شرقی-غربی از شیوه باغ سازی بیرجند را از دیگر نقاط ایران متمایز می کند. عمده باغهای بیرجند و به ویژه باغهای مورد مطالعه در دوره قاجاریه و در زمان امیر علم خان سوم حشمت الملک و فرزندان وی از حاکمان آن زمان بیرجند شکل گرفته است. که تمامی باغهای مورد مطالعه در حال حاضر در محدوده شهر بیرجند واقع شده و تنها باغ پهلوگرد به فاصله ۲۰ کیلومتر از شهر بیرجند واقع شده است

۱.۶. باغ اکبریه

باغ و عمارت اکبریه که در حال حاضر به عنوان اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی مورد استفاده است؛ در روستای اکبریه در سه کیلومتری جنوب شرقی بیرجند قدیم قرار داشته است (رضایی، ۱۳۸۱: ۲۸۲). و با توجه به پیوستن روستای اکبریه به شهر بیرجند در حال حاضر به لحاظ استقرار مکانی در انتهای خیابان معلم، میدان موزه واقع شده است (تصویر ۱).

انتظامی بوده است و بعد از آن در اختیار سازمان میراث فرهنگی قرار گرفت.

۲.۱.۶. شناخت فضایی - کالبدی

این مجموعه که در گذشته هسته مرکزی روستای اکبری بود، اکنون به شهر پیوسته است. مجموعه اکبری به کاربرد مسکونی و حکومتی ساخته شده که قسمتی از ساختمان‌ها و اندرونی آن به اعضاء خانواده علم اختصاص داشته و قسمت مرکزی آن ویژه امور دیوانی و حکومتی بوده است.

این مجموعه که در جهت شرقی - غربی ساخته شده است، دارای بخش‌های مختلفی چون: سردر ورودی، باغ، عمارت، اصطبل، حمام، بخش اداری، تالار تشریفات و استخر میباشد.

سردر اصلی و اولیه باغ اکبری بر اساس اسنادی که از گذشته بدست آمده است در ضلع شمالی و در امتداد محور اصلی شمالی - جنوبی باغ قرار داشته است (تصویر ۲). سردر جبهه غربی مجموعه نسبت به دیگر فضاها در دوران متاخر توسعه باغ شکل گرفته است.

این سردر با اینکه نسبت به عمارت اصلی در موقعیت فرعیتری قرار داشته و در راستای محور اصلی باغ قرار ندارد، اما به دلیل نزدیکی مسافت آن با عمارت و دیگر فضاهای خدماتی اهمیت بیشتری یافته است (تصویر ۳). باغ اکبری به با توجه به نظام هندسی موجود در کربندی‌ها، انطباق آکس ورودی بر محور تقارن کوشک و بنای سردر ورودی دارای هندسه‌های خاص و نظاممند و نشانگر یک نمونه‌ی بارز باغ ایرانی است، اما بنا به مقتضیات و نیازهای عملکردی که در دوره‌های مختلف توسعه بر باغ گذشته، بناهای متعددی به عمارت مرکزی افزوده می‌گردد که به صورتی اورگانیک و بین دو باغ جنوبی و باغ اصلی شکل گرفته است. در توسعه‌های بعدی اصل کارایی، رعایت سلسله مراتب، کیفیت دید و منظر و ایجاد مسیرهای حرکتی که دارای دیدهای پرسپکتیو بسیار زیبایی از منظره باغ و بناها می‌باشد و نیز توجه به هندسه فضاهای باز رعایت گردیده است.

همچنین وجود ایوان‌ها و تراس‌های وسیع در بنا که امکان گردش ناظر را با دیدی مسلط بر باغ بدست می‌دهد، بر غنای کیفی و خط بصری مجموعه افزوده است.

صحن باغ مستطیلی به ابعاد ۹۴×۲۱۷ متر می‌باشد که امتداد شمالی - جنوبی دارد و عمده ساختمان‌های آن در سمت جنوب قرار دارد.



تصویر ۱- عکس هوایی باغ اکبری (بر گرفته از Google Earth) ۱.۱.۶. تاریخچه باغ اکبری

شکلگیری اولیه باغ را به اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجار در زمان حشمت‌الملک نسبت می‌دهند. باغ اکبری به مشتمل بر دو بنا میباشد که قدیمیترین آن ساختمانی متعلق به حشمت الدوله پسر محمد ابراهیم شوکت الملک است که تاریخ احداث آن به اواخر دوره زندیه و اوائل دوره قاجار بهبر می‌گردد.

بنای دیگری که در این مجموعه واقع است ساختمان تشریفات میباشد که بوسیله شوکت الملک (۱۳۶۴-۱۳۰۰ هجری قمری) بنیان شده است. باغ اکبری به عنوان منزل پدری شوکت الملک بعد از الحاقاتی به آن، به عنوان محل عمارت و حکمرانی مورد استفاده قرار گرفت؛ بطوریکه در لهجه محلی به (کلاته سرکار امیر) شهرت یافت. بعد از درگذشت ابراهیمخان شوکت الملک پسر وی اسدالله علم، وزیر دربار شاه مخلوع از این محلبه عنوان سکونت در برخی از ایام سال استفاده مینمود.

بنای مزبور بوسیله اسدالله علم وقف آستان قدس رضوی شد و بعد از انقلاب تا سال ۱۳۷۹ در دست نیروی

محور اصلی باغ و با عناصری مانند درختان رفیع و آبنا، باغ آرایبی ادامه یافته است. استخر نعلی شکل همراه با درختان کاج و توت که در اطراف آن جای گرفته‌اند، در میانسرای این بخش قرار دارد. طاق‌های جناقی در دیوارهای اضلاع که به یک شکل تکرار شده‌اند، فضای ویژه‌ای را به لحاظ منظری و کارکرد ایجاد نموده‌اند. عمارت منسوب به عمارت دیوانی، فضایی است فاقد تزئینات که در ضلع غربی و متصل به عمارت مرکزی قرار گرفته است. در بخش مرکزی این فضا که در وسط راهرو قرار می‌گیرد، گنبد کلاه فرنگی وجود دارد که با شش بازشوی نورگیر و رسم‌بندی مختصر جلب توجه می‌کنند. بناهایی که در طبقه اول و در منتهی الیه شرق احداث شده‌اند، قدیمیترین بخش مجموعه حساب شده و شامل دو بخش اصلی میباشند. بخش اول که متصل به عمارت مرکزی است دارای ۱۷ اتاق است. با توجه به قدمت این بخش میتوان گفت که این قسمت در گذشته به عنوان محل زندگی ساکنین استفاده میشده است. بخش دوم که بوسیله یک پیش صحن از بخش قبلی منفک شده، شامل راهروی مرکزی با محور شرقی-غربی است که در دو سوی آن تالارها و اتاق‌ها به صورت قرینه قرار گرفته‌اند. در دوره آبادی این بخش محل سکونت امیر بوده است که پس از توسعه و گسترش مجموعه به سمت غرب و ساخت عمارت مرکزی، با از دست دادن کاربری اولیه به صورت انبار درآمد بود. اصطبل همزمان با عمارت اصلی و در جنوب شرقی آن و به مساحت تقریبی ۲۵۰۰ متر مربع احداث گردیده است. این بخش دارای دو ورودی مجزا است که یکی از آنها در داخل مجموعه اصلی و دیگری در جهت شمال غربی و در داخل بافت مسکونی مجاور عمارت واقع شده است (منصوری، ۱۳۸۴: ۵۹). بطور کلی گسترش ساختمان‌های اکبریه از جبهه شرقی به غربی بوده است؛ بطوری که اولین بنای آن در شرق محوطه و خیابان اصلی باغ احداث و بقیه ساختمان‌ها به فراخور نیاز و تقریباً با هماهنگی خاصی در کنار بنای قبلی به وجود آمده است. اگرچه باغ اکبریه و بناهای وابسته به آن در شرایط زمانی خاصی و در یک دوره مشخص به وجود نیامده است ولی به لحاظ مشابهت در ساخت و معماری می‌توان آن را یک مجموعه کامل به حساب آورد. بنایی که به عنوان ساختمان تشریفاتی نامیده می‌شود، در میان ساختمان‌های دیگر از نمای جالب توجه و ویژه‌ای برخوردار است. ساختمان مزبور که دو طبقه است، دارای فضایی ورودی است که از دو رشته پلکان به



تصویر ۲- نمای ورودی شمالی باغ اکبریه
(عکس از نگارندگان)



تصویر ۳- نمای ورودی غربی باغ اکبریه (عکس از نگارندگان)

همانند اکثر باغ‌های ایرانی، محور اصلی باغ در محور تقارن طولی قرار دارد که دو ردیف درخت کاج سر به فلک کشیده قدیمی به همراه درختچه‌های شمشاد به زیبایی خاصی بخشیده‌اند. در میانه محور اصلی باغ و در انتهای این مسیر و در مقابل عمارت، حوض‌های آب قرار دارند که علاوه بر انعکاس تصویر باغ، بر وجود عنصر اصلی آب در شکل‌گیری باغ تأکید می‌نمایند (تصویر ۴). فرم فرو رفته در نمای عمارت اصلی دعوت‌کنندگی خاصی را همراه با شکوه ساختمان در هماهنگی با خط آسمان و ایوان اصلی در ذهن القامی نماید. باغ با دیوارهای گلین از سه طرف محصور شده است. فضاهای اصلی معماری را می‌توان به عمارت اصلی، فضاهای خدماتی و اصطبل تقسیم‌بندی نمود. پس از عبور از ورودی اصلی بنا، عمارت اصلی باغ با فضاهای باشکوه و متنوع مشخص می‌شود. در پشت این ساختمان بخش دیگر باغ که از نظر مساحت کوچکتر از باغ اصلی است قرار دارد که دسترسی به آن از طریق راهروهای ارتباطی امکان‌پذیر است. در این بخش نیز در ادامه

استفاده گردید (منصوری، ۱۳۸۴: ۵۹). شاهنشین از مهمترین قسمت‌های این طبقه است که دارای گچبری‌های متعدد به صورت موتیف‌های گل و گیاه پیچ در پیچ است و مهمترین عنصر بکار رفته در آن دو ستون گچی است که در سقف طاقنمای موجود در دل دیوار ساخته شده است و به کف شاهنشین متصل می‌گردد.

نمای خارجی این بنا شامل یک ایوان سرتاسری و دو ستون در روی آن است. ستون‌های بکار رفته در پیش ایوان به صورت مدور با استفاده از آجرهای پیشبر ساخته شده است. قوس‌های دسته سبیدی و نیم دایره به ایوان زیبایی خاصی بخشیده‌اند.

در مقابل عمارت اصلی، محوطه‌های وسیع به وسعت حدود ۳۳۰۰ متر مربع به استخر و برخی فضاهای دیگر اختصاص داشته است. در ضلع جنوبی این محوطه یک ورودی به داخل روستای اکبریه، مطبخ، حمام خصوصی و حمامی با ویژگی‌های حمام‌های زینتی قرار دارد. در ضلع شرقی این محوطه چند حجره و سه اتاق به عنوان محل آموزش کودکان قرار دارند. در ضلع غربی محوطه نیز طاقنماهای متعدد و یکنواختی که تکرار شده‌اند. در وسط این محوطه، استخر بزرگ و باغچه‌هایی در اطراف آن (تصاویر ۵ و ۶) قرار گرفته است (حلاج مقدم، ۱۳۸۹: ۲-۶).

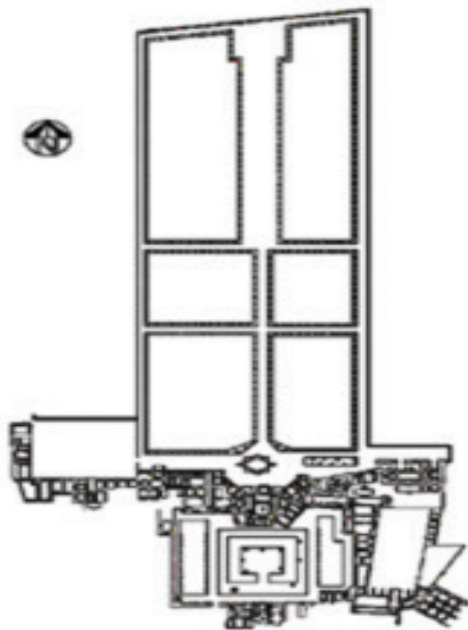
صورت قرینه در سمت غربی و شرقی بوجود آمده است. این مسیر دسترسی به صورت سرپوشیده طراحی شده است. پلکان‌های مذکور در انتهای مسیر خود به دو درب منتهی می‌گردد که ورودی به بخش داخلی بنا را تشکیل می‌دهند.



تصویر ۴- درختان کاج در دو طرف ورودی اصلی باغ اکبریه (عکس از نگارنده)

در بدو ورود به فضای داخلی، یک هشتی با سقف گنبدی وجود دارد که برای تزئین زیر سقف آن از رسمیندی استفاده شده است. از هشتی مذکور راهرویی منشعب می‌گردد که از طریق آن ارتباط و دسترسی به اتاق‌های مجاور فراهم می‌آید. این راهروها از یک طرف در انتها بهم متصل و تشکیل دالانی با سقف کوتاه را می‌دهند.

از قسمت‌های مهمی که ورودی آن در راهرو شرقی است، اتاق شاهنشین یا اتاق آینه می‌باشد. عناصری که از آن در تزئین اتاق آینه استفاده شده است، نوعی آینه کاری مخصوص در قالب‌های مقرنس گچی و همچنین استفاده از نقاشی‌های اروپایی بوده که به تعداد محدودی در بدنه دیوار و زیر شیشه جاسازی شده است. سقف این اتاق نیز با آینه‌هایی به شکل مربع پوشش داده شده است که فرم تزئیناتی آن را کامل می‌کنند. در مجاورت اتاق آینه، اتاقی است که با گنبد کلاه فرنگی زیبایی مسقف شده و در اطراف آن نورگیرهایی قرار گرفته است. در چهار کنج اتاق نیز از چهار طاقنمای مقرنسکاری شده



تصویر ۵- پلان باغ و عمارت اکبریه (آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان جنوبی، ۱۳۸۹)

و لانه زنبوری زیر سقفها که در نهایت به پنجره منتهی می‌گردد بسیار دیدنی است (تصاویر ۷ و ۸). این تالار به اتاق آینه متصل و علاوه بر آینه کاری مزین به نقاشی‌های چاپی می‌باشد (کوهستانی: ۱۳۸۷: ۱۴۶-۱۴۸).



تصویر ۷- تزئینات آینهکاری (عکس از نگارندگان)
تصویر ۸- تزئینات گچ‌بری باغ اکبریه (عکس از نگارندگان)

۲.۶. باغ شوکت آباد

مجموعه باغ و عمارت تاریخی شوکت آباد در فاصله پنج کیلومتری جنوب شرق بیرجند در جاده منتهی به زاهدان و در روستای شوکت آباد واقع شده است (تصویر ۹).



تصویر ۹- عکس هوایی باغ شوکت آباد (بر گرفته از Google Earth)



تصویر ۶- عمارت اصلی باغ اکبریه (عکس از نگارندگان)

۳.۱.۶. نما و تزئینات بنا

ساختمان اکبریه دارای تزئینات منحصر به فردی است که مهمترین آنها را میتوان به شرح زیر بیان داشت:: وجود گچ‌بری‌های همراه با مقرنس کاری‌ها و تزئینات لانه زنبوری زیبا.

اتاق آینه در هر دو عمارت با سقفهای ساده و مقرنس شده نقاشی‌ها و مینیاتور بسیار زیبا و هنرمندانه در دیوارهای تالار آینه علم.

ستون‌های آجری در داخل و بیرون بنا مزین به تزئینات و برجستگی‌های شبیه به گل روی ستون‌های آجری. تزئینات گچ‌بری در طاق‌نماها، اطراف سقفها و هشت ضلعی‌های بالای تالارها.

پرده‌های موجود که از پارچه‌های مخمل و اطلس بوده و از زمان سکونت اسدالله علم به جا مانده است.

بخاری‌های دیواری با تزئینات گچی و سنگ‌بری با نقوش گیاهی - حیوانی و نوشتار.

آجرچینی روی دیوارها که با طرحهای زیگزاگ، برجسته، لوزی، مثلثی با کنگره‌های مثلثی دور تا دور ساختمان.

- گچ‌بری‌های بسیار زیبا در طبقه همکف ساختمان علم با درب منبت کاری شده.

- تزئینات زیر عرچین‌ها که تشکیل یک ستاره چند ضلعی می‌دهند.

لازم به ذکر است که ساختمان شوکت الملک و اسدالله علم با کاهگل و بعداً خاک گچ روپوش داده شده و بعد از مرمت ساختمان علم با گچ اندود و سفید گردیده است. همچنین در دیوارهای ساختمان شوکت الملک کاغذ دیواری به چشم می‌خورد. این قسمت از اتاق که تالار بوده است دارای گچ‌بری و آینهکاری بوده که متأسفانه ریخته است. وجود هشتی و طاق‌نماها با تزئینات مقرنس

میگرفته است. این بخش که دارای گستردگی زیاد و درختان مختلف میوه و تزئینی بوده، بخش بیرونی باغ محسوب می‌شده است. احتمالاً بعضی از فضاهای ایجاد شده در گوشه‌های عمارت اصلی الحاقی بوده و بعدها به فراخور نیاز به آن اضافه شده است. همچنین روش معماری بکار رفته در احداث این عمارت تماماً بصورت طاق و تویزه بوده و گهواره ای بودن سقف بعضی از اتاقها حاکی از استفاده از روش معماری ناحیه گرم و خشک است. بطور کلی عمارت احداث شده در جبهه جنوبی باغ شوکت آباد بصورت طولی و در جهت شرقی - غربی است که به لحاظ فرم نیز یکنواخت میباشد علاوه بر آن، فرم بخشی در این عمارت نیز رعایت گردیده است بطوری که میانه عمارت در نمای بیرونی از قسمت اصلی بیرون آمده و هشت ضلعی زیبایی را جهت نما بوجود آورده است و این شکل هندسی نیز در گوشه‌های اصلی این هشت ضلعی دوباره بوجود آمده است. از دیگر ویژگیهای جالب توجه این بنا ارتباط یافتن تمامی فضای داخلی با همدیگر است که این ارتباط بوسیله دالان‌ها، راهروها و اتاق‌ها میسر میگردد (تصاویر ۱۰-۱۱-۱۲-۱۳).

۱.۲.۶. تاریخچه باغ

عمارت و باغ شوکت آباد در میان آثار تاریخی بیرجند دارای ویژگی‌های معماری فراوانی است. این بنا در دوره قاجاریه در زمان حکمرانی اسماعیل خان احداث گردید که پس از مرگش به ابراهیم خان شوکت‌الملک رسیده است و بعدها توسط اسد الله علم وزیر دربار شاه مخلوع وقف گردید.

۲.۲.۶. شناخت فضایی - کالبدی

مجموعه باغ و عمارت تاریخی شوکت آباد از نقطه نظر معماری دارای ویژگیهای خاصی هستند که در دیگر نمونه‌ها، مشابه آن را کمتر میتوان یافت. باغ شوکت آباد شامل حصار، برج‌های دیده‌بانی، سردر ورودی، عمارت اصلی، حوضخانه، عمارت نارنجستان، باغ، اصطبل و فضاهای خدماتی می‌باشد. بناهای احداث شده در باغ بصورت متراکم بوده و در جبهه جنوبی و شرقی باغ وجود دارند. عمارت اصلی جبهه جنوبی مخصوص حاکم و خانواده او بوده است که بعضی از فضاهای داخلی آن جهت تشریفات و پذیرایی از میهمانان مورد استفاده قرار



تصویر ۱۰ - ورودی مجموعه باغ و عمارت شوکت آباد (عکس از نگارندگان)



تصویر ۱۲ - گوشه اصلی باغ شوکت آباد (عکس از نگارندگان)



تصویر ۱۱ - محور اصلی و عملکردی باغ شوکت آباد (عکس از نگارندگان)



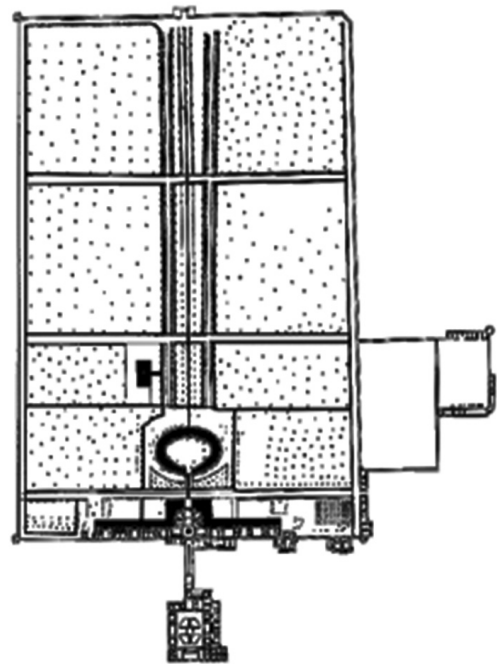
تصویر ۱۴- فضای اتاق‌های عمارت شوکت آباد
(عکس از نگارندگان)

۴.۲.۶. فضای حوض خانه

اصلی‌ترین بخش عمارت، حوض خانه است که به لحاظ فضا سازی، مرکزیت بنا را به خود اختصاص داده و پوشش سقف آن بصورت کلیل آذری دوگلوئی است. حوضخانه پلانی هشت ضلعی داشته و آب نمای زیبایی در میان آن قرار گرفته است که آب نمای آن هم فرم هشت ضلعی را دارا است. طاق‌هایی که در این قسمت از بنا استفاده شدند، اکثراً قوس تیز داشته و به مقرنس کاری سقف ختم میشوند. گنبد حوض خانه بصورت کلاه فرنگی است که علاوه بر تهویه فضای حوض خانه به جهت فرم خاص خود، نورگیر مناسبی نیز برای این فضا بوده است. فضای حوض خانه بدلیل جایگاه مناسب خود در مجموعه بنا به قسمت‌های دیگر از طریق دالان و اتاق‌های مجاور ارتباط مییابد. همچنین از فضای حوض خانه، دالان سرپوشیده و مسقفی جدا میگردد که به عمارت نارنجستان منتهی میشود. عمارت نارنجستان اندرونی و جهت سکونت خانواده حاکم و بصورت کاملاً خصوصی بوده است. (تصویر ۱۵)



تصویر ۱۵- فضای حوضخانه عمارت شوکت آباد
(عکس از نگارندگان)



تصویر ۱۳- پلان باغ شوکت آباد (آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان جنوبی، ۱۳۸۹)

۳.۲.۶. وضعیت فضای اتاقها

اتاق‌های بنا با توجه به گستردگی خاص دارای معماری یکنواختی بوده است و برای تسهیل در اقامت زمستانی بخاری دیواری نیز در فضای داخلی آنها تعبیه شده است. همچنین فضای داخلی هر اتاق علاوه بر دو پنجره یا نورگیر، دارای در مشبکیاست که برای پوشش شبکه‌های آن از شیشه‌های رنگی استفاده شده است. فرم استفاده شده جهت قوس تزئینی در بخاریهای دیواری بصورت خنچه‌پوش تخت است و این فرم در اکثر بخاریهای دیواری بنا تکرار شده است. همچنین سقف اتاقها بصورت گهواره‌های و با فرم کلیل یک گلوئی مسقف شده است. لازم بذکر است که سقف بعضی از اتاق‌ها با توجه به مرمت‌هایی که بعد از احداث اولیه روی بنا صورت گرفته است، از حالت گهواره‌ای به مسطح تبدیل شده است.

تنها اتاقی که در آن تزئینات آینهکاری بکار رفته است، اتاقی است که در ورودی پیش آمده بنا در بخش‌های هشت ضلعی با سه درگاه ورودی احداث شده و تزئینات آن شامل آینه‌های متصل به دیوار رف‌های گلدانی همراه با آینه کاری و استفاده از قطعات کوچک آینه در نقاط مختلف این اتاق میباشد. احتمالاً این اتاق به دلیل دید مستقیم در امتداد باغ جهت پذیرائی ملاقات کنندگان با حاکم مورد استفاده قرار می‌گرفته است (تصویر ۱۴).

– انواع قوس‌های بکار رفته در بخش نارنج خانه (نارنجستان)

۳.۶.۳. باغ رحیم آباد

باغ تاریخی رحیم آباد در فاصله پنج کیلومتری جنوب شهر بیرجند و در ۱/۵ کیلومتری باغ و عمارت اکبری، در روستایی به همین نام واقع شده است. مالکیت اولیه باغ منسوب به امیر معصوم خان خزیمه بوده و در دوران حکومت اسماعیل خان شوکت الملک (۱۳۱۵ هجری قمری) به عنوان دارالحکومه استفاده می‌شده است (تصویر ۱۷)



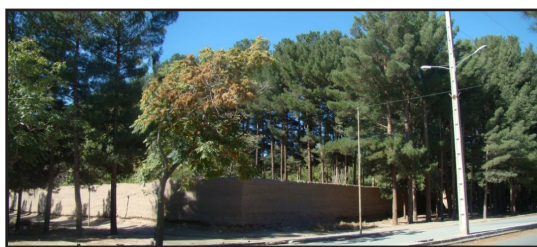
تصویر ۱۷ – عکس هوایی باغ رحیم آباد (بر گرفته از Google Earth)

۳.۶.۱. شناخت فضایی – کالبدی

عمارت رحیم آباد شامل مجموعه‌ای از بناها و فضاهایی است که هر کدام دارای کاربری‌های خاصی بوده‌اند. ورودیه داخل مجموعه از ضلع شرقی و از طریق دو درگاه امکان پذیر است. یک درگاه مستقیماً به محوطه‌ای وارد می‌شود که در حد فاصل اتاق‌های نگهبانی و قسمت حوض خانه واقع شده است. درگاه دوم در فاصله کمی از درگاه اول قرار گرفته و به دالانی منتهی می‌شود که از شرق به غرب کشیده شده و در دو طرف آن اتاق‌های نگهبانی قرار دارند. پس از دالان، محوطه اصلی باغ قرار گرفته که فضای خرم و دلگشایی دارد (تصاویر ۱۹ و ۲۰). حوضخانه شامل فضایی هشت ضلعی است که در اطراف آن واحدهای معماری مختلفی قرار دارد. پوشش حوض خانه بصورت گنبدی بوده و دارای گلاهِ فرنگی در مرکز می‌باشد. در

۲.۶.۵. حصار و برج‌های دیده بانی

حصار باغ با استفاده از خشت خام و کاه گل بنیان شده و از نظر فرم دارای ضخامت و استحکام بسیاری است و حتی امکان راه رفتن روی حصار برای نگهبانان فراهم می‌شده است. در بخش زیرین حصار در بعضی نقاط اتاق‌هایی احداث شده که احتمالاً محل نگهداری اسب بوده است. این حصار با توجه به گستردگی و طولانی بودن برای استحکام بخشی دارای پشتیبان می‌باشد که در فواصل معین ایجاد شده‌اند. چهار برج مدور واقع در چهار گوشه حصار از خشت خام و کاه گل ساخته شده و ارتفاع هر یک از آنها به بیش از پنج متر میرسد (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶ – حصار و برج‌های دیده بانی باغ شوکت آباد (عکس از نگارندگان)

۲.۶.۶. اصطبل مرکزی

این باغ و واحدهای معماری احداث شده در آن دارای اصطبل مرکزی است که به دلیل وسعت، جایگاه خاصی را در کنار دیگر قسمت‌های باغ داراست. اصطبل مرکزی در جبهه شمالی باغ و خارج از حصار ایجاد شده است. فضای داخلی اصطبل دارای حیاط مرکزی وسیعی است که نشان دهنده نگهداری حیوانات به تعداد بسیار در این مکان است. در اطراف حیاط مرکزی نیز دارای اتاق‌های متعددی جهت تیمار اسبان و نگهداری علوفه کاربرد داشته است.

۲.۶.۷. نما و تزئینات بنا

مجموعه باغ و عمارت تاریخی شوکت آباد دارای تزئینات شاخصی است که شرح مهمترین آنها چنین است:

- فرم کلی پیش آمده بصورت زوایای شکسته.
- تزئینات بکار رفته در بخش حوض خانه بصورت رسمی بندی قوس‌های کلیل آذری.
- تزئینات آینه کاری در یکی از اتاق‌ها.
- تزئینات مقرنس در نمای خارجی طاق نماهای تزئینی.



تصویر ۲۰- عمارت باغ رحیم آباد (عکس از نگارندگان)

این باغ به سبک سایر باغ‌های ایرانی شامل یک خیابان اصلی و چند خیابان فرعی میباشد در طول خیابان اصلی سه حوض تعبیه شده است.

محوطه باغ دارای سه خیابان طولی با محور شمالی جنوبی و سه خیابان فرعی با محور شرقی غربی است. حداقل این خیابان‌ها کرت‌هایی قرار گرفته که در آنها انواع درختان میوه کاشته شده است. دو طرف خیابان اصلی که از شمال به جنوب امتداد دارد، درختان سرو قد برافراشتند.

بخش اصلی مجموعه، عمارت آن است که در دو طبقه و در ضلع شمال باغ قرار گرفته است. این بخش از مجموعه، علی‌رغم اینکه از نظر توپوگرافی در موقعیت پستتری قرار دارد به عمارت اصلی اختصاص یافته و سایر فضاها به خدمات‌دهی به این بخش اختصاص داشته است و همین ویژگی سبب منحصر به فرد بودن این مجموعه در میان باغ‌های ایرانی است.

طبقه همکف عمارت شامل فضاهای متعددی از اتاقها و راهروهای ارتباطی است که عموماً به عنوان انبار کاربرد داشتند. ورود به این طبقه از طریق جلوخان ورودی امکان‌پذیر است.

طبقه اول عمارت که محل سکونت خانواده امیر بوده، دارای بخشهای متنوع و متعددی است. ورود به طبقه اول از طریق جلوخان و درب واقع در ضلع شمال آن امکان‌پذیر است.

پس از بالا رفتن از چهار پله، پاگردی قرار دارد که از طریق آن دو رشته پلکان دیگر به دو طرف شرق و غرب ادامه مییابد.

این فضای جالب توجه به عنوان ورودی طبقه اول به

چهار ضلع حوض خانه چهار حجره قرار گرفته که به منظور استراحت و گذران اوقات فراغت ساکنان و مهمانان استفاده می‌شده است. در چهار ضلع دیگر راهروهای ارتباطی به سایر فضاهای این بخش تعبیه شده است. یک راهرو در ضلع شمالی، ورود به داخل حوض خانه از محوطه بیرونی را ممکن میسازد. راهروی شرقی به اتاق کوچک و ساده که دارای پوشش چهار ترک است منتهی میشود. (تصویر ۱۸)

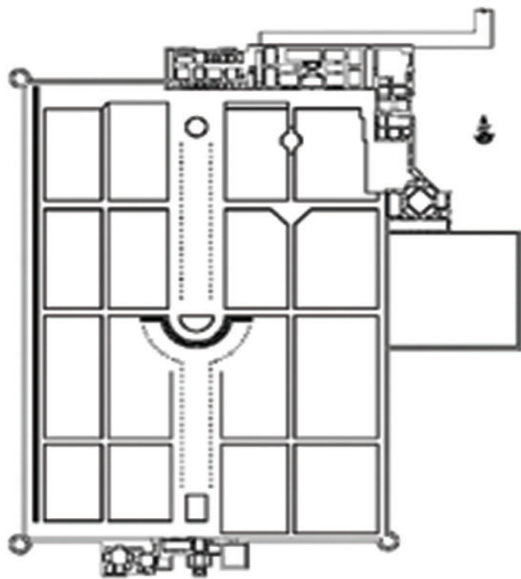


تصویر ۱۸: نمایی از سردر ورودی عمارت رحیم آباد (عکس از نگارندگان)

این اتاق فاقد تزئینات است و تنها چند طاقچه در دیوارهای آن تعبیه شده است. در کنار این اتاق در ضلع جنوبی، سرویس بهداشتی قرار دارد. راهروی ضلع جنوبی به تالار وسیع با محور شرقی - غربی ختم میشود. این تالار دارای ده پنجره است که رو به باغ باز میشوند. طاقهای بکار رفته در این پنجرهها از نوع جناغی است. پوشش این تالار نیز بصورت طاق و تویزه است. این تویزه‌ها علاوه بر جنبه کاربردی، به فضای تالار حالت زیبایی نیز میدهند. راهروهای ضلع غربی به اتاق دیگری منتهی می‌شود که دارای محور شمالی - جنوبی بوده و بصورت طاق و تویزه پوشیده شده است.



تصویر ۱۹- محور اصلی باغ رحیم آباد (عکس از نگارندگان)



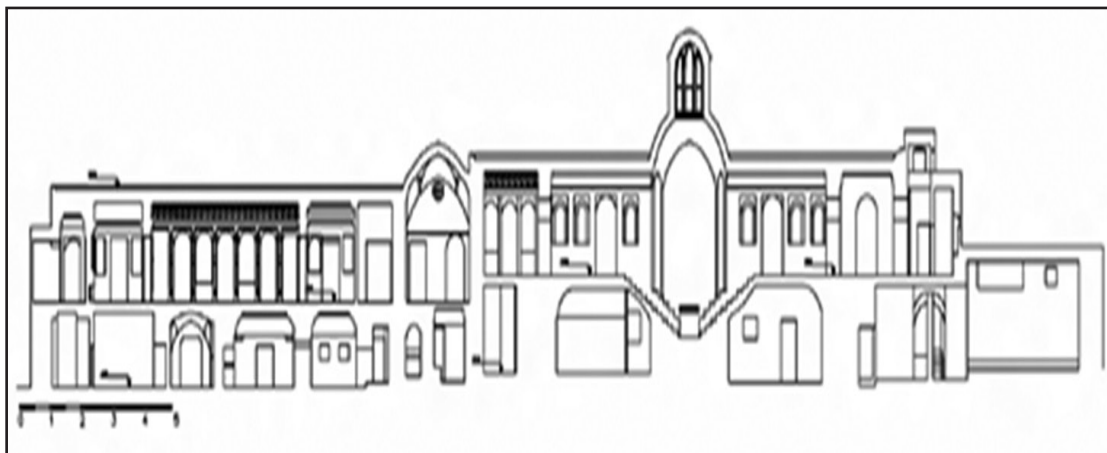
تصویر ۲۱- پلان باغ رحیم‌آباد (آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان جنوبی، ۱۳۸۹)

گونه‌های طراحی شده که به بخش‌های مختلف این طبقه ارتباط دارد. از طریق درب‌های تعبیه شده در اضلاع شمال، جنوب، غرب و شرق ارتباط از فضای بیرون به واحدهای طبقه اول از کوتاهترین مسیر ممکن است.

این بخش که به نوعی عملکرد میان‌خانه را دارد؛ دارای گنبدی رفیع است که بر فراز آن گنبدی گلابه فرنگی قرار گرفته است. در ساقه کلاه فرنگی پنجره‌هایی تعبیه شده که هم نور فضا را تامین می‌کردند و هم جهت تهویه هوای این محل از آنها استفاده می‌شده است.

در سقف این گنبد کلاه فرنگی و بالای پنجره‌ها تزیینات رسمیندی ظریف و یک شمسه گچ‌بری شده دیده می‌شود.

در دو طرف گنبد دو دالان قرار دارد که به فضاهای دو جبهه غربی و شرقی منتهی می‌شود، این دالان‌ها دارای پوشش کلیل می‌باشند (زعفرانلو، ۱۳۸۲، ۱۳۸). (۲۱ و ۲۲).



تصویر ۲۲- برش طولی باغ رحیم‌آباد (آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان جنوبی، ۱۳۸۹)

باغ را حصاری در بر گرفته که در گوشه‌های جنوب شرق، جنوب غرب و شمال غرب دارای برج‌های مدور به منظور نگهبانی می‌باشد. در ضلع جنوبی باغ، فضاهای خدماتی از جمله مطبخ، حمام و خم‌خانه قرار گرفته است (رضایی، ۱۳۸۱: ۷۲).

۲.۳.۶. نما و تزیینات بنا

باغ و عمارت رحیم‌آباد به عنوان محلی مسکونی که به طبقه حاکمان اختصاص داشته است، دارای ویژگی‌های معماری و هنری متعددی است. یکی از مهمترین ویژگی‌ها و مشخصه‌های این بنا، استفاده از انواع تزیینات و آرایه‌های وابسته به معماری است. تزیینات بکار رفته در این بنا بیشتر از نوع آینه‌کاری، گچ‌بری، مقرنس، رسمی بندی و تزیینات مربوط به درب و پنجره‌های

بطور کلی طبقه اول را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد. بخش غربی که از مساحت کمتری نیز برخوردار است، محل زندگی خصوصی خانواده امیر است و به تنهایی دارای مسیر ورودی از داخل باغ است.

بخش دوم که وسیع‌تر بوده و اجزا و عناصر معماری مفصل‌تری نیز دارد در جبهه شرقی قرار گرفته است.

بخش شرقی شامل فضای ورودی میان‌خانه، سه تالار بزرگ در شمال، جنوب و غرب میان‌خانه، طارمی ضلع شمال، راهروهای ارتباطی، اتاق‌های خواب، سرویس‌های بهداشتی و انبار میشوند. در شمال عمارت اصلی، مجموعه فضایی قرار دارد که شامل محوطه‌های وسیع و حجره‌ها و اتاق‌هایی در اطراف است که این قسمت به عنوان اصطبل استفاده می‌شده است. دور تا دور

آنها محسوب می‌شده است. نظیر این باغ و عمارت در شهرستان بیرجند نمونه‌های دیگری نیز به چشم می‌خورد که هر یک هم اکنون مورد استفاده ارگانی خاص قرار گرفته‌اند. با آنکه ساخت و سازهای متاخر در این باغ به چشم می‌خورد لیکن مجموعه فضاهای اصیل آن به خوبی قابل تشخیص می‌باشند و همچون دیگر باغ‌های تاریخی ایران سلسله مراتب و جای‌گیری مناسب فضاها در آن رعایت گشته است (تصویر ۲۴).



تصویر ۲۴- عمارت اصلی باغ بهلگرد
(عکس از نگارندگان)

۲.۴.۶. شناخت فضایی - کالبدی

باغ بهلگرد که بر اساس اصول باغ ایرانی شکل گرفته است، دارای ورودی ساده‌ای است که در ضلع شمالی واقع شده است. ورودی مذکور هم اکنون دارای درب فلزی بزرگی است اما ظاهراً در گذشته ورودی زیبایی داشته است که از دو طرف، اتاق‌هایی آن را احاطه می‌کردند. حصار سرتاسری باغ بر اساس شواهد و عکس‌های هوایی دارای برج‌هایی نگهدارنده بوده است که اینک اثری از آنها بر جای نمانده است (تصویر ۲۵).



تصویر ۲۵- ورودی اصلی باغ (عکس از نگارندگان)

چوبی می‌شود. میزان و نوع تزئینات در بخش‌های مختلف بنا با توجه به نوع کاربری فضاها متغیر است. بخش‌های خدماتی بنا از قبیل آشپزخانه، حصار خارجی، برجه‌ها و فضاهای طبقه همکف که بیشتر به عنوان انبار استفاده می‌شده‌اند، دارای کمترین تزئینات هستند. اما بخش‌های مسکونی، پذیرایی و حوضخانه با توجه به نوع کارکردشان دارای نفیست‌ترین نوع تزئینات هستند. ورودی اصلی عمارت که در شمال ورودی دوم قرار دارد، از لحاظ تزئینات، دارای طرح‌های آجرکاری در نمای خارجی می‌باشد. طرح‌های تزئینی این بخش شامل دو ستون در دو طرف ورودی با مقطع مربع با نمای آجری و آجرکاری‌هایی در قسمت بالای ورودی با طرح‌های هندسی می‌باشد. ورودی دوم از لحاظ تزئینات ساده‌تر بوده و فقط در بالای درب و زیر طاق دارای یک طرح شمسه با استفاده از زهوارهای چوبی می‌باشد.

۴.۶. باغ بهلگرد

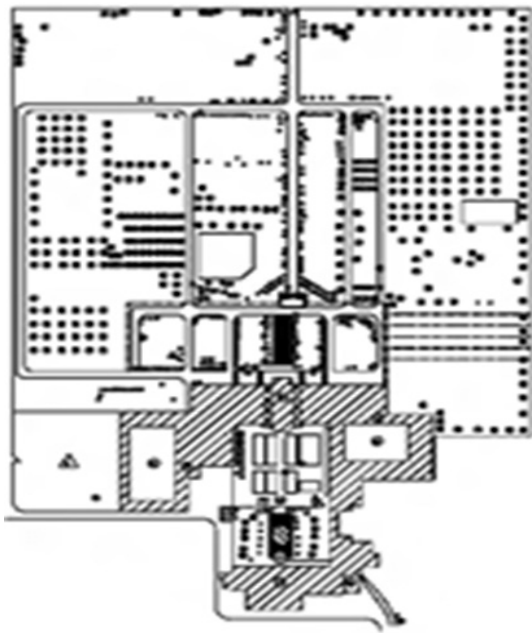
باغ بهلگرد در فاصله سی کیلومتری شمال شرقی بیرجند، در امتداد جاده بیرجند- زاهدان و در روستای بهلگرد واقع شده است (تصویر ۲۳)



تصویر ۲۳- عکس هوایی باغ بهلگرد
(بر گرفته از Google Earth)

۱.۴.۶. تاریخچه باغ

بهلگرد یکی از روستاهای تاریخی شهرستان بیرجند می‌باشد و این بدلیل قرار گرفتن عمارت‌های تاریخی در هسته اولیه روستا است که هم اکنون بخش اعظمی از آن تخریب و بدست فراموشی سپرده شده است. این باغ که از دیرباز محل آمد و شد خاندان علم بوده، تفرجگاهی مناسب و مکانی برای پرداختن به امور حکمرانی



تصویر ۲۶- پلان باغ بهلگرد (آرشیو سازمان میراث فرهنگی خراسان جنوبی، ۱۳۸۹)



تصویر ۲۷- نمای عمارت اندرونی باغ بهلگرد (عکس از نگارندگان) تصویر ۲۸- شاه نشین باغ بهلگرد (عکس از نگارندگان)

با عبور از دروازه ورودی، آسپه‌ی اصلی باغ با درختان بلند کاج که سایه اندازی مناسب در اوقات آفتابی بوده‌اند، مسیر دسترسی به گوشک را نشان می‌دهند. در دو طرف این آسپه، کرتبندیهای تقریباً اصیل باغ با بوته‌های زرشک، درختان زردآلو، شاه توت، پسته و سیب قرار دارند که مورد استفاده ساکنین باغ می‌باشند. شکلگیری درختان میوه و تزئینی همانند تمام باغ‌های اصیل ایرانی بصورتی بوده که در وسط کرتها درختان میوه و در اطراف آن درختان تزئینی قرار گرفته است.

عمارت اصلی و اولیه باغ، گوشک ساده‌ای است که دارای سه اتاق خاننشین در وسط و دو اتاق ابتدایی - یک اتاق با پوشش طاق و تویزه و اتاق دیگر دارای سقف مسطح چوبی - میباشد. مقابل این اتاقها ایوان سرتاسری قرار گرفته که دید بسیار مناسبی نسبت به باغ و استخر مقابل خود دارد. در مجاورت سه اتاق خاننشین، راهروهایی با پوشش گهواره ای وجود دارند که علاوه بر راه داشتن به فضای اندرونی و بیرونی باغ، به فضاهای کناری خود نیز راه دارند که اتاقهایی هستند با پوشش چهار بخشی با درها و پنجره‌های چوبی که به باغ راه دارند و طاقچه‌هایی گرداگرد آنها را فرا گرفته‌اند. در ضلع شرقی این عمارت، حمام قدیمی و در ضلع غربی آن فضاهایی همچون مطبخ، انباری و اتاقهایی می‌باشند که بعدها به آن افزوده شده است. در ضلع جنوبی، باغ اندرونی قرار گرفته است که حدود یک متر بالاتر از باغ بیرونی قرار دارد و عمارتی دو اشکوب با ستونهای مدور سقف و ایوان آن را نگه داشته است.

طبقه‌ی زیرین دارای اتاقهای متعدد با پوششهای گهواره ای، تیرپوش، چهار گردهپوش میباشد که توسط یک دالان به فضای پشتی مرتبط بوده و در ضلع قرینهی آن راه پله‌های به طبقه فوقانی تعبیه شده است. این طبقه نیز دارای سه اتاق با سقف تیرپوش مسطح است که ایوانی زیبا مقابل آن قرار گرفته است. در ضلع شرقی این عمارت، بقایای حمامی قدیمی، حوض خانه خدام، انباری و نجاری وجود دارد. در میان باغ اندرونی، استخر دیگری وجود دارد با جزیرهای هشت ضلعی در وسط آن که مقابل گوشک اندرونی واقع گردیده است و گراگرد آن با درختان سرو آذین شده است. آب قنات از قسمت حوضخانه وارد باغ میشود و پس از گذر از استخر باغ اندرونی و جویهایی میان درختان، وارد عمارت بیرونی، استخر باغ بیرونی و کرت بندهای باغ میشود تا همه گیاهان را از بالا تا پایین باغ سیراب کند (تصاویر ۲۶-۲۷ و ۲۸).

۶.۴.۳. نما و تزئینات بنا

باغ و عمارت بهلگرد دارای تزئینات منحصر به فردی است که مهمترین آنها را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

تزئینات گچ بری همراه با مقرنس کاری ها ستون های آجری در داخل و بیرون بنا مزین به تزئینات آجری و برجستگی های شبیه به گل روی ستون های آجری.

تزئینات گچ بری در طاقنماها، اطراف سقفها و هشت ضلعی های بالای تالارها.

بخاری های طبیعی با تزئینات گچی

آجر چینی روی دیوارها با طرحهای زیگزاگ، برجسته، لوزی و مثلثی.

وجود تزئینات رخیام دور تادور بام عمارت و کوشک اصلی باغ.

نتیجه گیری:

شهر بیرجند در عصر قاجار و پهلوی از دارالحکومه های مهم خاندان علم محسوب می گردید. به دنبال حکومت خاندان علم در بیرجند سبب ایجاد بناهای تاریخی مذهبی و باغ ها و عمارت هایی شده که در حقیقت شاخصه های معماری بیرجند را تشکیل می دهد از جمله این بناها باغ های تاریخی است که با بررسی ها و مطالعات انجام گرفته بخش اعظم باغ های موجود این دوره به خاندان مذکور تعلق داشته و در زمان امیر علم خان سوم حشمت الملک و فرزندان وی از حاکمان دوره قاجاریه بیرجند شکل گرفته است. باغ های مذکور به لحاظ تقدم و تأخر تاریخی، باغ اکبریه قدیمی ترین که متعلق به اواخر زندیه و قاجاریه و باغ های شوکت آباد، رحیم آباد و بهلگرد به ترتیب در طول دوره قاجاریه و پهلوی شکل گرفته اند.

از مهمترین علل و عوامل شکل گیری باغ های بیرجند می توان دلایلی چند را برشمرد: به دنبال نفوذ زیاد خاندان علم در دربار حاکمه و انتخاب بیرجند به عنوان مرکز فرمانروایی خود نیازمند احداث مکان هایی جهت سلطه بر منطقه بودند لذا مهمترین علت شکل گیری باغ های مذکور به ویژه باغ های اکبریه، شوکت آباد و رحیم آباد تابع جریان های سیاسی و حکومتی روز بودند عامل مهم دیگر تابع عوامل و شرایط اقلیمی و محیطی بود. آب و هوای گرم کویری و خشک منطقه زمینه ی ایجاد

مکان های سکونتی و تفرجگاهی بصورت باغ را فراهم می نمود. از عوامل دیگر تولید و فراوری محصولات کشاورزی به ویژه انواع میوه بود.

مطالعه و بررسی مکان یابی باغ های تاریخی بیرجند عامل مهم دیگری است که نیازمند توجه مضاعف می باشد هر چند غالب باغ های مورد بحث در پیوند با روستاهای مجاور خود قرار دارند ولی ارتباط عمده این مکان ها بیشتر در ارتباط با فضاهای شهری و نواحی پیرامون آن می باشد و حاکمان خاندان علم دور بودن از محیط شهری را علیرغم انجام وظایف خود در نظر داشته و نسبت به آن اقدام نموده اند. دسترسی به منابع آبی که نحوه تأمین آن از طریق قنات صورت می گرفت عامل عمده دیگر در مکان یابی فضاهای باغ ها محسوب می گردد.

بررسی ویژگیها و شاخصه های باغ های بیرجند نشان می دهد که در این نقطه از ایران شکلی دیگر از باغ ایرانی با شیوه های متفاوت ظهور پیدا می کند. ویژگیهایی مانند عدم حضور آب در محور اصلی باغ و وجود درختان کاج و سرو در دو طرف محور عملکردی و اصلی، شکل گیری عمارت و کوشک اصلی در جهت شرقی - غربی بصورت کشیده در لبه شمالی (مانند باغ رحیم آباد) یا جنوبی (مانند باغ اکبریه و شوکت آباد و بهلگرد)، استفاده از درختان کاج، اتصال به بافت روستایی و تزئینات آجر کاری و گچ بری از شاخصه ها و ویژگیهایی است که شیوه خاص این نقطه از ایران در باغ سازی را نشان می دهد.

در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت باغ های بیرجند به لحاظ اهمیت تاریخی و انطباق با شرایط اقلیمی و محیطی، ساختار فضایی و کالبدی، عناصر معماری، بخش بندی توسط معابر، بهره گیری از گونه های متنوع تزئینی اعم از آجر کاری، گچ بری، آینه کاری، منبت، تزئینات نقاشی و مینیاتور، تزئینات شیشه و استفاده گونه های متعدد گیاهی از اهمیت والایی برخوردارند. علیرغم اینکه فضای کالبدی باغ های بیرجند الگوهای بسیاری را از ویژگیهای باغ سازی ایرانی وام گرفته اند ولی در زمان خود به گونه ای بسیار نامحسوس با معماری بیگانه (اروپایی) در آمیخته و سبک نوینی را به نمایش گذاشته است و باعث انتقال آن عناصر و مفاهیم به دوران بعد از خود نیز یعنی دوران پهلوی گردیده است

فهرست منابع

- آریانیور، علیرضا، پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز، فرهنگسرا، تهران، (۱۳۶۵).
- پروشانی، ایرج، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، (۱۳۷۳).
- حلاج‌مقدم و کر میور، باغ‌های تاریخی استان خراسان جنوبی، اداره کل میراث فرهنگی، (۱۳۸۹).
- رضایی، جمال، بیرجند نامه، هیرمند، تهران، (۱۳۸۱).
- زعفرانلو، رقیه، حمزه حمزه، سیمای میراث فرهنگی شهرستان بیرجند، تهران، انتشارات فرهنگی، (۱۳۸۲).
- سازمان میراث فرهنگی خراسان جنوبی، آرشیو نقشه‌ها.
- سلطان زاده، حسین، از باغ تا پارک، نامه انسان شناسی، شماره چهارم، (۱۳۸۲).
- سلطان زاده، حسین، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، (۱۳۷۲).
- شاهچراغی، آزاده، پارادایم‌های پردیس، جهاد دانشگاهی، تهران، (۱۳۸۸).
- عمرانی پور، علی، هنر و معماری اسلامی ایران یادنامه دکتر لطیف ابوالقاسمی، سازمان عمران و بهسازی شهری، (۱۳۸۴).
- منصوری، سیدامیر، درآمدی بر زیبایی شناسی باغ ایرانی، مجله باغ نظر، شماره ۳، (۱۳۸۴).
- نصر (سها)، طاهره، تجلی حکمت در باغ ایرانی، شیراز، رخشید، (۱۳۸۹).
- نصر، سید حسین، نکاتی پیرامون باغ ایرانی، باغ ایرانی - حکمت کهن، منظر جدید، تهران، موزه هنرهای معاصر، (۱۳۸۳).
- نعیما، غلامرضا، باغ‌های ایران، تهران، پیام، (۱۳۸۵).
- ورجاوند، پرویز، باغ در ایران، در دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، (۱۳۷۳).
- هینتس، والتر، دنیای گم شده ایلام، ترجمه فیروز فیروز، تهران، علمی فرهنگی، (۱۳۸۳).

اسارت زوار ایرانی توسط ترکمانان و واکنش حکومت قاجار (سده ۱۹م)

دکتر مسعود مرادی^۱، زهرا شبانی ثانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۶

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۶

چکیده

در دوره قاجار بر اثر تهاجماتی که توسط اقوام ترکمن به ایران و به ویژه خراسان صورت می گرفت، بسیاری از شهرها و آبادی‌های این منطقه تا جنوب شرق دریای خزر در ناامنی به سر می بردند. این اقوام به غارت اموال و اسارت افراد می پرداختند. در این میان اشخاصی که در حال رفتن یا بازگشتن از سفرهای زیارتی بودند مورد حمله ترکمانان واقع شده و پس از غارت اموالشان، به اسارت گرفته می شدند و در صورتی که پیرو ناتوان بودند همان جا به قتل می رسیدند در غیر این صورت به بازارهای برده فروشی در بخارا، خیوه و مرو برده شده و در آن جا به فروش می رسیدند. آن‌ها اگر توانایی مالی داشتند می توانستند آزادی خود را باز یابند. حکومت قاجار پس از آگاهی از این خبرها به ویژه اگر فرد مهمی در شمار اسرا بود به حکام محلی فرمان‌های اکید برای آزادسازی آن‌ها صادر و در بعضی موارد به اعزام سفیر بسنده می کرد. با وجود تمام تلاش‌هایی که از سوی حکومت برای مقابله با تهاجمات تراکمه صورت می گرفت تا اواخر دوره قاجار این روند وجود داشت. زیرا به جای این که تلاش‌ها پیشگیرانه باشد، بیشتر تدافعی بود.

واژگان کلیدی

ترکمانان، خراسان، زوار، اسارت

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان. ایمیل: Zahra_sanishabani@gmail.com

مقدمه

ترکمن‌ها از آغاز ورود به ایران همواره مزاحمت‌هایی را برای حکومت‌های وقت ایجاد می‌کردند. آن‌ها به نواحی مجاور خود حمله کرده و مال و اموال آن‌ها را با غارت می‌بردند.

در دوره صفویه و افشاریه اقداماتی برای جلوگیری از تهاجمات این طوایف صورت گرفت هر چند اقدامات آن‌ها به طور موقت از شدت تهاجمات کاست اما وقتی حکومت‌ها ضعیف می‌شدند به خصوص در دوره قاجار این حملات با شدت بیشتری ادامه می‌یافت. در این دوره ترکمن‌ها علاوه بر غارت اموال ایرانیان را نیز اسیر می‌کردند و آن‌ها را به صورت برده در بازارهای برده‌فروشی خیوه و بخارا به فروش می‌رساندند. از مهم‌ترین گروه‌هایی که به اسارت گرفته می‌شدند زائرائی بودند که در مسیر مشهد مسافرت می‌کردند. اصلی‌ترین علت این امر، مسئله مذهب بود.

ترکمانان که سنی مذهب بودند، شیعیان را کافر می‌دانستند و خرید و فروش آن‌ها را نه تنها مجاز بلکه مباح می‌شمردند. در بین منابع تاریخی این دوره بیشتر مواردی از اسارت زوار به ثبت رسیده که اشخاص سرشناسی در بین اسرا بوده‌اند.

با توجه به اظهارات سیاحان این دوره که مسیر مشهد را از خطرناک‌ترین مسیرها می‌دانستند و از آن‌جا که همه ساله عده زیادی علی‌رغم خطرات آن به این سفرها مبادرت می‌کردند به نظر می‌رسد شمار زیادی از اسرای ایرانی که در بند تراکمه بودند جزء زائران بودند. در این گونه موارد پادشاهان به آزاد کردن اسرا فرمان داده و در مواردی نیز اقدام به اعزام سفیر به بخارا و خیوه کرده و تقاضای آزادی اسرا را داشتند.

مهم‌ترین اقداماتی که در دوره قاجار علیه ترکمن‌ها صورت گرفت حمله عباس میرزا به سرخس قلع و قمع ترکمانان، فرستادن محمدعلی خان غفور و رضاقلی خان هدایت به سفارت برای آزادی اسرا بود. هر چند با انعقاد عهدنامه اخال ناصرالدین شاه از این که برای همیشه از خطر ترکمن‌ها آسوده خواهد شد اظهار خوشحالی کرد اما تا دوره رضاخان این تهاجمات و چپاول‌ها همچنان تداوم داشت.

آغاز ورود ترکمانان به ایران

ترکمانان اقوامی بیابانگرد بودند که با ویژگی‌های خاصی که داشتند در سده‌های ۱۴ و ۱۵ قمری این

قبیله‌ها با یکدیگر آمیخته و وابستگی‌های خونی پیشین جای خود را به وابستگی‌های فتودالی - ارضی داد که به از میان رفتن تدریجی تفاوت‌ها و ویژگی‌های عشیرتی پیشین کمک کرد. در ضمن ائتلاف‌های تازه، مهاجران بسیاری را نیز به ترکیب خود آوردند که با گذشت زمان آن‌ها نیز ترکمن شدند.^۱

اکثر مورخین و جغرافی‌نویسان اوایل دوران اسلامی ترکمن‌ها را از اغوزها ذکر کرده‌اند اغوزها به صورت قبیله‌ای از نه قبیله در تاریخ پیدا شدند و بخش مهمی از اتحادیه ترکان شرقی را تشکیل می‌دادند.^۲

در سده ۴ ق/ ۱۰ م بود که اصطلاح ترکمن برای نخستین بار در منابع اسلامی استفاده شد. معلوم نیست که این اصطلاح دلالت سیاسی داشت یا قومی اما در سده ۱۱ ق/ ۱۱ م و پس از آن بی‌گمان این اصطلاح برای ترکان جنوب غرب، اغوزها و قبچاق‌ها به کار می‌رفت در صورتی که اصطلاح ترک در نامیدن ترکان گروه قرلق که در مناطق شرقی تر سکونت داشتند به کار می‌رفت. ^۳ ترکمن‌ها نژادهای مختلف خود را خلق می‌نامیدند و به این صورت نامگذاری کرده بودند: جاودور^۴، ارزاری^۵، آلی علی^۶، قره^۷، سالور^۸، ساریق^۹، تکه^{۱۰}، گوکلان^{۱۱}، یموت^{۱۲}. که بیشتر تهاجمات و غارت‌هایی که در ایران صورت می‌گرفت توسط این سه گروه آخر بود.^{۱۳}

۱. بی‌بی رابعه لوگاشوا، ترکمن‌های ایران، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، (تهران: شباهنگ، ۱۳۵۹)، ص ۱۸.

۲. امین گلی، تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها، (تهران: نشر علم، ۱۳۶۶) ص ۳۰.

۳. کلیفورد ادمون باسورت و دیگران، تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ج ۵، چ ۲، گردآورنده جی آوبیل، ترجمه حسن انوشه، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱)، ص ۲۴.

4. Tchador

5. Erzari

6. Al'eli

7. Kara

8. salor

9. sarik

10. Tekke

11. GÖklen

12. Yomut

۱۳. آرمنیوس و امیری، سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، چ ۴، (تهران: نشر کت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵) ص ۳۸۴

فروختن آلات حرب ترکمن‌ها توسط اتباع روس (اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، تهران: وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۲، ص ۱۳۳)

ترکمن‌ها به تدریج در قرن ۱۶ م/ ۱۰ ق، در ایران پراکنده شدند. در این زمان تکه‌ها در شمال خراسان و ترکمن صحرا زندگی می‌کردند. در نتیجه افزایش آزار خان‌های خیوه و فتودال‌های قالمیق، کوچ ترکمن‌ها به شمال خراسان و دامنه‌های کپه داغ گسترش یافت و به این ترتیب یموت‌های منقشلاق به خوارزم و سواحل بیابانی دریای خزر و سواحل رود اترک و ایران مهاجرت کردند. ساورها نیز به جنوب مرو و بعضی از اقوام ترکمن به افغانستان رفتند. این مهاجرت‌ها در قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸ م/ ۱۱ و ۱۲ ق، ادامه داشت. نادرشاه در قرن ۱۸ م/ ۱۲ ق، به خیوه حمله کرده و آن‌جا را متصرف شد. او ترکمن‌های تکه و یموت را به خراسان تبعید کرد. بقیه در شمال ماندند و میان منقشلاق و آمودریا پراکنده شدند. وی همچنین ترکمن‌های یموت را به کوچ به استرآباد مجبور کرد.^۱

سه تیره عمده ترکمن عبارت بودند از تکه، یموت و گوکلان که تکه‌ها در حوالی سرخس، یموت در شمال اترک تا حدوده خیوه^۲ و سرزمین واقع در بین مشهد و استرآباد و از جمله شهرهای ایبورد، نسا، دیراو و کالپوک به طوایف گوکلان تعلق داشت.^۳ طوایف سالور در زمان حکومت بیرامعلی خان قاجار در مرو، پس از کشته شدن عده زیادی از آن‌ها و تعیین مالیات برای بازماندگان ضمیمه رعایای مرو شدند و چون از پریشانی میان طوایف ساروق به جان آمده بودند تقاضای یورتی را کردند که به رعیتی ایران افتخار کنند. بر اساس اجازه دولت جمعی که تقریباً ۵۰۰۰ خانوار می‌شدند در سرخس مستقر شدند.^۴

تهاجمات ترکمانان به ایران

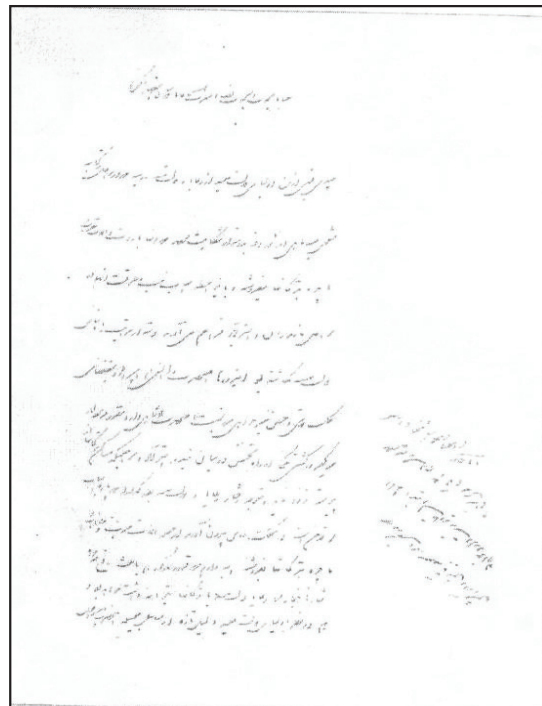
استقرار طوایف ترکمن در مکان‌های مذکور امکان تهاجمات آن‌ها را به ایران فراهم می‌کرد که تا اواخر دوره قاجار مزاحمت‌هایی را برای ساکنان مناطق مجاورشان

۱. همان، ص ۴۸.

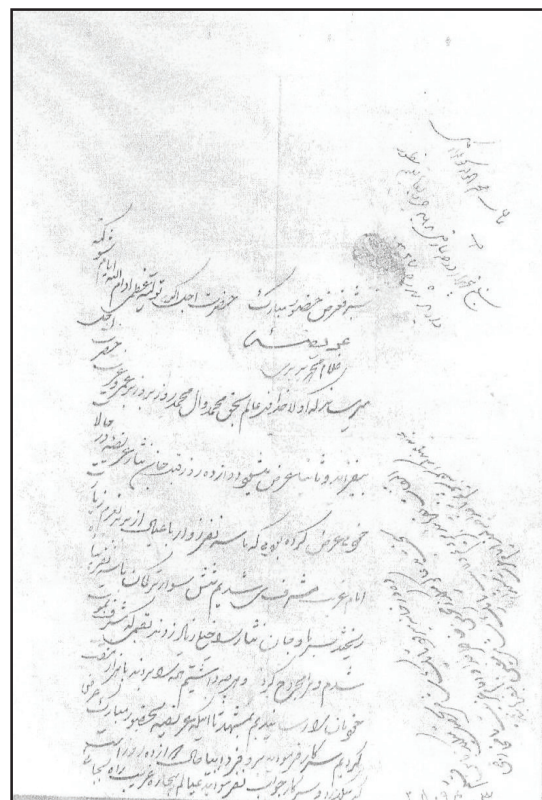
۲. فریدون آدمیت، امیر کبیر و ایران، ج ۷، (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲)، ص ۶۰۰.

۳. غلامرضا، وراهرام، نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار، (تهران: معین، ۱۳۸۵)، ص ۱۲۷.

۴. عبدالله قره‌گوزلو همدانی، دیار ترکمن (سفرنامه پسر اعتمادالسلطنه)، به کوشش حسین صمدی، (قائم‌شهر: ی. نا، ۱۳۷۱)، ص ۳۵.



فروختن آلات حرب به ترکمن‌ها توسط اتباع (اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، تهران: وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۲ع ص ۱۳۳)



ایجاد می کردند. این تهاجمان از مدت‌ها قبل از عصر قاجار وجود داشت.

تراکمه در دوره صفویه جنبش‌های بزرگی ترتیب دادند که مهم‌ترین آن‌ها قیام اباخان و قیام ولی خان بود. از علل این جنبش‌ها می‌توان به ظلم شاهان صفوی در خراج از آن‌ها و گزارشات نادرست حکام محلی اشاره کرد. زیرا این گونه گزارشات باعث لشکرکشی‌هایی علیه آن‌ها از سوی حکومت ایران شده و بنابراین ترکمانان برای جبران تلفات مالی و جانی به روستاهای اطراف حمله می‌کردند، شاه عباس صفوی برای مقابله با تهاجمات ترکمانان و غیر آن‌ها بسیاری از طوایف را به نقاط آسیب‌پذیر کوچ داد. به طوری که جمعی را به مرو و شاه‌هیجان برای مقابله با ازبکان، عده‌ای را در ولایت گنجه و ایروان در مقابل رومی و ارامنه گذاشت و گروهی دیگر را برای دفع ترکمانان در استرآباد گذاشت که ایل قاجار از آن جمله بود. اما با وجود تدابیری این چنین، مشکل تهاجمات ترکمانان حل نشد و به دوران‌های بعد هم کشیده شد. در زمان نادر نیز ترکمانان ناحیه استرآباد، چندین بار توسط وی سرکوب شدند و همچنین از جوانان ترکمن گولکان و یموت در سپاه خود استفاده می‌کرد. بعد از نادر ترکمن‌های یموت، گولکان و تکه به مرو، خراسان و مازندران حمله کردند. علت این حملات فشار بیش از حدی بود که از سوی خان‌های خیوه و فئودال قالمیق بر آن‌ها وارد می‌شد.^۳ با انقراض دولت نادری در خراسان، ملوک‌الطوایفی ایجاد شد و خراسان تا زمان آقامحمدخان در دست شاهزادگان افشار بود. در سال ۱۲۱۰ ق، نادر میرزا نوه نادر در مشهد اعلام استقلال و در ترکستان، بخارا، خوارزم و فرغانه ادعای سلطنت کرد.^۴

در این سال کلیه مناطق کشور به جز خراسان به تصرف آقا محمدخان درآمده بود. علت این هنوز خراسان به تصرف وی درنیامده بود علاوه بر نافرمانی حکام محلی که بعضی از بازماندگان نادری بودند، حملات و شورش‌های مداوم طوایف ترکمان بود. بنابراین به بهانه زیارت اما رضا (ع) به تجهیز لشکر پرداخته و به سمت مشهد حرکت کرد. در بین راه پس از سرکوب ترکمانان و حکمرانان از راه جاجرم و

اسفراین وارد سبزوار و از آن جا عازم مشهد شد.^۵ سرکوبی ترکمانان توسط آقامحمدخان در حالی بود که در اوایل حکومت و حتی قبل از تاجگذاری از وی حمایت می‌کردند و به همین دلیل در آغاز از حکومت مستمیری دریافت می‌کردند اما بعدها به دلیل شورش‌های مداوم که متأثر از تحریکات رقیبان بود و به دلیل ناامنی‌هایی که در نواحی خراسان و استرآباد ایجاد کرده و از برادر شورش‌شاه، جعفرقلی خان حمایت می‌کردند سرکوب شدند. عبه این ترتیب آقامحمدخان موفق شد نظمی هر چند ظاهری را در قلمرو خود ایجاد کند. به طوری که گفته شده در اثر اقدامات وی راه‌ها ایمن شد و شیوه وصول مالیات منظم گردید. مهم‌ترین ضمانت وجود این نظم و آرامش را حضور افراد زیادی از قبایل به عنوان گروگان در دربار می‌دانستند.^۶

پس از آقامحمدخان، تهاجمات و چپاول‌های ترکمانان هم چنان ادامه داشت. آن‌ها در این تهاجمات خراسان و استرآباد را عرصه غارت خود ساخته بودند. تعداد تهاجمات و شورش‌های آن‌ها به طور دقیق مشخص نیست اما از لابلای آن چه در بین کتاب‌های مورخان آن دوره و نیز سیاحانی که از ایران آن زمان بازدید کرده‌اند، آمده، می‌توان با تعداد زیادی از آن‌ها آشنا شد. از جمله:

در سال ۱۲۶۸ ق، بعد از سفر سام خان ایلخانی به تهران، گروهی از ترکمانان به عزم غارت خپوشان به آن سمت رفتند. یزدان وردیخان برادر سام خان و جمعی از طایفه زعفرانلو برای دفاع بیرون آمدند و موفق به شکست دادن آن‌ها شدند. در همین سال محمد رحیم خان، حاکم بوزنجر، با ترکمانان تکه جنگید و عده زیادی را کشت و اسیر کرد.

اسرا و سرها را به تهران فرستاد. بعد از آن ۴۰ سوار ترکمان به اراضی بیارجمند آمده و ۴ تن اسیر گرفتند و هنگام عبور از بوزنجر، محمد رحیم خان آگاه شد، با گروهی بر آنان تاخت و ۳۰ تن از ترکمانان را اسیر کرده و اسرای شیعه را آزاد کرد. ۸ هم چنین ۱۰۰۰ ترکمان به قصد شاهرود رفتند و افراسیاب خان نردینی به مقابله با آنان شتافت. حاکم استرآباد نیز عده‌ای سوار به کمک وی فرستاد که پس از جنگ در سرحد گرگان، ترکمانان شکست خوردند.^۹

۵. ورهرام، ص ۵۳

۶. معطوفی، استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران، ص ۲۵۰

۷. اولیویه، سفرنامه ایوبیه: تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱)، ص ۹۵

۸. محمد تقی لسان‌الملک سپهر، ناسخ‌التواریخ، ج ۳، به کوشش جمشید کیانفر، (تهران: اساطیر، ۱۳۷۷)، ۱۱۹۳

۹. محمد جعفر خورموجی، حقایق الاخبار ناصری، ج ۲، به کوشش سید حسین

۱. گلی، ص ۹۴

۲. میرزا فضل‌الله شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، ج ۱ و ۲، تصحیح ناصر افشارفر، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۲۰

۳. اسداله معطوفی، استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران، (مشهد: درخشش، ۱۳۷۴)، ص ۲۸۳

۴. رضاقلی خان هدایت، تاریخ روضه الصفا ناصری، ج ۹، تصحیح جمشید کیانفر، (تهران: اساطیر، ۱۸۰)، ص ۷۳۹۲

در این حملات و تاخت و تازها عوامل و شرایطی دخیل بودند که می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم کرد: عل درونی: الف- اشتغال به عیش و تنبلی بزرگان و سلاطین ایران و در نتیجه عدم توجه به گردآوری قوای دولتی که بتوانند ترکمن‌ها را به طور کامل مطیع کنند.^۶ ب- اوضاع آشفته خراسان که در نتیجه نافرمانی خوانین و حکام محلی و وجود بازماندگان نادری بود. تا قبل از حکومت قاجار خراسان در دست گروهی از امیران بود که هر کدام در منطقه‌ای که حکمرانی می‌کردند، خواهان استقلال بودند.^۷ پس از مرگ آقا محمدخان این ایالت فقط اسماً متعلق به ایران بود.

تنها شهر مشهد و مضافات آن از شاه اطاعت می‌کرد و یکی از پسران شاه که عنوان فرمانروای خراسان را داشت و ظاهراً بر رعایایی که آن‌ها نیز در قلعه‌های خود قادر مطلق بودند و خود را مستقل می‌پنداشتند حکومت می‌کردند.^۸ به طوری که در دوران فتحعلی شاه پس از جنگ‌های ایران و روس مهم‌ترین گرفتاری دولت ایران، ناآرامی و اغتشاشات و نافرمانی خوانین ایالت خراسان بود. از مدت‌ها قبل، احمدشاه درانی از سرداران سابق نادرشاه، وقتی دید نمی‌تواند خراسان و دیگر ایالات را به قلمرو خود ملحق کند، شاهرخ میرزای ناینبارا که از فرزندان نادر بود به نام شاهرخ شاه، باقی گذاشت و او را تحت حمایت خود قرار داد. قلمرو شاهرخ اگر چه ظاهراً تمام ایالت خراسان بود اما اقتدار و حاکمیت او از مشهد و اطراف آن تجاوز نمی‌کرد. در نتیجه خان‌های خراسان هر یک در محل حکمرانی خود، مستقل بودند و با پرداخت مبلغی خراج به احمدشاه و بعد به جانشینانش به حکومت خود ادامه دادند.

این اوضاع در دوران زندیه و تا زمان فتحعلی شاه ادامه داشت.^۹ ج- همکاری، تحریکات و تبانی بعضی از خوانین محلی با ترکمانان در آشوب‌ها و تهاجمات، به دلیل منافعی که نصیبشان می‌شد. چون در اثر سرکوب آن‌ها پادشاه می‌گرفتند و هم چنین برای این که والی خراسان

سال ۱۲۶۹ق، تاخت و تاز جماعتی از سواره ترکمان به شاهرود و بسطام و تعاقب آن‌ها از سوی محمد رحیم خان شادلو و کشته و اسیر شدن جمعی از آن‌ها و فرار بازماندگان^۱ سال ۱۲۷۳ق، زمان پیشکاری قوام‌الدوله در خراسان محمد شیخ ترکمان با جماعتی سرجام و پیوه ژن را تاخته و قصد نیشابور داشت و قوام‌الدوله ابولفتح خان سرتیپ را با جمعی روانه کرد. ترکمانان پس از غارت نیشابور عازم میامی شدند. ابوالفتح خان با دو عراده توپ و لشکر موفق به شکست دادن آن‌ها شد. ترکمانان اسرا و غنایم را گذاشته و فرار کردند. مبارزان آن‌ها را تعقیب کرده و حدود ۳۰۰ تن از آن‌ها را مقتول و اسیر ساختند.^۲ هم چنین در این سال آقامحمد ترکمان به قصد تاراج بوزنجر، تراکمه را تحریک کرد.

سبحانعلی خان برادر جعفر قلی خان شادلو مطلع گردید و به مدافعه آن‌ها تاخت. ترکمانان مغلوب و نزدیک ۲۵۰ نفر از آنان اسیر و کشته شدند.^۳ نیز در این سال زمانی که حسام‌السلطنه در هرات بود ترکمانان از فرصت استفاده کرده و به رهبری شیخ محمد ترکمان به خوف و کاریز و کاروان‌های آن منطقه حمله برده و معادل ۳۰۰۰ شتر و قاطر گرفتند و حاکمان منطقه که به تعقیب آن‌ها رفته بودند به علت تمام شدن فشنگ‌هایشان مجبور به بازگشت شدند.^۴

هدف از ارائه این سال‌شمارها و تهاجمات کر تاخت و تازهای ترکمانان نیست - چرا که این ایلغارها و تهاجمات هر ساله در مناطق مختلف خراسان و استرآباد رخ می‌داد و ذکر تمام آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد - بلکه هدف نشان دادن گستردگی محدوده تاخت و تاز می‌باشد که تمام ایالات خراسان آن زمان را در بر می‌گرفت. شهرها و روستاهایی چون سرخس، قوچان، بجنورد، دره گز، سملقان، استرآباد، دامغان، خوف، کاریز، ترشیز، نیشابور، تربت جام و مناطق جنوبی تر خراسان چون قائن، بیرجند، نهبندان و ۰۰۰ حتی از وجود آن‌ها در آذربایجان و فارس هم گزارش شده است.^۵

علل تهاجمات و به اسارت گرفتن ایرانیان

خدایورجم، (تهران: نشر نی، ۱۳۶۳)، ص ۱۱۸

۱. سپهر، ج ۳، ص ۱۲۲۲

۲. خورموجی، ص ۲۰۳

۳. همان، ص ۲۳۱

۴. گلی، ص ۱۵۲

۵. پیرانده امیلین پروپ ژوبر، مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷، ص ۱۹۶

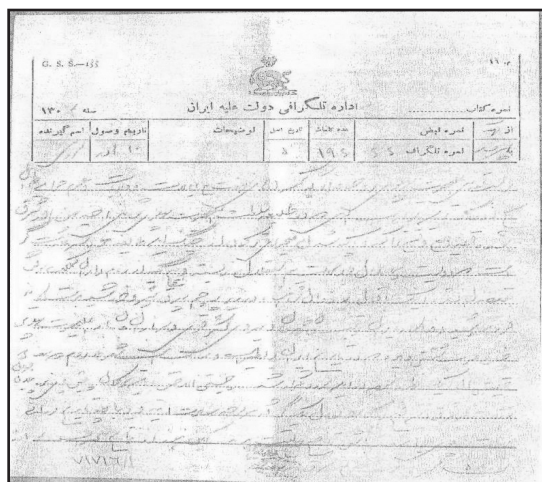
۶. محمدعلی سیاح محلاتی خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار، (تهران: ابن سینا، ۱۳۴۶)، ص ۱۲۳

۷. آرمینیس وامبری، تاریخ بخارا از کهن‌ترین روزگاران تا کنون، ترجمه محمد روحانی، (تهران: سروش، ۱۳۸۰)، ص ۳۴۸

۸. ایوان اوسویویچ سیمونویچ، خاطرات وزیر مختار از عهدنامه ترکمنچای، جنگ هرات، ترجمه یحیی آرین پور، (تهران: پیام، ۱۳۵۳)، ص ۳۶

۹. جان نیکل رابرت، دو سال آخر: یادداشت‌های روزانه سر جان کمل، ج ۲، به کوشش ابراهیم تیموری، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴)، ص ۷۱۷

و تجار که در سال‌های قبل به دست آن‌ها اسیر شده بودند آزاد کرد. همچنین تعدادی از ترکمانان را کشت و اسیر کرد.^۸ ب- تحریکات دول استعماری روس و انگلیس که هر کدام از این راه منفعی می‌بردند. روس‌ها در ناامنی‌هایی که ترکمانان در جنوب شرق دریای خزر ایجاد کرده بودند، دخیل بودند. در سال ۱۲۴۲ ق، که ترکمن‌ها در گمش تپه به رهبری قیا بلوایی به راه انداخته بودند کاردار روس بر آتش این معرکه افزوده و ۱۰ فروند کشتی جنگی به سواحل گمش تپه آورد و با تزریق پول به جریان شورش به آن شدت بخشید.^۹ اتحاد با ترکمانان در جریان جنگ با ایران و تصرف استرآباد برای فتح ترکمنستان که از طرح‌های این کشور بود از علل عمده این تحریکات بود. ۱۰ در راستای این اهداف خود و همکاری با تراکمه آن‌ها را با سلاح‌های خود مجهز کرده بودند.^{۱۱} از طرف دیگر انگلیس هم که رقیب استعماری روسیه بود برای جلوگیری از پیشروی‌های این کشور معتقد بود که باید در سرزمین ترکمن‌ها سنگری مستحکم و سدکننده ایجاد کند، بنابراین می‌بایست ترکمنان مرو و سرخس و آخال را تحت کنترل در بیاورند.^{۱۲}



تلگراف کمیسیون نهضت ملی شرق به شوکت الملک و ابراز خوشحالی از سرکوب ترکمن‌ها در منطقه ترکمن صحرا پس از مدت ۲۵۰ سال به دست رضاخان (مرکز ۸ عبدالرزاق بن نجفلی مقنون دنبلی، مآثر السلطانیه، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: روزنامه ایران، ۱۳۸۳)، ص ۲۵۷.
 ۹. معطوفی، استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران، ص ۲۵۸.
 ۱۰. سیمونیچ، ص ۱۲۱.
 ۱۱. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه اداره انتشار اسناد، اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲)، ص ۱۳۲.
 ۱۲. آراز محمد سارلی، تاریخ ترکمنستان، ج ۱، (تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳)، ص ۱۰۵.

را به خود محتاج کنند نیاز به آشوب در خراسان داشتند. از جمله سهام الدوله حاکم استرآباد از سوی امیر حسین خان شجاع الدوله ایلخانی، حاکم قوچان، متهم به تحریک ترکمن‌های حوزه حکومتی خود برای غارت و کشتار طایفه میلانلو بوده و بر این اساس از حکومت عزل و به تهران احضار شده بود.

د- نقض عهدهایی که با ترکمانان بسته می‌شد توسط حاکمان محلی و به دنبال آن یورش تراکمه جهت تنبیه آنان^۳ - ز- احجاف و اخاذی‌های فزاینده از سوی حکمرانان محلی^۴ - ط- اخذ مالیات‌های مکرر و گاه مضاعف از ترکمانان از سوی دولت ایران و حکام محلی به ویژه در سال‌هایی که کشاورزی و دامداری مطلوبی نداشتند.^۵ - عدم اعتماد دولت به ترکمانان و تبعیضاتی که نسبت به آن‌ها از سوی حکومت اعمال می‌شد.^۶ - عدم فرماندهی صحیح و آرایش نظامی نامناسب نیروهای سوار که بر مقابله با ترکمانان در مسیرهای خطرناک نگهداری می‌شدند و خودسرانه عمل کردن سرداران و فرماندهان به طوری که گاه ممکن بود بر اثر یک شایعه بی‌اساس کیلومترها با اسب بتازند و یا آن‌گاه که لازم بود اقدام جدی بکنند در خانه بنشینند. ن- از بین رفتن حس اعتماد به نفس ایرانیان در مقابل ترکمانان و باور این که آن‌ها بسیار شجاعند و مقاومت در برابر آن‌ها بی‌فایده است.^۷

علل بیرونی: الف- تحریکات والی خوارزم، از جمله در سال ۱۲۳۵ ق. ترکمانان بام و بورمه که متصل به دشت خوارزم بود به اغوال محمد رحیم خان ازبک، به اطراف سبزوار و جوین آزار بسیار رسانده بودند.

هر چند در همان اوقات حکام جوین به دنبال آن‌ها تاخته و بسیاری از غنایم را استرداد نموده و تعدادی از زوار مشهد

۱. اسماعیل میرنجه، خاطرات اسارت: روزنامه سفر خوارزم، خیوه، به کوشش صفاءالدین تبرائیان، (تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰)، ص ۱۰۱-۱۰۲
۲. یارمحمدخان سهام الدوله و خاور بی بی شادلو، سفرنامه‌های سهام الدوله بجنوردی، به کوشش قدرت الله روشنی زعفرانلو، (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۶
۳. محمد تقی بن محمد مهدی نوری، اشرف التواریخ، ج ۱، تصحیح سوسن اصیلی، (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۶)، ص ۱۵۷.
۴. هینریش بروکش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ج ۲، ترجمه محمد حسین کردچیه، (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۷)، ص ۷۰۲.
۵. اسدالله معطوفی تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمان، ج ۲، (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۱۶۳۸
۶. آته محمد احمدی، تاریخچه خلق ترکمن، (بی‌جا: قابوس نشریانی، بی‌تا)، ص ۵۵
۷. سی. ام. مک گرگر، شرح سفری به ایالت خراسان، ج ۱، ترجمه مجید مهدیزاده، (مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶)، ص ۲۴۰-۲۳۹

زمانی که رضاقلی خان هدایت به سفارت خوارزم رفته بود در جواب سؤال او که چرا ایرانیان را اسیر کرده‌اید پاسخ شنید که اهالی ایران سب و لعن اکابر صحابه نمایند و چون سب شیخین کفر است و سزای کفار معلوم، بنابراین به فتوای مفتیان بخارا و خوارزم ایرانیان کافرند و اخذ اموال و نهب و اسر کفار لازم.

در کنار عوامل نام برده مسائل دیگری نیز باعث حملات ترکمانان می‌شد. مسئله چون کثرت تعداد بعضی از قبایل که باعث ترغیب آنان به حمله می‌شد. گرفتن اسیر از ایرانیان برای معاوضه با اسرایبی که ایرانیان از آن‌ها گرفته بودند، کاستن از اعمال فشار بیشتر و یا درخواست امتیازات بیشتر و ...

در میان علل فوق همان طور که ملاحظه می‌شود مؤثرترین و مهم‌ترین آن، علل داخلی بود که زمینه ساز سایر علل می‌شد.

اسارت زوار و واکنش حکومت

ترکمانان علاوه بر تاخت و تاز به شهرها و روستاها و تاراج آن‌ها و به اسارت گرفتن مردم، در مسیر راه‌ها به غارت اسارت کاروان‌های تجار و قافله‌های زوار می‌پرداختند. بسیاری از سیاحانی که در این دوره به ایران سفر کرده و از راه‌های ایران عبور کرده‌اند به حضور ترکمانان و حملات غارتگرانه آن‌ها در مسیر راه، به ویژه راه تهران به مشهد از طریق دامغان و سبزوار که شاهراه محسوب می‌شد. اشاره کرده‌اند.^۱ در این راه مهم‌ترین قسمتی که همیشه در معرض حملات ترکمن‌ها بود و باعث ایجاد خوف و وحشت زیادی برای مسافران شده بود از خیرآباد شاهرود تا صدرآباد مزینان بود.^۲ پولاک در سفرنامه‌اش تعدادی از راه‌هایی را که به ناامنی شهرت داشته‌اند از این قرار می‌دانست: (۱) قسمتی از راه مشهد که در این جا اغلب ترکمانان به قافله‌های زوار حمله می‌کردند. به همین دلیل زائران در توقف گاه‌های خطرناک، درنگ کرده تا قافله‌ای مرکب از ۳ تا ۴۰۰ نفر و حیوانات بارکش زیاد گرد آید و آن گاه با همراهی نظامیان که مسلح به توپ باشند از آن جا حرکت می‌کردند. (۲) حول و حوش استرآباد که ترکمانان با کشتی‌های کوچک برای فروش نمک و نفت به آن جا می‌رفتند.^۳

۱. یاکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهانگیری، (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱)، ص ۳۹.
 ۲. سلطان محمد سیف الدوله، سفرنامه سیف الدوله معروف به سفر مکه، تصحیح علی اکبر خداپرست، (تهران: نشر نی، ۱۳۶۴)، ص ۳۰۰.
 ۳. پولاک، ص ۳۱۳ و ۳۱۴.

اسناد آستان قدس رضوی. پرونده شماره ۷۱۷۱۶، ص ۱)

علل طبیعی: الف- روحیه بیابانگردی قوی در ترکمانان ب- شرایط نامساعد طبیعی محل استقرار آن‌ها برای کشاورزی. منطقه بین رود گرگان و اترک که محل اسکان یکی از طوایف ترکمان بود، به دلیل کیفیت نامطلوب و شوره زار بودن مساعد کشاورزی نبود و مشکلاتی را برای آن‌ها ایجاد می‌کرد. ۱ بنابراین غارت و تجارت برده یکی از راه‌های کسب درآمد آن‌ها بود. ج- استفاده از موانع طبیعی مسیر تهاجم چون کوه‌ها و جنگل‌ها و شکاف‌های بین کوه‌ها که زمینه را برای اختفای آن‌ها و غارت فراهم می‌کرد. ۲- استفاده از اسب‌های تندرو و چالاک که می‌توانستند به کمک آن‌ها به قسمت‌های دور ایران رفته و به طور ناگهانی به قریه‌ای وارد شده، اسیر بگیرند و به سرعت فرار کنند نیز عاملی دیگر در تاخت و تازها بود.^۳

علل مذهبی: الف- اختلاف مذهبی میان ترکمانان که سنی مذهب بودند با ایرانیان شیعه مذهب. ۴ ب- شرایط نامساعد طبیعی محل استقرار آن‌ها برای کشاورزی. منطقه بین رود گرگان و اترک که محل اسکان یکی از طوایف ترکمان بود، به دلیل کیفیت نامطلوب و شوره زار بودن مساعد کشاورزی نبود و مشکلاتی را برای آن‌ها ایجاد می‌کرد. ۵ بنابراین غارت و تجارت برده یکی از راه‌های کسب درآمد آن‌ها بود. ج- استفاده از موانع طبیعی مسیر تهاجم چون کوه‌ها و جنگل‌ها و شکاف‌های بین کوه‌ها که زمینه را برای اختفای آن‌ها و غارت فراهم می‌کرد. ۶- استفاده از اسب‌های تندرو و چالاک که می‌توانستند به کمک آن‌ها به قسمت‌های ادوار ایران رفته و به طور ناگهانی به قریه‌ای وارد شده، اسیر بگیرند و به سرعت فرار کنند نیز عاملی دیگر در تاخت و تازها بود.^۷

علل مذهبی: الف- اختلاف مذهبی میان ترکمانان که سنی مذهب بودند با ایرانیان شعبه مذهب. ۸ چنان که

۱. معطوفی، استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران، ص ۲۵۷.
 ۲. مک گرگر، ص ۲۰۹.
 ۳. هنری موزر، سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)، به کوشش محمد گلبن، (تهران: سحر، ۱۳۵۶)، ص ۱۲۸.
 ۴. سیاح مجلاتی، ص ۱۲۳.
 ۵. رضاقلی خان هدایت، سفارت نامه خوارزم، به کوشش علی حصوری، (تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶)، ص ۶۶.
 ۶. الکسی بارنز، سفرنامه بارنز: سفر به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار، ترجمه حسن سلطانی فر، (مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶)، ص ۸۰.
 ۷. همان، ص ۳۶.
 ۸. سارلی، تاریخ ترکمنستان، ص ۱۲۳.

در سال ۱۲۴۵ ق، دو هزار نفر از ترکمانان تکه به اقوای الله قلی توره والی خوارزم به تاخت و تاز ارض اقدس آمدند نواب احمد علی میرزا، والی خراسان با شنیدن این خبر بیرون تاخته و برخی از آن طایفه را اسیر و دستگیر کردند. آنها بر سر راه زوار کمین کرده و بین عباس آباد و میامی به زواری که از مشهد مراجعت می کردند می تاختند. مردان پیر را کشته و زنان، جوانان و کودکان را اسیر می کردند. تعداد اسیران به ۵۰۰ نفر و کشته شدگان به بیش از ۲۰۰ نفر می رسید هم چنین اموال بسیاری را نیز به غارت می بردند.

یکی از اسرای این گروه مهدی علی خان ملقب به جلال الدوله، پسر سعادت علی خان برادر آصف الدوله وزیر لکنهور بود. وی که در این سال از دریا به عتبات رفته بود در بازگشت، قصد زیارت امام رضا را کرد که توسط ترکمانان اسیر شد. به محض این که این خبر به تهران رسید فوراً حاج اسماعیل خان شامیاتی با جمعیتی منتخب سواره به تنبیه ترکمانان و استرداد اسرای مسلمانان به خراسان فرستاده شد. چون مهدی علی خان از معارف و اعظام هندوستان بود، اسیری او در دست ترکمانان موجب بدنامی دولت و نیز رعایت دوستی با انگلیس در میان بود لذا به رضاقلی خان زعفرانلو، حاکم خبوشان در نهایت تأکید فرمانی صادر شد.^۷

در مرسله ای که توسط سرجان میل به قایم مقام نوشته شده به این مطالب اشاره شده است. در این نامه آمده است: در این اوقات از جانب مستر بیگر بالیوز بغداد آدمی وارد گردیده معزی الیه شرحی نوشته که سال قبل نواب مهدی علی خان ولد سعادت علی خان نواب لکنهور به عزم طواف بیت الله روانه حجاز و بعد از طواف بیت الله وارد و از آن جابه عزم زیارت روانه ارض اقدس، بعد از معاونت از مشهد مقدس در منزل میامی طایفه [ای] از ترکمان بر سر زوار ریخته نواب معزی الیه را با کسان و همراهان او اسیر نموده برده اند و از قراری که مذکور می شود نواب در میان او به تکه اسیر می باشد.

بر رای ممالک آرای نواب نایب السلطنه مشخص است که معزی الیه ولد نواب مرحوم سعادت علی خان صوبه دار لکنهور و برادرزاده نواب مرحوم آصف الدوله و من جمله اعزه و اجله هندوستان و منسوب و متعلق به دولت علیه انگلیس و این اتفاق هم در ممالک محروسه ایران اتفاق افتاده.

درین صورت بر کار گزاران نواب نایب الخلافه واجب و

۷. همان، ص ۷۶۵-۷۶۴

سفرهای زیارتی در این زمان شامل سفر حج، زیارت حج، زیارت عتبات و زیارت مشهد مقدس بود. کاروان های حج بیشتر از افرادی تشکیل می شد که قصد زیارت کعبه و مدینه را داشتند و علاوه بر ایرانیان، همه ساله ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر از مردم بخارا به این سفر زیارتی می رفتند تا آن چه را که از دوران طفولیت شنیده بودند به چشم ببندد و برای این سفر باید از ایران می گذشتند.^۱

پس از مکه زیارت کربلا نزد شیعیان از منزلت خاصی برخوردار بود. ایرانیان اکثراً به این سفر می رفتند و به گفته پولاک به زحمت می شد یک ایرانی متعین را پیدا کرد که یک یا چندین بار به زیارت کربلا نرفته باشد. هر چند علت مسافرت می توانست هم واقعی و هم ریاکارانه باشد. پس از کربلا مشهد به عنوان زیارت گاه بیش از همه مورد توجه بود. تمام این سفرها با مشکلات و خطراتی همراه بود. زیرا بسیاری از زائران از طرف ترکمن ها ربوده و در بازارهای برده فروشی خبوه و بخارا فروخته می شدند که برای آزادی می بایست مبالغ گزافی را پردازند، در غیر این صورت هرگز به وطن باز خود باز نمی گشتند.^۲

تعداد زواری که هر ساله به مشهد می رفتند حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر ذکر شده.^۳ که از این تعداد حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر از بخارا به این مکان می آمدند اما پس از بروز قحطی در سال ۱۲۸۸ ق در خراسان تعداد آن ها کاهش یافت به طوری که از سال ۱۲۸۹ به تعداد زائران از ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر تجاوز نمی کرد.^۴ هر چند ممکن است این ارقام تخمینی و نادرست باشد اما حاکی از تعداد زیاد زائران و علاقه آن ها به زیارت با وجود خطرات فراوان بود. اعتراف کند.^۵ در بین سال هایی که زوار به اسارت گرفته شده و واکنش هایی که حکومت در مقابل آن داشت و به ثبت رسیده اند می توان به این سال ها اشاره کرد:

در سال ۱۲۲۴ ق، جمعی از زوار ارض اقدس توسط ترکمانان اسیر شدند. والی خراسان با لشکری به قصد آن طایفه ستافت و تا حوالی نسا، ایبورد، رونه، مهنه و درون و اطراف تجن تاخت و هر که را یافت کشت یا اسیر کرد و غنایم زیادی از این سفر به دست آورد.^۶

۱. اراز محمد سارلی، ترکمنستان در تاریخ، نگرشی بر ترکستان در نیمه دوم قرن نوزدهم، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ۷۷.

۲. پولاک، ص ۲۳۰

۳. ابوالقاسم طاهری، جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان، (تهران: انتشارات شورای مرکزی جنبش شاهنشاهی ایران، ۱۳۴۸)، ص ۳۵

۴. همان، ص ۸۵-۸۴

۵. شیل، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابی، (تهران: نشر نو، ۱۳۶۲)، ص ۱۶۹

۶. شیرازی، ص ۳۰۷

به دست تراکمه را نتیجه تحریکات خود رضاقلی خان می‌دانند تا چنین وانمود کند که تمام قدرت خود را برای کمک به او به کار برده است.^۴

در سال ۱۲۵۷ ق. نیز حادثه‌ای مشابه این افتاد. در این سال ۸۰۰ سوار از ترکمانان بر سر قافله زوار مشهد تاخته و به قتل و غارت و اسارت آن‌ها پرداختند. در بین راه محمد ولی خان برادرزاده آصف الدوله حاکم خراسان که در حال بازگشت از شکارگاه خود بود نیز به همراه آنان اسیر شد. چون این خبر به آصف الدوله رسید با لشکری به سوی اراضی ترکمانان حرکت کرد ولی در آن جا محمد ولی خان را نیافت. بنابراین به مشهد بازگشته و شاه را از ماجرا آگاه کرد. شاه نیز محمدعلی خان غفور را به نزد الله قلی توره وای خوارزم فرستاد و به او پیغام داد که اگر ایلغار ترکمانان به فرمان تو بوده‌اند جنگ باش در غیر این صورت این جماعت را مجازات کن و محمد ولی خان و دیگر اسرا را باز گردان.^۵

در سال ۱۲۶۷ ق. نیز عده‌ای از زائران مشهد مقدس بازگشت در بین راه مورد حمله ۷۰ سوار ترکمان قرار گرفته اما نتوانستند کاری از پیش ببرند.^۶

در سال ۱۲۶۸ ق. ترکمانان در میامی به گروهی از زائران که در حال بازگشت بودند تاختند اما با تفنگداران شاهی مواجه شده و آن‌ها توانستند قافله به سلامت عبور دهند.^۷ در سال ۱۲۷۰ ق. که جمعی از تراکمه در کمین زائران مشهد بودند با لشکری که از سوی مطلب خان تفنگ‌دار شاهی که حراست از راه‌ها را بر عهده داشت برخورد کردند که ۱۰ تن از آن‌ها کشته و ۴ تن اسیر شده روانه دربار ساختند.^۸

در سال ۱۲۷۳ ق. ترکمانان سرخس و قریابی با محمد شیخ سردار ترکمان به سرجام و پیوه ژن و از آنجا عزم نیشابور کردند. میرزا محمد قوام الدوله، ابوالفتح خان سرتیپ را با جماعتی سواره و پیاده مأمور کرد و بعد از پشت سر ۱۵۰۰ تن سوار چاردولی و خمسه و خراسانی و هزاره فرستاد. ترکمانان که آن‌ها را غارت کرده و احشام غنیمت گرفته بودند و عده‌ای از قبایل تیموری و جماعت زوار امام رضا(ع) نزدیک ۱۰۰۰ تن را اسیر کرده بودند و به طرف میامی می‌رفتند.

۴. جیمز بیلی فریزر، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه منوچهری امیری، (تهران: توس، ۱۳۶۴)، ص ۳۲۰

۵. سپهر، ج ۲، ص ۷۶۳

۶. همان، ج ۳، ص ۱۱۳۲

۷. همان، ص ۱۱۹۳-۱۱۹۲

۸. همان، ص ۱۲۴۳.

لازم است که به هر طریق و به هر وضع که مصلحت دانند نهایت جد و اهتمام را معمول داشته، نواب معزی الیه را از میان ترکمانان مستخلص که هر آینه موجب نیک نامی سرکار والا خشنودی کارگزاران دولت علیه انگلیس و اهالی مملکت هندوستان خواهد بود. آدم بالیوز را روانه حضور مرحمت دستور اشرف والا نمود. ۱ در پاسخ، قائم مقام نامه‌ای به این مضمون برای کمیل نوشت:

عالیجاها، رفیع جایگاه، مجددت و نجدت همراه، دوست مهربانا، مراسله مرسله در احسن اوقات رسید از مسطورات آن که مبنی بر استقامت وجود آن دوست مهربان بود نهایت انبساط و شادمانی رخ نمود. در باب مقدمه نواب مهدی علی خان و گرفتاری او در دست ترکمانان بدان نحو نوشته بودند عریضه آن عالیجاه را به نظر نواب والی النعمی نایب السلطنه روحی فداه رساندم. از این رهگذر ایدالحد متغیر شدند.

از اتفاقات نقد علی بیگ و محمد حسن بیگ فرستادگان عالیجاهان رضاقلی خان ایلخانی و نجفقلی خان حاکم بجنورد در رکاب مستطاب بودند آن‌ها را احضار فرمودند و بالمشافهه العلیه فرمایش فرمودند. به عالیجاهان مشارالیهما نیز احکام و ارقام مشدده در این باب مرقوم داشتند. از این جا همین مطلب را جداگانه به دارالخلافه نوشتند و از هر جهت و هر طرف هر نوع فرمایش و تأکیدی که لازم بود به عمل آورند.

جواب عریضه آن دوست در این باب و در باب بعضی مهام دیگر علی التفصیل مرقوم و ارسال شد، ملاحظه خواهند نمود. دیگر حاجت نیست دوستدار در صحن این مراسله تحریر مجدد کند. همیشه اوقات الی زمان ملاقات سلامتی حالات شریف را با مهمات اتفاقیه قلمی دارند. والسلام^۲

رضاقلی خان در راستای این فرمان چند نفر از معتبرین خود را با دو تاجر خوبشانی که با طوایف تکه معاملات داشتند به سمت دشت فرستاد. وقتی وارد او به ترکمانان شدند آنان در حال بردن اسرا برای فروش به خیمه بودند. مهدی علی خان را با زوجه شیخ ابراهیم عرب جزایری به مبلغ ۱۰۰۰ تومان خریده و بازگشتند و سپس آن‌ها را به تهران فرستادند. بعد از آن لشکری بر ضد ترکمانان فرستاد.^۳ برخی و از جمله فریزر اسارت مهدی علی خان

۱. اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روس و عثمانی، ج ۲، به کوشش غلامحسین میرزا صالح (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۵)، ص ۲۸-۲۹

۲. همان، ص ۳۰-۲۹

۳. شیرازی، ص ۷۶۶-۷۶۵

تراکمه فرستادن عباس میرزا برای سرکوبی ترکمن‌های سرخس بود. چرا که ترکمن‌های سالور که در سرخس بودند هر چند خود در داخل ایران کمتر به تاخت و تاز می‌پرداختند اما با دادن اسلحه اسیران شیعه را به دستا می‌آوردند و به فروش می‌رساندند. هنگام تصرف سرخس توسط عباس میرزا حدود ۳۰۰۰ نفر اسیر شیعه که در آن جا در اسارت بودند آزاد شدند و پس از آن به قتل عام ترکمن‌ها پرداخت و حدود ۵۰۰۰ نفر از آن‌ها اسیر گرفت^۶ الله قلی توره به عباس میرزا عریضه‌ای نگاشته و تقاضای استرداد اسرار را کرد و در مقابل متعهد شد که (۱) قبایل سلور هرگز در اراضی خراسان دست به اسر و نهب و غارت نگشایند (۲) در حدود شوارع دیده بان بگمارند تا اگر از قبایل ساروق و دیگر طوایف برای غارت بیرون شوند آن‌ها را دفع کنند (۳) اگر ترکمنان در خراسان اسیر بگیرند یا مالی ببرند بر ذمه ایشان است که خود استرداد کنند. (۴) بازرگانان ایرانی را از آق در بند تا کنار جیحون محافظت کنند و اگر به ایشان زبانی برس د خود جبران کنند. (۵) تجاری که اسیران را خرید و فروش کنند در اراضی خود نگذارند و خود نیز خرید و فروش نکنند (۶) اگر فرمانروای خراسان نیاز به تجهیز لشکر داشته باشد. فرمان پذیر باشند و تا جایی که بتوانند در لشکر حاضر شوند. نایب السلطنه با این شرایط حاضر به آزاد کردن اسرای ترکمن شد.^۷

هر چند در مورد این لشکر کشی گفته شده که این کار به درخواست روس‌ها بوده زیرا آن‌ها می‌خواستند حمله دو جانبه‌ای را علیه آن‌ها ترتیب دهند تا ابتدا خیوه و خوارزم را بگیرند و بعد از آن به طرف آمودریا حرکت کنند و در ازای انجام این کار توسط عباس میرزا ایران را از پرداخت عهدنامه ترکمانچای معاف خواهند کرد.^۸

یکی دیگر از اقداماتی که در این دوره برای مقابله با هجوم ترکمنان صورت گرفت به کار گرفتن ۱۲۰۰۰ تفنگچی و ۴۰۰۰ سوار به جای مالیات نقدی مازندران و استرآباد بود. این اقدام علاوه بر این که باعث می‌شد این منطقه به صورت تیول برای شاهزادگان قاجار دارآید، موجب می‌شد منطقه استرآباد در مقابل تهاجمات ترکمنان به طور دائم مسلح باقی بماند.^۹ اما این واحدهای نظامی از آن جا که حقوق و مواب خود را به موقع دریافت نمی‌کردند برای این که گرسنه نمانند به جای آن که به

ابوالفتح خان با آن‌ها به جنگ پرداخت. در اولین حمله، ترکمنان شکست خوردند و اسرا و غنایم را گذاشته، فرار کردند. لشکریان آن‌ها را تعقیب و توانستند ۳۰۰ نفر از آن‌ها را کشته و یا اسیر کنند و به خاطر این کار از دولت پادش گرفتند.^۱ این تهاجمات و اسارت‌ها تنها مواردی بود که در تاریخ به ثبت رسیده و چه بسا موارد دیگری که چون شخصیت مهمی در شمار اسرا نبوده به ثبت و ضبط در نیامده است.

اسرایی که توسط ترکمنان گرفتار می‌شدند با دست و پای بسته با زنجیر به سمت بازارهای برده‌فروشی تاشکند، خیوه، بخارا، مرو و دیگر شهرهای آسیای میانه برده شده و در آن جا به فروش می‌رسیدند. بازارهای برده‌فروشی بخارا آن قدر از اسیران شیعه پر می‌شد که به قول وامیری کسی پیدا نمی‌شد یک مرد شیعه تندرست و توانا را کمتر از یک فرانک بخرد.^۲

اسرا اگر وضعیت مالی مساعدی برخوردار بودند می‌توانستند با پرداخت فدیة آزادی خود را به دست آورند. لیدی شیل کسانی را در کنار سفارتخانه دیده که زنجیری بر گردن آویخته اند که نشان اسارت دختر یا پسر به دست ترکمنان بود و چون پولی نداشتند تا بتوانند آن‌ها را بخردند از رهگذران و اعضای سفارت درخواست خیرات داشتند.^۳ اسرا اگر جوان بودند آن‌ها را برای نگهداری حیوانات به داخل ایل می‌فرستادند و اگر پیر بودند و یا کار و خدمتی از آن‌ها بر نمی‌آمد آن‌ها را به قتل می‌رساندند. پوستشان را کنده و جلو مدخل چادرهایشان می‌انداختند و معتقد بودند هر چه چنین پوستی بیشتر سوراخ شود صاحب مقتولش زودتر به بهشت خواهد رفت.^۴

حکومت قاجار که از همان آغاز با این تهاجمات و تاخت و تازها و اسیر گرفتن‌ها از سوی ترکمن‌ها مواجه بود با روش‌های مختلف در پی نابودی آن‌ها برآمد. این روشها از ساختن کله منار از ترکمن‌ها در استرآباد توسط آقامحمدخان^۵ گرفته تا توسل به روسیه برای سرکوبی آن‌ها در دوره ناصرالدین شاه شامل می‌شد.

در زمان فتحعلی شاه مهم‌ترین اقدام برای مواجهه با

۱. همان، ص ۱۴۷۰

۲. وامیری، تاریخ بخارا از کهن‌ترین روزگاران تا کنون، ص ۳۴۹

۳. شیل، ص ۱۷۰

۴. ژوزف آرتور گوینو، جنگ ترکمن با آیین تمام‌نمای اوضاع و احوال اجتماعی و اداری و کشوری و لشکی ایران در گذشته از زبان یک سرباز روستایی، ترجمه محمدعلی جمالزاده، (تهران: جاویدان، ۱۳۵۷)، ص ۱۶۶

۵. محمد هاشم آصف، رستم التواریخ، ج ۲، تصحیح محمد مشیری، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲)، ص ۴۵۳-۴۵۲

۶. کمبل، ج ۲، ص ۷۷۴

۷. سپهر، ج ۱، ص ۴۹۶-۴۹۵

۸. همانا ناطق، از ماست که برماست، ج ۳، (تهران: آگاه، ۱۳۵۷)، ص ۵۵

۹. معطوفی، استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران، ص ۲۵۶

جناب حاجی، امیر تومان دستور العمل این سفر خیریت اثر را از من می‌خواهد، همین است که می‌گویم وقتی که می‌روند به رعیت دم راه خوش رفتاری کنند با گو کلان و یموت خدمتکار بسیار مهربان باشند صاحب منصب‌ها شب بیدار هوشیار قراول‌ها باشند که نخوانند به اطراف بی‌معامله و شکار پراکنده نشوند سوار بیرونی محمد حسن خان و استرآبادی همیشه در اردوی امیر تومان باشند که بلدند از کالپوش می‌روند به لب گرگان از آن جا که از مکانی که بلدها صلاح می‌دانند می‌روند به لب اترک اول به ترکمان‌ها اعلام بکنند که خدمت کنید گرو بدهید با مهربانی رفتار نمایند. اگر قبول کردند و گرو مرغوب دادند که بسیار خوب اگر نه به قدر مقدور از قتل و غارت مضایقه نکنند حسینی‌قلی و گامیش تپه و نوهای ترکمان باید به فضل خدا ویران بشود از اترک حالا چون بارش است می‌توان به یورت یموت‌ها که بالخان است رفت.

این حکم این است اگر صلاح‌دید دانست که پیشرفت دارد با قشون خراسانی یا بی‌آن‌ها اگر توانست برود اگر نتوانست نرود. ۲۲ شوال سنه ۱۲۵۷^۴ چون خسارات و زیان‌های فراوانی از سوی ترکمانان به سکنه و عابربین خراسان می‌رسید و هنگام قطع طرق و شوارع هر چه از شیعیان و زائران به اسارت می‌گرفتند خرید و فروش آن‌ها را نه تنها جایز بلکه واجب می‌دانستند. لذا ناصرالدین شاه دفع آن‌ها را لازم دید و به حشمت‌الدوله دستور داده شد تا ترکمانان را از سرخس اخراج و قلعه‌ای مستحکم در آن جا بنا کند.^۵

در این دوره، سیاست امیر کبیر در آغاز متوجه ترکمانان شد. زیرا بدون مطیع کردن ترکمانان، ناحیه شمالی خراسان تا کرانه دریای خزر نمی‌توانست امن گردد. و نیز دستبرد ترکمن‌ها به ساحل استرآباد و کشتی‌های روسی بهانه‌ای برای دخالت روس‌ها می‌گردید که نمونه آن وقایع آشوراده بود. در این دوره ترکمانان سالور و مرو فرمانبردار شدند و ۱۱ نفر از رؤسای آن‌ها از جمله شاه مراد خان و جهان مراد خان و حتی زن شاه مرادخان اوایل سال ۱۲۶۵ به تهران آمدند. دولت آنان را نواخت و مسئولیت آرامش و ایمنی مرو را به آنان سپرد. طایفه یموت نیز به اطاعت گردن نهادند و خلعت برای سرکردگان آن‌ها فرستاده شد. اما طایفه گوکلان هم

جنگ ترکمانان برونند به عناوین مختلف از مردم باج و خراج گرفته و اخاذی می‌کردند.^۱

در زمان محمدشاه وضع غیر عادی زدو خورد‌های جزئی بین ایرانیان ولایت استرآباد و ترکمن‌های یموت دشت گرگان بر اثر اعزام قوای کلانی که از طرف شاه برای الزام طوایف به پرداخت باج و استرداد اسیران فرستاده شده بودند به صورت تازه‌ای درآمد. نتیجه آن لشکرکشی درست مانند موارد قبلی بود. ترکمن‌ها عقب نشینی و ایرانی‌ها آن‌ها را تعقیب می‌کردند و ترکمن‌ها وادار به پرداخت مالیات و تحویل اسیران شدند. ولی وقتی که گروهان ایرانی مراجعت کردند ترکمن‌ها باز از دشت‌های خود حرکت نموده پیشه راهزنی را از سر گرفتند. شاه به قدری در موضوع به اسارت گرفتن اتباع خود حساسیت داشت که سرانجام در صدد برآمد بر ضد خان خیوه که پایتخت او از مراکز عمده بردگان بود لشکرکشی کند و برای جلوگیری از وقوع جنگ تازه‌ای در آسیا به کاردار سفارت انگلیس در تهران پیشنهاد کرد که یکی از اعضای سفارت را به خیوه بفرستند.

شاه نیز سفیری فرستاد. اما کار این هیأت موفق نبود و خان خیوه فقط موافقت کرد عده‌ای از اسرای ایرانی را با اسرای ترکمن که در دست ایرانیان بودند معاوضه کنند. به همین منظور نماینده‌ای از خیوه به تهران آمد. پس از مرگ خان خیوه جانشین او اقدام به آزادسازی ۱۵۰۰ اسیر ایرانی کرد.^۲

علاوه بر این محمدشاه فرستاده‌ای را نیز به نزد خان بخارا گسیل داشت و پیام داد که شهر مرو را ویران کردی و اسیران بردی و بیرامعلی خان که نسبت با قبيله قاجار داشت هلاک کردی. اکنون اسیران را بازفرست و هر چه کردی جبران کن و گرنه آماده جنگ باش که من به بخارا خواهم آمد و همان رفتاری را که با مرو و بیرامعلی خان کردی با تو خواهم کرد. خان بخارا اسیرانی را که تا آن زمان نزد او بوده و شامل ۸۰۰۰ تن می‌شد به علاوه مقداری هدایا برای فرستادن به نزد شاه آماده کرد اما با جنبش لشگر روس محمدشاه روی از آن جا برگرداند. ۳۰۳ رسانی که مربوط به سال ۱۲۵۷ ق، است محمد شاه در فرمانی به سپاهیان‌ش نحوه برخورد با ترکمانان را این گونه شرح می‌دهد:

۱. بروگش، ج ۲، ص ۷۰۳

۲. گرانث و آتسن، تاریخ ایران دوره قاجاریه، ج ۲، ترجمه ع، و حید مازندرانی، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۸)، ص ۳۱۵-۳۱۴.

۳. سپهر، ص ۸۱-۸۲

۴. فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار، ج ۱، ج ۲، به کوشش رضافرستی، (تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲)، ص ۲۶۷

۵. خورموجی، ص ۲۴۸

چنان به سرکشی ادامه می‌داد و اواخر سال ۱۲۶۵ سپاهی به سرکوبی آنان رفت و با شکست آن‌ها نظم و آرامش در منطقه ترکمن نشین برقرار گردید.^۱ در سال ۱۲۶۷ ق، نیز با سدی که امیرکبی ر در گرگان بنا کرده بود آب رودخانه به بستر تازه‌ای افتاده و به آبادانی گرگان افزود. دولت در آن جا ترکمنان را از پیشه راهزنی منع و به کار و زراعت واداشت.^۲ هم مرادخان و جهان مرادخان و حتی زن شاه مرادخان اوایل سال ۱۳۶۵ به تهران آمدند. دولت آنان سپرد.

طایفه یموت نیز با اطاعت گردن نهادند و خلعت برای سرکردگان آن‌ها فرستاده شد. اما طایفه گوکلان هم چنان به سرکشی ادامه می‌داد و اواخر سال ۱۲۶۵ سپاهی به سرکوبی آنان رفت و با شکست آن‌ها نظم و آرامش در منطقه ترکمن نشین برقرار گردید.^۳ در سال ۱۲۶۷ ق، نیز با سدی که امیرکبیر در گرگان بنا کرده بود آب رودخانه به بستر تازه‌ای افتاده و به آبادانی گرگان افزود. دولت در آن جا ترکمنان را از پیشه راهزنی منع و به کار و زراعت واداشت.^۴ هم چنین در این سال امیرکبیر یکی از برجسته‌ترین فرماندهان نظامی خود مراد میرزا احسام السلطنه را مأمور سرکوبی ترکمن‌های سرخس کرد و محمد ولی خان را به بیگلربیگی استرآباد فرستاد تا ترکمن‌های یموت و گوکلان را تحت کنترل درآورده و عوامل مستعد شورش را نابود نماید. امیرکبیر راه حل سومی را نیز برگزید که برخلاف دو مورد قبلی نظامی نبود بلکه تنها از لحاظ سیاسی مورد توجه بود. به این منظور سفیری به خیره فرستاد تا در روابط صمیمانه خیره و تراکمه خلل ایجاد کرده و خان خیره را به قطع حمایت از ترکمن‌ها ترغیب کند.^۵ خان خوارزم در مقابل خواسته رضاقلی خان که به این منظور و نیز آسازای اسرای دربند به خوارزم رفته بود، از آزادی اسرای ایرانی خودداری کرد زیرا معتقد بود که اگر اسرا را آزاد کند قزلباشان گمان خواهند کرد که از آن‌ها ترسیده و هر روز حکمی تازه بر آن‌ها تحمیل خواهند کرد، بنابراین رد کردن اسرا را به مصلحت نمی‌دانست.

با وجود تمام این اقدامات اما باز همین سرکشی‌ها از سوی ترکمنان ادامه داشت. به طوری که در طی سال‌های مختلف گزارش‌هایی از جنگ و گریزهای

حاکمان و والیان با ترکمنان به ثبت رسیده است. در بین این سال‌های مختلف گزارش‌هایی از جنگ و گریزهای حاکمان و والیان با ترکمنان به ثبت رسیده است. در بین این سال‌ها مهم‌ترین جنگی که با ترکمنان صورت گرفت جنگ مرو بود. این جنگ در سال ۱۲۷۷ ق، میان ترکمن‌ها و قوای ایران به فرماندهی حشمت‌الدوله والی خراسان در زمان وزارت قوام‌الدوله روی داد. سپاه ایران با وجود پیشرفت‌های اولیه به علت ضعف فرماندهی شکسته خورد و هزاران سرباز ایرانی اسیر ترکمن‌ها شدند. به همین دلیل دولت ایران قدرت‌های محلی را تقویت می‌کرد تا آماده مقابله با ترکمن‌ها باشند و در این راستا سرخس تا کناره دریای خزر به قدرت‌های محلی واگذار شد و بیش از نصف این حدود در حوزه حکمرانی ایلخانان شادلو قرار گرفت.^۶ به این ترتیب پس از این جنگ دامنه تجاوزات ترکمن‌ها به خراسان گسترش یافت و مأمورین انتظامات طبقه ناچار برای آن‌ها جاسوسی کرده و در تاراج اهالی با آن‌ها شرکت می‌کردند.^۷ این شکست تا مدت‌ها هر گونه اعتماد را از قوای نظامی ایران و ناصرالدین شاه سلب کرد و تا حدود زیادی به غرور و ثروت ترکمن‌ها افزود. چون کلیه بار و بنه ارتش و تعداد زیادی حیوانات بارکش را غنیمت گرفته بودند و فدیهای زیادی برای آزادی اسرا به آن‌ها پرداخت شده بود در اختیار گرفتن این غنایم باعث شد تا در چپاول حریص‌تر شده و تا سال‌ها بعد به تهاجمات خود ادامه دهند.^۸ پس از این شکست دیگر هیچ گونه کوششی از سوی دولت ایران برای تصرف مجدد نواحی آسیای مرکزی برنیامد. در سال ۱۸۶۱ م، ترکمن‌ها به سرخس حمله کردند اما شکست خورده و تعدادی از توپ‌هایی که در جنگ مرو به دستشان افتاده بود مسترد شد. از این تاریخ روس‌ها که مانعی در برابر خود نمی‌دیدند شروع به پیشروی در ترکستان و ماوراءالنهر کردند.^۹

۶. هدایت، سفارت‌نامه خوارزم، ص ۷۳
 ۷. محمد حسن بن علی اعتمادالسلطنه، الماد والاتار، (تهران: کتابخانه سنائی، بی‌تا) ص ۴۵-۵۲
 ۸. سرپرستی مولسورت سایکس، سفرنامه سرپرستی سایکس با ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، (تهران: لوحه، ۱۳۶۳)، ص ۱۸
 ۹. آدریان دوریس هی تیه، یادداشت‌های سیاسی کنت دو گوینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، (تهران: جویا، ۱۳۷۰)، ص ۳۲۷-۳۳۶
 ۱۰. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۲، (تهران: سیمرغ، ۱۳۵۵)، ص ۲۷۱

۱. آدمیت، ص ۶۰۲
 ۲. همان، ص ۳۹۹
 ۳. آدمیت، ص ۶۰۲
 ۴. همان، ص ۳۹۹
 ۵. سارلی، تاریخ ترکمنستان، ص ۵۶-۵۵

با وجود تمام این اقدامات اما باز همین سرکشی‌ها از سوی ترکمنان ادامه داشت. به طوری که در طی سال‌های مختلف گزارش‌هایی از جنگ و گریزهای

عبدالوهاب خان آصف الدوله، مربوط به سال ۱۳۰۳ ق، است که می‌گوید:

بنده احکامی که لازم بود در فقره مراقبت از عدم عبور ترکمان بجنورد و نردین و جاهایی که متعلق به خراسان است با آدم مخصوص فرستاد، حالا تلگرافی از تلگرافچی میان دشت رسید که چهار روز قبل، چهار سوار ترکمان در دهنه زیدر به زوار یزدی برخوردی پولی که داشته‌اند گرفته در دستجرد هم مبلغی از زوار کرده چون اینجاها متعلق به خاک شاهرود و بسطام جمعی نواب والا ضیاء الدوله است تا از آن جاها عبور نکنند به خاک خراسان نمی‌آیند بنده با همین چاچار آن چه لازم بود در تأکید این فقره و مراقبت در این امر به نواب معزی البیه نوشته لازم است از طهران هم تلگرافاً تأکیدی به ایشان بشود.^۸

از نمونه‌های دوره بعد می‌توان به سندی اشاره کرد که متعلق به سال ۱۳۲۷ ق، می‌باشد و در آن سه نفر همراه با خانواده‌هایشان برای زیارت امام رضا رفته بودند. آن‌ها در بین راه مورد حمله ۶ سوار ترکمن و ۳ نفر پیاده قرار گرفته و از آستان قدس تقاضای کمک داشتند.^۹ سرانجام در زمان رضاخان با سیاست‌هایی که در مورد عشایر به کار گرفت به این تجاوزات پایان داده شد.^{۱۰}

نتیجه‌گیری

در دوره قاجار حملات ترکمن‌ها به ایران به ویژه مرزهای شرقی و شمال شرقی ایران به دلایل مختلفی جریان داشت. در طی این حملات افراد زیادی از جمله زائران را به اسارت می‌گرفتند. از آن جا که یکی از مکان‌های زیارتی شیعیان در خراسان وجود داشت و علی‌رغم خطرات فراوان همه ساله عده زیادی به زیارت این مکان مقدس می‌رفتند در بین راه مورد حمله ترکمانان واقع شده و به صورت اسیر و برده به فروش می‌رسیدند. حکومت قاجار به روش‌های گوناگونی سعی می‌کرد با این حرکات تراکمه مقابله کند اما تلاش‌های آن‌ها نتایج قابل توجهی در بر نداشت و ترکمن‌ها هم چنان به تهاجمات خود ادامه می‌دادند.

عزل میرزا حسین خان سپهسالار دولت ایران حاضر به مذاکره با روس‌ها شد تا شاید بتواند از قتل و غارت اشرا ترکمانان جلوگیری کند.

به همین منظور در اوایل سال ۱۲۹۹ ق، معاهده آخال بین دو دولت به امضا رسید.^۱ زمانی که ناصرالدین شاه خبر تصرف گوگ تپه را به وسیله قوای ژنرال اسکوبلف روسی شنید از این که بعد از مدت‌ها مرزهای شمالی کشور امن می‌شدند و خطر ترکمانان از بین می‌رفت خوشحال بود و به موجب پیمان آخال از کلیه دعاوی خود نسبت به ترکستان و ماوراءالنهر چشم‌پوشی کرد و رود اترک مرز میان دو کشور شناخته شد در مقابل دولت روسیه متعهد می‌شد که از تجاوز قبایل ترکمن به ایران جلوگیری کند.^۲ قبل از عقد قرارداد آخال در سال ۱۸۴۲ م. با امضای عهدنامه‌ای باید برده‌فروشی در خپوه لغو و امنیت تضمین می‌شد.^۳ وقتی روس‌ها خپوه را در سال ۱۸۷۳ م. فتح کردند علاوه بر آزاد کردن اسرای روسی چند صد نفر از اسرای ایرانی را نیز که سالها در آنجا در اسارت بودند آزاد کردند و بازارهای برده‌فروشی در خپوه بخارا تعطیل شد.^۴ به این ترتیب هر چند کلنل بیت در سفرنامه‌اش می‌گوید که ایرانی‌ها باید از روس‌ها متشکر باشند که ترکمن‌ها را سر جای خود نشاندند و دیگر از هجوم آن‌ها خبری نیست و تنها خطری و تنها خاطره تلخ آن حملات مانده است.^۵ اعتمادالسلطنه نیز در یادداشت‌های خود به هنگام ذکر از معابر خراسان چون میامی و مزینان که قبلاً کمینگاه ترکمانان برای اسارت زوار بود می‌گوید: حالا از دست روس‌ها و ضرب شمشیر آن‌ها امن شده، زراعت کرده‌اند و آب مختصری دارد ۰۰۰ اما تجاوزات و شرارت‌های ترکمانان هم چنان ادامه داشت. مخصوصاً این که خود روس‌ها هم برای ناامن کردن خراسان پنهانی این تجاوزات را تشویق می‌کردند. به همین دلیل مناطق شمالی خراسان و گرگان هم چنان آسیب پذیر بود.^۶ دلیل بر ادامه ناامنی‌ها سندی از میرزا

۱. محمد محمود، تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹ و ۲۰، (تهران: اقبال،

۱۳۶۷)، ص ۱۱۹۶-۱۱۹۵

۲. هوشنگ مهدوی، ص ۲۷۳

۳. بیوکارلوترنیو، رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹)، ص ۵۹

۴. موزر، ص ۱۲۳

۵. چارلز ادوارد بیت، سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، (تهران: یزدان، ۱۳۶۵)، ص ۱۴۶

۶. محمد حسن بن علی اعتمادالسلطنه، یادداشت‌های روزانه اعتمادالسلطنه، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: آبی، ۱۳۸۵)، ص ۶۸

۷. سهام الدوله و خاور بی بیشادلو، ص ۵-۶

۸. اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله (گزیده اسناد خراسان)، به کوشش عبدالحسین نوایی و نیلوفر کسری، (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد مستضعفان و جانبازان، ۱۳۷۷)، ص ۱۲۳

۹. مرکز اسناد آستان قدس رضوی، پرونده شماره ۲۵۰۹۴، ص ۳

۱۰. همان، پرونده شماره ۷۱۷۱۶، ص ۱

فهرست منابع

- آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، ج ۷، (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲)، ص ۶۰۰
- آصف، محمدهاشم، رستم التواریخ، به تصحیح محمد مشیری، ج ۲، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۲
- اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، تهران، وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۲.
- اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روس و عثمانی، ج ۲، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران: نشر تاریخ ایران، (۱۳۶۵).
- اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله (گزیده اسناد خراسان). به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران: نشر تاریخ ایران، (۱۳۶۵).
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی. یادداشت‌های روزانه اعتمادالسلطنه. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: آبی، (۱۳۸۵).
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی. المآثر و الآثار. تهران: کتابخانه سنایی، بی‌تا.
- اولیویه، سفرنامه اولیویه: تاریخ اجتماعی اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا وهرام، تهران: اطلاعات، (۱۳۷۱)
- بارنز، آلکس. سفرنامه بارنز (سفر به ایران در عهد فتحعلی شاه قاجار). ترجمه حسن سلطانی فر، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، (۱۳۶۶)
- باسورث، کلیفورد ادموند و دیگران. تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. گردآورنده ج. آ. بویل، ج ۵، ج ۲، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر، (۱۳۷۱)
- روکش، هینریش. سفری به دربار سلطان صاحبقران. ج ۲، ترجمه محمد حسین کردبچه، تهران: اطلاعات، (۱۳۶۷)
- پولاک، یا کوب ادوارد، سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهانگیری، (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱)، ص ۳۹.
- ترنزیو، پیو کارلو. رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان. ترجمه عباس آذرین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، (۱۳۵۹).
- ترنزیو، پیو کارلو، رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان. ترجمه عباس آذرین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
- خانیکوف، نیکولای دیمیروویچ. سفرنامه خانکوف گزارش سفر به بخش جنوبی دریای خزر. ترجمه اقدس یغمائی و ابوالقاسم بیگناه، مشهد: مؤسسه و انتشارات آستان قدس رضوی، (۱۳۷۵).
- خورموجی، محمد جعفر، حقایق الاخبار ناصری، ج ۲، به کوشش سید حسین خدیور جم، (تهران: نشر نی، ۱۳۶۳)، ص ۱۱۸
- ژوبر، پیر، آندره، امیلین، پروپ. مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، (۱۳۴۷)، ص ۱۹۶
- سارلی، آراز محمد تاریخ ترکمنستان، ج ۱، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، (۱۳۷۳)
- سارلی، آراز محمد. ترکستان در تاریخ (نگرشی بر ترکستان در نیمه دوم قرن نوزدهم). تهران: امیر کبیر، (۱۳۶۴)
- سایکس، سرپرسی مولسورث. سفرنامه سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران. ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: لوحه، (۱۳۶۳)
- سپهر، محمد تقی لسان‌الملک، ناسخ‌التواریخ، ج ۳، به کوشش جمشید کیانفر، (تهران: اساطیر، ۱۳۷۷)، (۱۹۳)
- سهام‌الدوله، یار محمد خان و خاور بیبی شادلو. سفرنامه‌های سهام‌الدوله بجنوردی. به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، (۱۳۷۴)
- سیاح محلاتی، محمد علی. خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: ابن‌سینا، (۱۳۴۶).
- سیف‌الدوله، سلطان محمد. سفرنامه سیف‌الدوله (معروف به سفر مکه). تصحیح علی اکبر خداپرست، تهران: نشر نی، (۱۳۶۴)
- ایوان اوسیویچ سیمونینچ، خاطرات وزیر مختار از عهدنامه ترکمنچای تا جنگ هرات، ترمه یحیی آرزین پور، (تهران: پیام، ۱۳۵۳)، ص ۳۶.
- شیرازی، میرزا فضل‌الله. تاریخ ذوالقرنین. به تصحیح ناصر افشار فر، ج ۱ و ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۸۰).
- شیل، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حین ابوترابیان، تهران: نشر نو، (۱۳۶۲)
- طاهری، ابوالقاسم. جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان. تهران: انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، (۱۳۴۸)
- عسگری خانقاه، اصغر و محمد شریف کمالی. ایرانیان ترکمن پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی، تهران: اساطیر، (۱۳۷۴)
- فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار، ج ۱، ج ۲، به کوشش رضا فراستی، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، (۱۳۷۲)
- فریزر، جیمز بیلی. سفرنامه فریزر به سفر زمستانی. ترجمه منوچهری امیری، تهران: توس، (۱۳۶۴)
- قره‌گزلو همدانی، عبدالله. دیار ترمین، (سفرنامه پسر اعتمادالسلطنه). به کوشش حسین صمدی، قائمشهر: بی‌تا. (۱۳۷۱)
- کمبل، جان نیکل رابرت. دو سال آخر: یادداشت‌های روزانه سر جان کمبل. به کوشش ابراهیم تیموری، ج ۱ و ۲، تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۸۱۹)
- گلی، امین. تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها. تهران: نشر علم، (۱۳۶۶۰)
- گوینو، ژوزف آرتور، جنگ ترکمن با آیین تمام‌نمای اوضاع و احوال اجتماعی و اداری و کشوری و لشکری ایران در گذشته از زبان یک سرباز روستایی، ترجمه محمد علی جمالزاده، (تهران: جاویدان، ۱۳۵۷)، ص ۱۶۶
- لوگاشوا، بی بی رابعه. ترکمن‌های ایران. ترجمه سیروس ایزدی، حسین تحویلی، تهران: شباهنگ، (۱۳۵۹).

لیدی شیل، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترایان، تهران: نشر نو، (۱۳۶۲)
 محمد احمدی، آنه، تاریخچه خلق ترکمن، بی‌جا: قابوس نشریانی، بی‌تا.
 محمود، محمود، تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹، ج ۴، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (۱۳۸۳).
 معطوفی، اسدالله، تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمان، ج ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (۱۳۸۳).
 معطوفی، اسدالله، استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران، ص ۲۵۰
 مفتون دنلی، عبدالرزاق بن نجفقلی. مآثر سلطانیه. تصحیح زرگری نژاد، تهران: روزنامه ایران، (۱۳۸۳)
 مک گرگر، سی‌ام. شرح سفری به ایالت خراسان. ترجمه مجید مهدیزاده، ج ۱، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.

موریه، جیمز. حاجی بابای اصفهانی. مجموعه ۳ جلدی، تهران: بنگاه پروین، (۱۳۳۰).
 موزر، هنری. سفرنامه ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی). به کوشش محمد گلبن، تهران: انتشارات سحر، (۱۳۵۶)
 میرپنجه، اسماعیل. خاطرات اسارت: روزنامه سفر خوارزم و خیوه. به کوشش صفاء الدین تبرائیان، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، (۱۳۷۰).

ناطق، هما. از ماست که بر ماست. ج ۳، تهران: آگاه، (۱۳۵۷)
 نوری، محمدتقی بن محمد مهدی. اشرف التواریخ. به تصحیح سوسن اصیلی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، (۱۳۸۶)
 واتسن، گرانت. تاریخ ایران دوره قاجاریه. ترجمه وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: امیر کبیر، (۱۳۴۸).
 وامبری، آرمینیس، تاریخ بخارا از کهن‌ترین روزگاران تا کنون، ترجمه محمد روحانی، (تهران: سروش، ۱۳۸۰)، ص ۳۴۸
 وامبری، آرمینیوس. سیاحت درویش دروغین در خانات آسیانه میانه. ترجمه فتحعلی‌خواجه نوریان، ج ۴، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

۵۱- وهرام، غلامرضا. نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار. تهران: معین، (۱۳۸۵).
 ۵۲- هدایت، رضاقلی خان. تاریخ روضه الصفاى ناصری. به تصحیح جمشید کیانفر، ج ۹، تهران: اساطیر، (۱۳۸۰)
 ۵۳- هدایت، رضاقلی خان. تاریخ روضه الصفاى ناصری. به تصحیح جمشید کیانفر، ج ۹، تهران: اساطیر، (۱۳۸۰).
 ۵۴- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۲، تهران: انتشارات کتابهای سیمرخ وابسته به انتشارات امیر کبیر، (۱۳۵۵)
 ۵۵- آدریان دوریس هی تیه، یادداشت‌های سیاسی کنت دو گوینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، (تهران: انتشارات جویا، (۱۳۷۰)، ص ۳۲۷-۳۳۶
 ۵۶- بیت، چارلز ادوارد سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، (تهران: یزدان، (۱۳۶۵)، ص ۱۴۶
 اسناد

۱- مرکز اسناد آستان قدس رضوی. پرونده شماره ۲۵۰۹۴

۲- مرکز اسناد آستان قدس رضوی. پرونده شماره ۷۱۷۱۶

Sustainable Development in Southeastern of Iran

Iraj Afshar Sistani¹

Received: 2013/9/18

Accepted:2013/10/27

Abstract

Sistan and Baluchestan as a vast and strategic province is located in the south of Iran and north of Oman Sea and east of Afghanistan and Pakistan and historically has been one of the most ancient and fruitful manifestations of Iranian cultures. (Rovlinson,1999; 34) and remained ever sustained for a period of more than ten thousand years and the splendid works of Iranian culture with different forms are manifested in this province. (Afshar Sistani, 2002, 17).

Sistan and Baluchestan is considered as the realm of the legends and epics, center of urbanization communities, a link bridge between Eastern Asia with India and China and a corridor used by commercial caravans (Kheirabadi, 1997; 97).

Given dominance over Indian Ocean and Oman Sea as well as its own special physical position, southeastern of Iran enjoys a strategic value. This region is placed at the beginning of land roads which is the point intersection of superpowers and then has historically achieved a special political and military position for its town. (Afshar Sistan, 2002; 44).

Insecurities origin existed in East of Iran, is a combination of political, economical, cultural, military, social concerns and for the purpose of confronting them, consideration of combination of solutions and methods is must. We can point to the coexistence of economic interests ordinary people of this area and insurgence and insecurity. The responsible bodies shall organize this link against current stream within an organized planning.

Mental and cultural damages, tendency toward taking narcotic substances and the risks associated to it, has threatened not only the Islamic Republic of Iran, but also world communities. However, having enjoyed the national costs and expenditures, Iran has solely assumed the responsibility to challenge with the world threat.

In order to challenge with smuggling and insecure frontiers, it is necessary that a global will to be formed and the associated costs and expenditure are paid by all of the countries.

Keywords:

Sistan and Baluchestan, Strait of Hormuz, Indian Ocean, Afghanistan, Pakistan

1. PhD in Sociologist, Author and Iran-researcher.fshnf@gmail.com

Kharazm , Corner of Territories Greater Khorasan from Hands and Minds Gone

Amir Rahmani¹, Mohsen Ghorbankhani²

Received: 2013/10/7

Accepted:2013/11/23

Abstract

Great Iranian Empire was a vast territory that now each of them has become an independent state. Due to its special geographical position has always been the land of Kharazm was attacked by aliens. Since awareness from history of cultural identity and social changes seems necessary the starting point, the aim of the present study, understanding and remembering the corner from the date of Kharazm and civilization is one of the Greater Khorasan territories (Except the territorial of Iran the great Aryan race or country of origin where it is located). This research is based on descriptive method - analytical study and a Library and Archives. In this context articles, books, research and design of internal and external documents related to the subject toward achieving the goal the research was used. The findings indicated Kharazm only due to the large rivers and lakes, fertile soil, and water are not known and it is great, but the land of the Aryans have mentioned it as the origin, Due to the efforts and suffering, thousands of years of civilization, Iranian filmmakers and the teachings of their leaders, had been transformed into a paradise on earth. Of these North Heaven of the Holy Land's greatest heroes, scholars, Soufian and Iran and the world have come, therefore, to recognize the greatness of the Iranian nation and the science of heart and effort, and thrived for thousands of years Iranian were, Should be archeological research and the remaining works of that period are now mostly buried, we draw their attention.

Key words:

Kharazm, Greater Khorasan, History and Civilization, Culture, Iran

1. Lecturer of Urbanism Department, Young Researchers and Elites Club; Islamic Azad University, Hamedan, email: Amir_Rahmani_1366@Yahoo.com

2. Bachelor of Urbanism, Young Researchers and Elites Club, Islamic Azad University, Hamedan

(Eastern Nations in Ferdowsi Thoughts and Shahnameh) Omid shiva¹

Received:2014/1/12

Accepted:2014/3/10

Abstract

The western always keep a close eye on eastern civilization through out the history. Toward doing a survey and getting to an understanding of their knowledge, customs and conventions a new field of study was created-orientalistic-. Unfortunately its principles have been emphasized on discrimination and segregation of eastern and western and eastern –assuming the supremacy and dominancy of the western out look-. Looking down on eastern civilization did not last long as recent archeological and fair scientific findings revealed values of the eastern out-look made the western to respect it.

The dawn of eastern civilization was much sooner than the western one. The oldest city of the ancient world in Mesopotamia in Iraq, Jiroft in Iran and Mohenjoudarou in India were of incredible civilization.

Formation of big empires in Iran , China and India were concomitant to stating of city dwelling in other parts of the world, so it would be looking into ourselves from western out-look put us to shame.

In this essay I am to do a survey on racial and geographical distribution of eastern nations making a historical comparison with what has been mentioned in Shahnameh and then we do a survey on these nations' customs, conventions and mythology. It goes without saying that this essay can not account for a full discussion of so I ignored the civilizations and nations not mentioned very often in Shahnameh.

Key words:

eastern nations, Ferdowsi, Shahnameh

1. Faculty Member of Cultural Heritage, email: omid-shiva2@yahoo.com

Geopolitical analysis for exit from crisis areas in East of the country

Ezatollah Ezati¹, Mohammad Hasan Nami², Vahid Barani Pesyan³

Received: 2013/12/7

Accepted: 2014/1/22

Abstract:

Ventured into the twenty-first century called the century of unpredictable developments, The developments has led to many crisis in the world, Iran's geopolitical position in the center and the centrality of the Persian Gulf and Oman Sea, Indian Ocean, Central Asia, Caucasus and Middle East energy strategy to dominate the center of the oval, plays The foundation Drastratzhy geopolitical and national security of Iran. Geopolitical areas of North, South, East and West of the country and its importance in establishing and maintaining the security of Iran are clear to everyone. Understanding the functions of these areas and can have an important role in national and international security. This paper has been using the library, the functions and the geopolitical importance of Iran and its national and international , need for accurate identification of the areas causing (Eastern regions of Iran) Been noted. Guidelines on the management of this crisis are addressed.

Keywords:

Geopolitical, National Security, Islamic Republic of Iran, Crisis, Eastern borders of the country

1. Associate Professor of Political Geography, Azad University of Tehran
2. Head of Army Geographical Department
3. PhD student of Azad University, Tehran, email: vahid_barani@gmail.com

Captive Iranian pilgrims by Torkamans and reaction of Qajar(19th century)

Masoud Moradi¹, Zahra Shabani Sani²

Received:2014/1/6

Accepted:2014/2/25

Abstract

In the Qajar period, due to the attacks on Iran especially on Khorasan province by Turkmen , many of the cities and oases extending from this region to those as far as the easth southem parts of the Caspian sea were living in insecure conditions. These tribes captivated people and looted their properties . Meanwhile, the people who were going or coming back from pilgrimages were attacked by Turkmen and they were captivated after their properties were looted and if they were old they were killed' otherwise, they were taken to slavery bazaars in Bokhara , khiva and Merv and were sold there . They could get free in case they were rich . after getting aware of this news especially if there was an important person among the slaves. Qajar dynasty gave commands to local rulers to free them and in some casesit sent ambassodars . in spite of all the efforts of the dynasty to avoid the attacks, this process went onto the end of Qajar dynasty, Because the efforts were defensive rather than preventative.

Key words:

Turkmen , Khorasan , pilgrims, the capture

1. Faculty Member of Sistan Baluchestan University
2. MA student, Sistan Baluchestan University

Historic Gardens of Birjand in Qajar and Pahlavi era

Seyyed Rasoul Moosavi Haji¹, Davood Saremi Naieni², Zabihollah Masoudi³

Received: 2013/12/28

Accepted: 2014/3/11

Abstract:

Iranian gardens, as one manifestation of the art, talent and knowledge of the people, have always been at the core of attention. In the broad land of Iran, there are valuable gardens that have extended the development of Iranian garden-making to other Islamic lands. One sample of Iranian gardens representing the garden-making art can be seen in the historical city of Birjand. The emergence and development of these gardens go back to Safavid period. When Alam family took power, the power transferred gradually from Ghohistan to Birjand. Studying the political history of Qajar and local governors show that historical gardens in Birjand were constructed in Shokat-al Molk II coinciding with Mozaffar Al-din Shah Reign. This thesis tried to study the evolutionary formation of Persian and Birjand Historical gardens. Also, it was tried to analyze the architecture of the Gardens. This research carried out on the base of Fundamental studies and according to Historical Approach. Also, methods of gathering data have been documentary and field methods. Studying the structure of gardens in Birjand show that in this region, gardens have some unique characteristics. These characteristics are as follows: Absence of water in main axis; presenting of Pine and Cypress trees in two sides with Functional and main axis; forming of main Palace toward East-West along to Northern and southern edges (such as Rahim Abad & Akbariyeh, Shoukat Abad and Behelghard); connecting to rural contexts; unique brick work techniques and arco-graph. Finally, this research tried to compare these gardens with others gardens to explain the Islamic architecture in Birjand City.

Keywords:

Iranian Garden, Historical Birjand Architecture, Birjand, Qajar, Pahlavi

1. Associate Professor of Archeology Department, Mazandaran University

2. Assistant Professor of Archeology Department, Sistan and Baluchestan University

3. MA of Professor of Archeology Department, Birjand University, email: z_masoudi@yahoo.com

Contents

Sustainable Development in Southeastern of Iran 9

Iraj Afshar Sistani

Kharazm , Corner of Territories Greater Khorasan from Hands and Minds Gone 15

Amir Rahmani, Mohsen Ghorbankhani

(Estern Nations in Ferdowsi Thoughts and Shahnameh) 29

Omid shiva

Geopolitical analysis for exit from crisis areas in East of the country 41

Ezatollah Ezati, Mohammad Hasan Nami, Vahid Barani Pesyan

Captive Iranian pilgrims by Torkamans and reaction of Qajar(19th century) 51

Masoud Moradi, Zahra Shabani Sani

Historic Gardens of Birjand in Qajar and Pahlavi era 68

Seyyed Rasoul Moosavi Haji, Davood Saremi Naieni, Zabihollah Masoudi



Quarterly Bulletin of Greater Khorasan

Imam reza International University

Vol.(4),No.(13), Winter 2013

Shapa: ISSN 2251-6131

Address: Seasonal Office, No.2298,
In front of Sae Park, Vali-e-Asr Ave, Tehran-Iran

Tell: 0098 21 887 97 369

Fax: 0098 21 888 70 745

web: www.capiui.com/ir

Email: info@capiui.ir/com

Publisher: Imam Reza International University

Editorial Director: Hamidreza Mirzaie

(Ph.D) (Associate Professor, Chancellor of Imam Reza international university)

Editor-in-Chief: Ezatollah Ezati

(Ph.D) (Associate and Director of Department Geography, Azad international University and Imam Reza university)

Manager:Sajad Kamri

*(Faculty member of Imam reza international University and
(Ph.D) student in political geography)*

Editorial Board:

Hasan Bastanirad(Ph.D) *(Assistant Professor; Shahid Beheshti international University)*

Ali Mohammad Baradaran(Ph.D) *(Professor; Psychology group of Imam Reza international University)*

Mohammad Hosein Papoli Yazdi (Ph.D) *(Professor;Geography group of Imam Reza international University)*

Kazem Jajarmi (Ph.D) *(Professor; Geography group of Azad university)*

Mohammad Reza Hafez Nia (Ph.D) *(Professor; Geography group of Tarbiat modaresinternational University)*

Mohammad Taghi Razavian (Ph.D)*(Associate Professor; Geography group of Shahid Beheshti international University)*

Karamatollah Ziari (Ph.D) *(Professor; Geography group of Tehran University)*

Karim Soleimani (Ph.D) *(Professor; History Group of Shahid Beheshti University)*

Reza Shabani (Ph.D) *(Professor; History Group of Shahid Beheshti University)*

Seyed Yahya Safavi (Ph.D) *(Associate Professor; Geography group of Imam Hosein University)*

Hasan Kamran (Ph.D) *(Associate Professor; Tehran University)*

Pirouz Mojtahed Zade (Ph.D) *(Associate Professor; Geography group of Azad University)*

Administration and Press supervisor: Amayesh Gostaran Science Institute

Layout: Bahare Eftekhari

Editors: Samira mirnezami, zeinab sadeghi Nezhad

Bulletin Khorasan's according to the legislation great historian 13/12/1390 commission country's scientific journals and with license number 258486/3 valid scientific-research.

Bulletin Khorasan's great legitimated science base in the world of Islam (ISC) index .